

## اسلامی

وقتی کتاب «اسلامی» یافت جدائی اسلامی التقاطی گردید، این حربه صوفی گرفته که انکار را مساوی انکار اسلامی کنند. صوفی بکوبند نیز مایه امید دلگرمی برای کسانی که جستجوی حقیقت هستند. این حقیقت دریافته که اسلامی حقیقی انکار ناپذیر که توجه به کریم محتوای اکرم (ا) ائمه ی معصومین (ع) برای سالکان سلوک شرعی میسر می‌پیمودن راهی این برای به می عین گمراهی هستند که مکتب اهل بیت کنند.

این وسیع علمی آیه علمای شیعه کسانی هستند که برای اسلامی اصولی نهادم برای نوسالکان طریقت دلیل راهنمای زیاد به این نتیجه رسید که شیعه کمتر کسانی به این فکر اینکه میان علمای شیعه زاهد هستند که عملی بالاترین طی کرده که آنها نمونه ی واقعی بهترین طریق سیر سلوک شرعی متأسفانه مکتوب این زمینه آنها کمتر به هر روشی که داشته باشند کرده های مکتوب ی سیر و سلوک شرعی بسیار اندک. بعضی آنها اینکه استحکام به سیر و سلوک شرعی توصیه نمی‌زیر آنها بوی صوفیگری به می فی رساله ای به «زاد السالک» رابطه سیر و سلوک به فیض کاشانی که ار موی کرده به «رهتوشه ی رهروان» (سیر و سلوک معنوی) فیض بیان این تفصیل این کتاب به کتاب السائرین.

«موی» نوشته السائرین «خواجه انصاری» انصاری موی مذکور کتاب هر هر بیان یک ی الیها می ار موی زی بیان فهرست آنها یادآور:





بازکن کسی کاری سید علی وقتی می کند میبیند جولائی ( ای )  
 می گوید : چه کار دارید می گوید : ملک به صغیریتیمی قباله ی  
 این راهی که پیش گرفته اید صحیح نیست این نیست . آیه شوشتری  
 می گوید : رفته می گوید : همان که این می گوید ویم آیه  
 فکر می این که چه سخنی تحقیق می آید می که همان  
 قباله ی ملک یتیم شهود ملکیت شاهد . بسیار می  
 می گوید : بسیاری از حکمهای که ایم این قبیل . همان می می  
 گوید : سید علی شوشتری این نیست که می روید نیز عین واقعه به همین کیفیت تکرار  
 میشود می گوید : نشوید البیت خانه بفروشد و به  
 شوید و طائفی که به گفته دهید وادی به  
 باشید . شوشتری بی می خانه می به حرکت  
 می کند اولین وحله ای که می ی هنگم می بیند که گوئی  
 زمین جوشیده گردید دستوراتی پنهان . شوشتری می  
 می کنند تامی به درجه مقامی که بیان ذکر نیست...  
 سید علی شوشتری یکی به ملاحسین قلی درجینی همدانی که  
 مجاهده ی به نیل الهی وی می نشیند  
 نیز شاگردانی تربیت که هر یک اسطوانه ای توحید آئین عظیم به  
 می ترین مکتب « میرزا « ملکی تبریزی » « سید  
 « کربلانی » « سید سعید حبوبی » « شیخ بهاری » باید .  
 بی بدیل « میرزا علی قاضی تبریزی » ( تعالی علیه )  
 مکتب سید کربلای هستند . این سلسله ی اساتید که به شوشتری به

منتهی می ولی چه کسی وبه کجا داشته این کجا به چه  
وسيله به هیچ نیست»<sup>۱</sup>.

چنانکه می بینی جاذبه ترین طریقه ی میان علمای اخیر به هیچ یک ائمه آنها  
تهی نمی به این معنی این طریقه نتوانسته سلسله مشایخ به ائمه ی اطهار ( )  
بلکه به به جولای مجهول الهویه (ملاقای ) منتهی این جای این  
که این چگونه به این اطمینان کرده ! آنهایی که عقلی استدلالی بسیار  
دقیق کنجکاو هستند به این کرده !

\*\*\*

یکی خیانتهای آشکار صوفیان این که برخی از علمای مسلک زهد پیشه ی شیعه به  
آنها حداکثر اینکه علمای شیعه هرگز صوفی  
صوفیان بیزار این « شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی » که شهر  
مشهد به زهد به . البته ناگفته این اصلی آقای  
«علی مقدادی» که کتابی به «نشانی بی نشانها» به که کاملاً بوی صوفیگری  
صورتی که گویند این موقعی که کرد چهار بیشتر نیست این  
چه کسی گرفته تحریف ه می ! کسانی که فقید سعید درک  
کرده میگویند که یک زاهد وارسته این ک قسمتی کتاب  
نیست<sup>۲</sup>.

جمله خیانت آشکار آوری کننده ی این کتاب که بعضی روایاتی که تنها در کتابهای صوفیه پیدا  
می کرده به کتابهای مذهبی فی علامه ی

---

□ . رساله لب اللباب در سر و سلوک اولی الالباب ، ص □□□□ □□□□ .

□ . درباره ی نخودکی حرفهای ضد و نقیضی شنیده میشود ، باید درباره ی او رد فرصت

دیگر تحقیق بیشتری شود.



صوفیه    فلاسفه نیست آنهم شاید    جهت    به تعلیمات    ملاصدرالدین شیرازی    غیره

ولیکن    کریم    «والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم»    «(کسانی که    کوشش کنند  
البته    آنها    به راههای (صحیح)    هدایت خواهیم کرد)    می دانسته که    فیض    حقیقت  
جوئی چیزی    هدایت خاصه ی الهی    ایشان    هر    مسلک    فلسفه برگشته    آنها اظهار  
پشیمانی کرده

رساله ی »    «که به    1083 هـ . یعنی هشت    به    به فارسی نگاشته  
آثاری    مبانی متکلمین    فلاسفه    صوفیان اظهار    کرده    آنها    «تمرین» دانسته  
ابتدای    رساله مینویسد :

«چنین گوید : مهتدی به    مصطفی    مرتضی که    تفقه    دین    تحصیل  
بصیرت    کیفیت    به تعلیم ائمه ی معصومین ( )    چنانکه در هیچ مسأله ای    به تقلید  
غیر    به .    رسید که    تحصیل    دین    راسخین نیز سعی نمایم شاید  
کمالی یابد    لیکن    راهی به    مایه ی ایمان که    دری نمی  
جهالت هم    علی    رنجه می

بنابراین چندی در مطالعه    متکلمین    می    به    جهل    جهل ساعی    طریق  
مکاملات    ین    نیز پیمودم    یک    پروازیهای متصوفه    اقاویل ایشان دیدم    یک  
روعونتهای    عندیین گردیدم    آنکه گاهی    تلخیص    کتب    می    ...    آنکه  
همه    تصدیق کرده    یا همه    تأییدکنم بلکه    آنها    کردم    سبیل تمرین مطالبی

آنها چیزی که    یا بیماریم    کند    نیافتم    جائی که برخویشتن ترسیدم  
به    به حقیقت    به گفته ی امیرمؤمنان ( ) که می گوید:

«أعذنی اللهم    الرأی فیما لایدک    يتغلغل فیہ الفكر» (یعنی خدایا به    می    که رأی  
بدهم    چیزی که    درک نمی کند    فکر هم هرچند به    نمی یابد).

به نالیدم به . خدای مهربان نیز به برکت دین پایدارش  
 رهنمون گردید مجید احادیث انبیاء ائمه‌ی هدی ( ) بیندیشم به حوصله  
 درجه‌ی ایمانم حدیث چیزها به اطمینان یافت وسوسه‌ی شیطان کرد  
 شکر که به حقیقت گردانید».

بدین ترتیب فیض که آنچه طریقه‌ی این مرامها نگاشته جنبه‌ی تمرین اندوزی  
 برای وی پشیمانی ی خطبی که وی فریبی که این  
 می‌دهد:

خدعونی نه‌بونی اخذونی غلبونی عدونی کذبونی فالی  
 وی اخیر رساله ی به که : «نه متکلم نه نه نه  
 متکلف، بلکه حدیث پیغمبرم اهل بیت».

این تجربه‌ی ای که فیض سالها تحقیق به چنین اظهار داشته :  
 « این که تفتیش فکرهای دوراندیش مختلفه به کنه  
 هر یک رسیدم».

وی رساله اشعاری که حاکی به پایان :  
 هر جمیلی که بدیدیم یار شدیم هر جمالی که شنیدیم شدیم  
 کبریای روی تکبیر زدیم همه‌بیزار شدیم  
 شفای به پی‌نسخه‌ی شدیم  
 فیض در کتاب «العیون» که 1378 به رسیده می‌گوید:

« اخونی هداکم کما هدانی انی اهتدیت الثقلین اقتدیت المصطفین الی  
 سوی هدی الهدی هدی ».



(نه متکلم نه نه نه متکلف بلکه حدیث پیغمبر اهل بیت  
حیرت افزاری کرانه سوی مجید حدیث اهل بیت آنچه به این  
بیگانه هرچه همه یاد حدیث که تکرار می کنم)<sup>۱</sup>.

اینکه اینها حکیمی که عمری کسب فلسفه یونان کرده ی کامل  
عقلی دیده آنکه متوجه که کلمات آنها دردی نمی حقیقتی ظاهر نمی  
به به سرچشمه ی حقیقی واقعی یعنی احادیث معصومین ( )  
رسانیده .

که آیندگان بگیرند راهی که دیگران رفته پشیمان برگشته  
گذشته ضایع کرده .

نظیر قضیه ی فیض کاشانی قضیه ی وارسته « میرزا مهدی اصفهانی »<sup>۲</sup> ایشان  
اصفهان رهسپار برای اولیاء امیرمؤمنان ( )  
اساتید علمیه به هنگامی که تحصیل نیز آنکه  
«آیه سید کاظم طباطبائی» « الوثقی » کتب فلسفه جایز نمی  
تحصیل آنها بودیم.

ای دیدم کافی برای نیل به ندیدم اینکه سید کربلایی که  
آمیرزا حسینقلی همدانی سالیان درازی (قریب بیست ) رشته

□ . پایان سخن مرحوم فیض .

□ . میرزا مهدی اصفهانی (خراسانی) (۱۲۸۰ - ۱۳۵۰ ق) از علمای بزرگ و نوادر روزگار  
بود . موفقیت هایی که در علم و عمل نصیب این عالم ربانی و دلسوخته دین گشته بود به خود  
او منحصر نمانده بلکه اشعه ی آنها به برکت تربت پاک امام هشتم به حوزه ی علمیه مشهد  
بتافت و هم اکنون که پیش از نیم قرن از فوت آن مرحوم میگذرد آثار وجودی و برکات او نه  
تنها درحوزه ی خراسان بلکه در حوزه های دیگر نیز مشهود است (مکتب تفکیک ، ص ۱۱۱)  
- (۱۱۱).

کار می کردم که اکابر مرحله می برکات هدایت می که  
 فلسفه مخالفت‌های بسیار با کلمات روایات ولی رشته به همان  
 رویه ادامه می لیکن کامل به آنها به نمی دیدم.

یک متنبه که ای کار دین و مذهب بازی کردن دیی و مذهبی کار یست  
 هلاکت ابدی پیش به حقیقت ابدی هلاکت ابدی  
 خواهم ولی افکار آنها مشکل می می که

روایات فلسفه ی یونان حقیقت سه که تأویل توجیه بسیار باید  
 آنها به روایات چسبانید هم پیدا نمی کند استادی پیدا کنم که لایق

این در میان صورتی که اساتید این می به فکرم رسید اکنون بزرگترین استادی که پیغمبر که همه  
 کرده پیشگاه نالیدم زاری به بقیة فرجه موقعی

هود به که بیداری دیدم ایستاده

کاغذی که مزین روی سینه ی دیدم صفحه به یک

نوشته : ) غیرنا اهل البیت لانکارنا یعنی تحصیل دینی غیر اهل

بیت نکار می ) . پائین کاغذ دیدم که به ریزتری نوشته ) اقمنی

( یعنی داشته هستم).

این نامه ی مبارک که نورانیتی می کردم ذهن  
 گردیده بود که گویا فسادهای فلسفه آنها دین  
 آشکار می دیدم!

\*\*\*

□ . این مطالب را آقاسید محمد باقر نجفی فرزند مرحوم سید عبدالحی طباطبائی نقل کرده و در

کتاب چهارم خلاصه مطالبی از دین اسلام ، چاپ شده است.

بعضیها علامه طباطبائی صوفیه برای اینکه آنها داشته  
اینکه به صوفیه انتقادهای اصولی و اساسی داشته وی ی  
می نویسد:

«جمعی مشایخ صوفیه گفته: طریقه ی امری اختراعی که شریعت ی  
چیزی نگفته. لیکن طریقه ی خوبی که خدای می چنانکه طریقه ی رهبانیت نیز که  
میان مسیحیان پیدا پسندید چنانکه:

«رهبانیتی کردند که وظیفه ی بودیم رضای وظیفه ی ایا  
بودیم رهبانیت (ترک یا) نیز رعایت نکردند بجای نیاوردند» (ی حدید: آیه

:27).

ی صوفیه پذیرفتند و همین برای سلوک رسوم پدید که دین  
سابقه این که پیوسته بدعتی به سنتی شرعی ترک می جائی که شریعت در طرفی  
طریقت دیگر به کار به ارتکاب ترک کنار تکالیف  
شرعی کشید اندک اندک فرقه های قلندریه ظهور کردند تکی افیون  
یعنی چیزی «<sup>۱</sup>:

یکی می نویسد:

«المفسرین المحققى گرامى سید حسین طباطبائى آنکه  
حرکت هم مکتب فلسفه هم در مکتب قاضی طى طریق می  
سپری عمری قیاس برهان خطابه تقویت فکریه « « « « تحشیه ی  
آنها عین کامل به خلوتهای باطنی الهی مراقبه عرفانی راحله  
یکسره در آیات سبحانیه می که تفکر تفسیر

---

□. المیزان، ج □ □□□.

|  |  |
|--|--|
|  |  |
|--|--|



صورتی که همه می دانیم محیی الدین عربی علمیش علمی توجه  
 الحکمش تعلیه هیا زیادی نوشته بعضی ها کتب درسی به می آید این  
 آیا میان ! بسیار عجیب مظلومیت  
 ائمه ی اهل بیت ( ) که مظلومیتشان بین زمین پهنای تاریخ کرده شکوه نمی کند  
 نیست اینکه نهج البلاغه ی علی ( ) صحیفه ی سجادیه ( ) های شیعه  
 توجه نیست؟! تعلیق های و محکم علمای شیعه نوشته  
 تاریخ بهترین « ابی الحدید» یک سنی نوشته آیا این نیست ! ائمه ی اطهار ( )  
 حتی میان شیعه ها های علمیه ناشناخته هستند ادعیه اذکاری که بیانگر  
 عالی انسانی کتب درسی نمی !!

کتاب می گوید:

« حیف هزار که قیمت این ندانستیم معانی به  
 کردی یا آنها نگاشتیم نتوانستیم عهده ی شکافتن معانی برائیم  
 خارجیان کفار برای عظیم که  
 ریشه امری مباین تعلیمات دینی کردند برای ایران هندی رومی  
 همه خطی راهی غیر مسیر دین ریشه ی مولوی  
 شیرازی مغربی امثالهم ایرانی کردند که « !

دید بنگریم می بینیم اینجا خارجی آری آنها فهمیده که  
 مولوی و مغربی اینها برخاسته نیست آنها التقاطی که ی  
 ایرانی هندی رومی گرفته این خطی  
 راهی غیر از مسیر دین .  
 نویسنده ی این قدرشناسی می گوید:

□ . روح کتاب ، ص □□□ .



انبیاء و اولیاء نیز      ادیان آسمانی      یکدیگر ی      همه ی شرایع  
 آسمانی یکی      آنها یکدیگر      کامل      چنانکه پیامبر اکرم ( ) روایتی :

» پیامبران گذشته همچون مردی که شکوهی کند تنها مختصری  
 همین که این نای باشکوه می بینند اینکه مختصری  
 حیرت می می گویند ی این مختصری گذاشته  
 «.

اکرم ( ) بیان این :

» همان آجری که برای تکمل انبیاء کننده ی هستم<sup>۱</sup>.

! پیامبران الهی به این پائین می که مشایخ و اساتید آنها  
 دهد کسی نیست به این بگوید آقای عزیز ! هرچه می خواهد اساتید ولی  
 پیامبران الهی چه کار داری !

وی به می نویسد :

«حقیر ایامی که برای زیارت «آیه» شیخ انصاری همدانی»  
 ( برضوانه) به همدان روزی که تنها به سوی ظهر ایشان به  
 پیغمبر می به میدان که رسیدم این ک به : ه رایشان ! دیدم  
 یک پیامبر الهی! به کمال توحید اخلاقی و معنوی ایشان ایمان به یک  
 پیامبر ایمان یقین . زیرا یوسف یا شعیب موسی عیسی ( )  
 بیاید نهی داشته حقیقتاً به انقیاد ایمان به حقانیت انبیاء به این  
 الهی ایمان ایقان «.

□ . صحیح بخاری ، ج □ ، باب خاتم النبیین – مجمع البیان ، ذیل آیه « ما کان محمد أباً أحد

من رجالکم...»



البته هر شاگردی ممکن ی کند های زافه آمیز بگوید ولی نه اینقدر!

به عقیده ی «انصاری» مردی پاک زاهد و آراسته ولی مقایسه ی پیامبران

هم پیامبران کار درستی نیست کسی موسی عیسی ( )  
خوشبختانه کنیم نهایت بی انصافی کج فهمی !! انصاری چنین آمیز  
میشد، به توبیخ می چه می کرد!

دلیلی که کتاب « ادعای این که می گوید :

«شاهدی هم یم چنانچه بعضی ذکر کرده که :» امتی که انبیاء بنی اسرائیل» این برای

حدیث کدام عالمی راستین به حقه ی حقیقه ی الهیه نزدیک  
ایشان می یابیم ! به آنکه ظاهری کسب کار سرمایه

ظاهری دنیائی نیست آقای انصاری وفقیه هکذ  
این کنیم ک این تجلیات الهیه ای که طولانی جهاد اکبر برای وی  
رأبه یک الهی تمکین «<sup>1</sup>.

دلیلی که کتاب « مدعای ذکر کرده همین روایت که وی پاورقی همین  
صفحه ی روایت گفته :

«این روایتی که السنه مشهور زبانها ولیکن سندی برای نیافتیم کثرت  
تنبعی که این نمودیم. خبر «سید» کتاب «مصابیح فی

مشکلات « 434 الزهراء به ی حدیث 83 که : آنچه  
پیغمبر ( ) روایت که :» امتی انبیاء بنی اسرائیل ک نبیاء بنی اسرائیل انبیاء بنی

اسرائیل» برای این حدیث مدرکی نیافتیم ظاهراً

ها عامه کسانی که میان تصریح به ساختگی محدث  
«شیخ عاملی» که در کتاب « الطوسیة » «شریف جزائری».

---

<sup>□</sup> کتاب روح مجرد ، ص □ - □□□.

:

|                      |                      |             |                |                 |                 |                 |
|----------------------|----------------------|-------------|----------------|-----------------|-----------------|-----------------|
| حقیق به کتاب         | «الصغیر» سیوطی       | «کوز        | «مناوی         | «نهج الفصاحه ی» | پاینده          | «نهج الفصاحه ی» |
| اعلمی که برای احادیث | سیدالبشر تدوین یافته | مراجعه کردم | طریق عامه      | هم              | در کتاب         |                 |
| «المأوی» «شیخ        | حسین کاشف            | «           | صفحه ی 197     | سئوالی که کتباً | ایشان           | نی این          |
| حدیث می              | وایشان               | جه          | معنی تفسیر     | تعلیفه ی        | «قاضی طباطبائی» |                 |
| تصریح به آنچه گفتیم  | چنین ذکر کرده        | که این      | « <sup>1</sup> |                 |                 |                 |

برای اطمینان بیشتر به فهرست دقیق «کنز العمال» هندی نیز مراجعه  
 کتاب هم یافت

کتاب دلیلی که مدعای خویش ذکر کرده نیز کرده بی جعلی  
یت تصریح بنابر این ی که نویسنده «شیخ انصاری همدانی» یک پیغمبر  
الهی هم موسی عیسی ( ) :

**: ادعای دلیل**

### ثانياً: آیاتی کہ این بیغمبر

دقیقاً اسلامی شیعہ سنی میں این کسی کہ شیعہ

می بسیار بعید !

|                       |               |         |        |                   |
|-----------------------|---------------|---------|--------|-------------------|
| اینکه علمای           | شیعه که دارای | به      | تهدیب  | صوفیه در اویش     |
| شدیداً انکار می کردند | آنها          | می      | ولی    | برخی              |
| صوفیه که به           | فقهاء         | گردیدند | اولیاء | آنها شدیداً اظهار |
| ناراحتی می کرد.       |               |         | می     |                   |

» « می گوید : لیلہ ی جمعہ ی دوازدهم شهر جمادی الثانیہ سنہ ی ۱۳۷۷ هجریہ ی قمریہ کہ حقیر

همدان آية نبیخ انصاری همدانی ایشان

نصایح قضایا : » سید علیشاه « » علی بهبهانی « (1144- 1216 هـ )

کرمانشاه کشت . علی سه از اولیای کشت . سومی آنها « » که کرده

» « به : بکشی خاک خواهی ! علی به وی ... :

وسید علی که مهمتر چنین ای نکردند می خواهی بکنی ! « » همینطور

آنها کامل و حیات ولی هنوز کامل هستم

بکشی به کرده ای؟!

علی به نکرد راکشت هنوز ی روی زمین که علی زیر

دالانی میکرد ناگهان زیر . مشهور کرمانشاه

احترامی در میان تشییع کردند این احیان کسی به توجه

ی وی در گوشه ای ه «.

«نورالدین مدرسی چهاردهی» که مدتها صوفیه کتاب «سلسله ی صوفیه ایران» زیر  
«صوفیان زمینه «می نویسد :

... زمامداری فتحعلی تنی صوفیه کمپانی هند به ایران کوشش  
تبلیغات دامنه بی سابقه تجدید در ایران سعی بلیغ ندی پیش هر یک  
به زی صوفیه می به به کاری «<sup>1</sup>.

نیز در کتابهایی که ی فراماسونری ایران مطالبی ه می که بعضی صریح  
وبعضی غیر مستقیم وابستگی آنها را به می دهد کمتر کسی ین صوفیان های  
جاسوسی<sup>2</sup>.

«سید معصومعلیشاه» جوکیان هند مردی غریبه همین  
مردان وی گشته چنین می که اولیاء این کارهای عجیب غریب  
کشف شهود برای .

گویند : نخستین کسی که به وی فیض علیشاه علیشاه  
نوجوانی دارای چهره ی زیبا مشکین موی طبعی وقامتی دلکش صورتی  
انگیز کاملاً میل این شهوت نخستین شکاری که به «معصومعلی صیاد  
چوکی» گسیه ته .  
می نویسد :

» علیشاه معصومعلی وی مشارکت  
ظاهراً غیاباً آنی زمانی معصومعلی «<sup>3</sup>.

---

□ . مدرسی چهاردهی ، سلسله صوفیه ایران مقدمه ، ص □-□.

□ . کتیرائی ، محمود ، فراماسونری در ایران ، ص □□ .

□ . به نقل آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی ، ص □□□.

علیشاه آنکه علیشاه کمند به زیر خرّقه کشید دیگری به مشتاقعلی  
 اصفهانی که مردی عامی ماهری اسیر کمند گردانید.  
 میرزا ملک می نویسد:

» می ،گویند به نوعی می که هر کس بی اختیار به گریه می «<sup>۱</sup>.

» علیشاه «مشتاقعلی» هر کدام زیبایی گیرای ی آنها معصومعلی مأموریت  
 یافتند که شهرها تصنیف شورانگیز معرکه کنند بدین گونه بسیاری  
 به معصومعلی کار به جائی رسید که کالآنعام دسته دسته کار کسب زندگی کشیده  
 دینی تکالیف مذهبی به صوفیان بامعرکه گیری محله ها کوچه  
 ها شهرها کشور بهم و مجتهدین که یگانه آنها تظاهرات  
 به فتنه کشتار جمعی آنها گردید.

می که معصومعلی جمعیت که همه دروایش کلاهای بوقی تبرزین وکشول  
 سبیلای کت وکلفت شاربهای زیرین رفته شمهای حدقه بیرون به این  
 جمعیت که باید آنها نامید از شهرها وضعی مواجه می محشری می کردند.

» علی« مجتهد صوفیه به سرکردگی معصومعلی جوکی  
 هندی گونه شدید پی گیر که به کامل صوفی ایران انجامید  
 روشی که درویشان پیش گرفته ایران چه می کار بی  
 غیرت گردانیده جامعه آبادی ترقی می زمینه جهت درکشور فراهم می .

به بعضی: شاید که آگاهی این نکته - وابستگی آنها به - نیز یکی عواملی  
 که مجتهد غیور انگیخت این به کشیده ایشان  
 ومملکت خطری که خارجی تدارک دیده<sup>۲</sup>.

□ . مدرک قبل.

□ . از مشاهده ی عکسی که از معصومعلی شاه در کتاب گلزار حجت بلاغی ص □□□ □□□

شده است ، می توان پی به ماهیت او برد.

می‌کنم اینجا همین برای شناسائی معصوم علی هندی درویشان کافی<sup>۱</sup>.

جای بسیار که شیخ انصاری همدانی کشته چنین ناپاکی اظهار ناراحتی می‌کند  
وسایر مجتهدین که به می‌گیرد عجیب اینکه  
کتاب «این» ردیف پیامبرانی همچون موسی عیسی ( ) ذکر می‌کند. بلکه  
آنها می‌اینجاست که باید کسی بیاورد جای نیست!!!  
پیدایش

برای زمینه انگیزه‌ی پیدایش پدیده‌ی پیچیده‌ی جهان پیش همه  
تصویر روشنی جامعه‌ای که داشته باشیم. می‌دانیم  
پیامبر اکرم ( ) جامعه‌ی مکه مدینه سازمانی مذهبی که حکومت به معنی کامل کلمه  
هر قانونی یا اداری همچون حکم مستقیم الهی تلقی می‌گردید  
سالهای حکومت شیخین حدودی همان ادامه می‌چنین که شیوه‌ی زندگی ابوبکر  
به راستی شیوه‌ی زندگی سایر تفاوتی.

لیکن خلیفه‌ی که شیوه‌ی حکومت به کلی تغییر کرد شوری که  
گردید به وی انجامید به دلیل که سیره‌ی پیامبر حتی شیوه‌ی شیخین کرد.  
جامعه‌ای خشناک که خانه به مالکیت خویش رمه‌های افزایش  
زمینهای کرده به خویشاوندانش زیادی بخشیده سیاست داخلی طی  
منتهی به نارضائی‌های شدید مسلمین که به انجامید.  
ای برای به حکومت که همه‌ی کوتاه علی ( ) ادامه. شهادت  
علی ( ) به معاویه - ابوسفیان که مکه همه پیامبر کرده - معاویه  
تقریباً موروثی بدینگونه اسلامی - که همه‌ی قدرتها ناشی حکم خدائی - به  
ای که بامیل علاقه‌ی نپذیرفته پیامبر آخرین پیشرفت  
کرده به شیخ غزالی معاصری مصری: «معاویه ابی سفیان چه

---

□. در جای دیگر درباره‌ی او سخن خواهیم گفت.

چه ی برای ایجاد امکانات برای بین رژیم دموکراتیکی اسلامی  
مید سیاست وسیع اسلامی میدان روی کار ی « که همانند  
رژیم «دی بوریون» یا «هابسبورک» رژیم «کسرائی» «هرقلی» « ی این رژیم <sup>1</sup>.

نیز دکتر ابراهیم نویسنده ی مصری می نویسد:

«معاویه به شمشیر خدعه سیاست به ...

» نیکلسن می گوید: غلبه بنی امیه که معاویه آنها به منزله ی  
غلبه ی دسته ی می اینها پرستی که پیغمبر یاران به سختی می  
کردند پیغمبر آنها کرد اشرافیت پرستی که پیغمبر یاران به سختی  
میکردند و پیغمبر آنها کرد اشرافیت پرستی میان دین <sup>2</sup>.

امویها به نوعی دنیوی تبدیل کردند این تاریخ حکومت برای همیشه جنبه ی  
مذهبی به حکومتی اشرافی . بنی امیه برای تحکیم حکومت همه ی  
مدعیان احتمالی مرحله ی علی ابیطالب ( بی رحمانه شمشیر هیچ  
سنتی آنها حتی مکه معاویه یزید به صحنه ی خونین

از سوی دیگر بنی امیه پیرون باهدایای سخاوتمندانه بیت تطمیع کردند کلانی  
اختیار « ها البته این ایجاب می کرد که پیوسته انباشته این  
سرزمین های یافت هنگام تقسیم جنگی دیگر گذشته سخنی تقسیم عادلانه  
محرومین زحمتکش به وسیله ی که  
مستقیم پایمال بزرگی خواسته میان پدیدار گردید

---

<sup>1</sup> . غزالی ، محمد ، «الإسلام المفتری علیه بین الشیوعیین و الرأسمالیین» □ □ □ □ □

چهارم.

<sup>2</sup> . دکتر ابراهیم حسن ، تاریخ سیاسی اسلام، ج □ □ □ □ .

که فقیر تهیدست فلاکت عمیق طبقاتی میان

پدید .

چنین شرائطی که بنی امیه بین افرادی را پیدا کنند که برای توجیه  
تبرئه حکام به هرگونه وساخته کاری . البته شایانی  
هنگامی که بنی امیه نارضایتی شدید گردید این نارضایتی شورشهای  
قیامهای تجلی کرد این به یغما رفته ی  
نمایند هنگامی که اطمینان یافتند که نه تنها نمی کنند، بلکه  
آشکارا حکام می گیرند تغییر کرد آنها نیز مأیوس .

این گیر نگاهای خانگی شعله گردید حکام دین سرپیچی می کردند  
خاک می ریختند جمعی که عنایت شدیدی به دین همکاری هیچ روحی نمی  
بلا تکلیفی عجیبی به می بسیار اینک مکافتی که پیامبر ( )  
بگیرد . این جزای حتمی می کرد برای پاسخگوئی  
دنایایی پوشی می اینکه کیفر رهائی یابند دریافت کنند این  
روحیه می به اهتمام شدید داشته یاد .  
بدین پاکدلان خشمگین ناراضی میان بیرون حکومت فنودالی اشرافی بنی  
امیه ینتها خوشیهای دنیوی پرهیز .

» بین زندگی آنها اهیت بسیار زیادی این که کدام می  
به کامل مباحثاتی می همگی به این نتیجه می رسیدند که هرگونه هدیه و بخششی  
فرمانروایان نزدیکان آنها باید تردید زیرا  
کار شرافتمندانه به پای زندگینامه ی زاهدین های هجری  
حاکمی های این که چگونه این پاک دریافت هر هدیه ای خلیفه یا  
نزدیکان خودداری می کردند . یکی آنها حتی خویش این می که  
به همسایه که سپاهیان نگهبان خلیفه رفته دانه <sup>1</sup> ها وظیفه ی می

□ . بنگرید : فضیل بن عیاض در تذکرة الأولیاء ، چاپ نیکلسن.



که به حکمرانان بدهند ولی نمی حتی لقمه نانی بگیرند . ویژگی زندگینامه ی نخستین زهاد  
 که تنها یکی شیوه ی به می دهند : آنها یا میکنند  
 خارکشی می کردند می به آبکشی سقائی می «<sup>۱</sup> .

البته این زهاد که یک اندوزی گرائی حقیقت یک واکنشی  
 ک حکام پیشه گسیخته که می .  
 دینی جایگاه اصلی خویش همه همه به هم  
 نیرومندی به زهد منفی ظهور کرد یافت .  
 گرچه این زهد اینگونه پارسائی صبغه ای دینی ولی طولی نکشید که  
 از محوری که می بایست زهد گرائی اسلامی تبدیل به رهبانیت مسیحی گردید  
 رهبانیت بدعتی که مسیحیان<sup>۲</sup> روایت مشهور « رهبانیه فی » ( رهبانیت  
 نیست ) روایات مشهوری که به پیامبر ( آیات آشکارا  
 کرده که زینتهای نعمتهای الهی کنند آنها<sup>۳</sup> البته جهت به  
 خویشتن زندگی ین سختگیری به رضای دلیل  
 این کریم ذهن آنها به نامعقولی بسته .  
 باری گرایش به زهد مسلمانی یکسان این  
 کسانی که به شیوع عیش بین عامه روی به  
 مهمترین وسیله رهایی این می حتی بین فقها اهل حدیث نیز این اندیشه ها  
 چنانکه مبارک فقیه مشهور تمایلات زاهدانه . صوفیه  
 میکرد ابوحنیفه شافعی هم صوفیه پیشرون طریقت خویش می شمارند<sup>۴</sup> .

□ . تصوف و ادبیات و تصوف ، ص □ .

□ . سوره ی حدید ، آیه : □ □ .

□ . سوره ی مائده ، آیه : □ □ □ □ — و قصص آیه : □ □ .

□ . ارزش میراث صوفیه ، ص □ □ .

اندیشه‌ی زهد پارسائی تارک‌دنیائی که پیدایش منتهی به نوعی نهضت به نهدی منکر به تدریج باحرفهای همراه رنگی یافت. هم زهد آنها به جهت تندروییایی که به جهت ریاضتهای سختی که صوفیه تحمیل کردند تاحدی شریعت هم پیدایش اندیشه‌ی تأویل ظاهر فکر به احکام که آنها بدگمانی عامه‌ی آنها

از این که پیدایش جهان جمعی مستشرقین به پیروی آنها بسیاری اسلامی که ی تحقیق کرده کتاب نوشته که عواملی نیز پیدایش تشکیل افکار صوفیه تأثیر ته<sup>۱</sup>.

«گلدزیهر» که زهد زائیده‌ی ولی افکار تأثیر پذیرفته<sup>۲</sup> به این معنی معجونی زهد پارسائی ولی زهد پارسائی آمیز (رهبانیت) خمیرمایه‌ی تعالیم گرفته‌ی غیر قبیل بودائیان مانویان زرتشتیان صوفیان مسیحی افلاطونی کنوسی زروانی مسی ولی های قرآنی طریقت آنها به سادگی اصلی باقی حتی آنها رفته یک بیمار گونه آنها تأویل تفسیر کرده .

قدیمی ترین کتاب صوفیانه که داریم نوشته‌های محاسبی (متوفی ۲۴۳) به روشنی تأثیر نصرانیت می کند محاسبی کتاب «الرعاية» عیسی ( ) ( ) افشانی زمین نیک یا ( ) کرده کتاب دیگرش ظاهراً وصایا میتوان تفصیلی موعظه . در هیچ ای چهارم محیط اسلامی همه مدعی الوهیت هیود که دیگر مرز میان برخاسته بعضی صوفیان مدعی رسیدن به پایه‌ی اتحادیه<sup>۳</sup>.  
« یکی حلولیه شعری بدین می کند:

□ . در کتاب عرفان و تصوف ، به بحث پیدایش تصوف در جامعه‌ی اسلامی از صفحه □□ به بعد مراجعه شود.

□ . پیدای و سیر تصوف ، نیکلسون ، ص □□-□□.

□ . آدم میتز ، تمدن اسلامی ، ص □□ ترجمه‌ی ذکاوتی چاپ امیرکبیر.

«بازارچه یحیی»<sup>۱</sup> دیدم لالکا<sup>۲</sup> پای دهشت خودبشکافم.

پرسیدمش: آیا امید هست : هیئات زنهار!.

بدین ترتیب زهاد پارسایانی که طلبیها عامه ی خانقهما زاویه ها معتکف  
رفته ه مجامعی گردیدند رسوم پدید که دین سابقه همین بین  
صوفیه جدائی افکند. حدیث الهی هم متشرعه آنها ناراضی کرد فته رفته سخنانی بی  
صوفیه می که گوئی فقهاء اهل حدیث به می .

جمله گویند: «کسی حافی کرد که هزار می خواهم که به . به  
می روی برای رضای می روی کی یا به یتیم یا به مردی که راحت  
به مسلمانی پسندیده . : بیشتر می بینم : بیشتر  
می بینم آنکه این مالها نه وجه نیکو به ای به نکنی نگیری»<sup>۳</sup>.

همچنین که روزی پیش شبلی از بهشت می : بهشت رانها  
کن بی واسطه<sup>۴</sup>.

این گونه رفته رفته عامه ی به این طائفه به شک . که  
الهی نیز به میان افزونی متشرعه . اندک اندک دیگری هم قبیل  
صوفیه شنیده که کاملاً توجه یه به هم منتهی به  
شدوکار به پایکوبی کشید.

تحقیقات «میتز» ی صوفیه می نویسد: « نیز

« هجویری می نویسد: » دیدم گروهی می که مذهب نیست».

□ . محلی در بغداد بوده .

□ . به معنی کفش دم پائی.

□ . ارزش ، میراث صوفیه ، ص □□.

□ . □□□□□□□□□□.



صوفیان چنین تقسیمی  
 ۴ رفته  
 صوفیه  
 کرد  
 تکفیر جمعی شیوخ  
 . این درگیری به  
 تکفیر  
 حسین (109 هـ)

مجتبی مینوی محاکمه می نویسد :

«هشتاد چهار مشاهیر فتوی که مسلمین کشتن»<sup>۱</sup>.

کشیدن صوفیان  
 خودداری نمایند . خواجه انصاری ( 481 هـ) نوشته :

» : کردند . چه : همان گویم آشکارا پنهان گویم»<sup>۲</sup>.

ولی همه ی این پنهان گوئیها باز هم صوفیان  
 غزالی، قشیری گیلانی  
 آنها آشتی گونه ای بین طائفه پدید  
 لیکن به جهت  
 تباین همچنان این باقی  
 تندرویای صوفیان می چنانکه سنائی  
 غزنوی (525 هـ) فقیهان محلی نسخه ای کتاب حدیقه  
 برای دآوری مذهبی به

<sup>۳</sup>.

همچنین وزی (597 هـ) فراوانی آئین صوفیان تحلیل کرده

کتاب «تلبیس ابلیس» شدیداً آنها<sup>۴</sup>.

یکی علمای شافعی به «برهان الدین بقاعی» ( 855 هـ) که  
 جمعیت «یاران محمدی» می نامید  
 صوفیه کتابی « صوفیان منه کننده ی معرفی

□ . مینوی ، نقد حال ، ج □ □ □ □ .

□ . نزہة القلوب ، ص □ □ .

□ . مکاتیب سنائی ، ص □ □ □ .

□ . تلبیس ابلیس ، باب دهم ، ص □ □ □ □ □ □ □ □ .

کرد. نه کسانی علمای اهل مثلاین جوزی بقاعی بلکه این انداسی تیمیه قیم  
الجوزیه دیگران نیز صوفیه .

مطالبی که بین مذهبی صوفی . کتابهایی که صوفیان نوشته به  
گردیده آنها برخی درگیرها :

1- صوفیه بین شریعت حقیقت تفرقه اهل حقیقت فقهاء اهل شریعت اهل ظاهر می  
همین که صوفیه باطنه به تأویل گرائیده حتی بعضی آنها  
عربی مدعی که شریعت همان ناحیه ای می گیرند که پیغمبر خویش کرده  
فقها این گونه صوفیه - که بعضی صوفیه نیز تاحشی داشته - دستاویز  
آنها می ساخته آنها می تاخته <sup>1</sup>.

2- ایراد دیگری که فقهاء صوفیه می گیرند « یشرع » فقهای گویند اجتهاد این  
جایز نیست صوفیه این گوئی می کنند. که ترک نکا راصوفیه زهد جهت  
به دنیا تجویز می کرده صورتی که این به ترک  
هم که جهت زهد می کنند به عقیده ی فقهاء البته نیست به کار راهبان شباهت  
فقها ایراد صوفیه می گویند که این گونه ریاضات به منزله ی این که  
مکروه یا نیست یا نمایند این «تشریع یشرع» معصیت <sup>2</sup>.

3- صوفیان باگفته ها نوشته های خویش کلمات مفاهیم معانی دینی رامی شکنند غیر مستقیم  
کلمات شرعی می کاستند دیگر های توفیقی دینی اولیه ی  
بیرون به جای یک دسته رمزی مجازی : ساقی شاهد می غیر می

<sup>3</sup>.

ی کیفیت کاربرد این گونه ها هاتف اصفهانی بخشی یک ترجیع می گوید :

---

□ □ □ □ ایراث صوفیه ، ص □ □ □ .

□ . همان مدرک.

□ . تاریخ خانقاه در ایران فص □ □ □ .

هاتف! که گهی گه هشیار

می ساقی دیر وشاهد

ایشان نهفته اسرار است که به ایما کنندگان اظهار

پی بری به دانی که این نیست

که یکی هست هیچ نیست اله هو

مفاهیم برخی دینی راهم می کردند شریعت گفته : میکنند<sup>1</sup>. «عربی» می :

ترک به شیطان غزالی» (526هـ) می : هر که تعالی توحید

ابلیس زندیق<sup>2</sup>. یا «می گوید :

که بهشت می

ی فردای کنم<sup>3</sup>

4- صوفیان همه ی ادیان یکسانند پرستی یکسان کعبه میخانه یکی

صوفی پخته هیچ به این نیست که پیرو چه مذهبی یا چیست کعبه

ی حقیقی کعبه ی نه خانه ی آنهایی که می کنند

بینند آنهایی که ذی حیات می ستایند جاندارای می آنهایی که غیر

می چیز بی جانی می جماعتی رابه بی نظیری می کنند

که ی به هیچ یک این مقید احتیاجی به ترجیح

مسالک بر بعضی دیگر به :

همت که زیر کبود زهر چه پذیرد<sup>1</sup>

□ . حسنات العارفین ، ص □□ □□.

□ . حسنات العارفین ، ص □□ □□.

□ . دیوان حافظ ، چاپ انجوی ، ص □□□.

5- شریعت صوفیه وسیله ی کمال لک سالک به مرتبه ی کمال شهود به

رسید تکالیف شرعیه اینجاست که گفته : تقید به احکام شریعت وظیفه ی

اهل حقیقت عالی که به ظاهر مقید .

### یافتم دیدم حقیقت قید شریعت

اینجاست که صوفیه به تمایلات اباحی داشته گفته :

«برخی صوفیان گویند هر که حکم شریعت برخی می افزایند که به می

در این صوفئی نیشابور هست که «ابوسعید ابوالخیر» گویند پیشمینه حریر که

می شبانه هزار رکعت می این کفر به خدای گمراهی می ...»  
هیچ نمی کند

وی جای دیگر می نویسد :

» این برخی صوفیه گویند کسی اولیاء که همه ی پیغمبران نیز

گفته هر که به نهایت ولایت تکلیف زکات غیره برخیزد

دیگران ونیز برخی صوفیه گفته که خدای می بین می

گوئیم هر چه بیاید «<sup>2</sup>.

این همه به که بعضی صوفی متکلمان به تکلیف

می میگفته که لازمه ی این صوفیه که مخلوقی کار

این تشریع تکلیف هم کار نخواهد <sup>3</sup>.

6- غزلیات عرفانی به منهیات منکرات شرعی اظه علاقه غیرمستقیم عامی به

ابالیگری گمراهی تحریک می .

---

□ . دکتر غنی ، تاریخ تصوف در اسلام ، ص □□□ .

□ □□□□□□□ □□□ □□□ - □□□ .

□ . ارزش میراث صوفیه ، ص □□□ .



« ی می گوید :

## که صوفی

<sup>1</sup> اشهی و احلی

گربیت

<sup>2</sup> نمیرد به بیوید

«خاقانی» می گوید :

که بیت که بیت القری می گریزم<sup>3</sup>

7- اخلاقی بزرگترین اخلاقی صوفیه دوستی . به « این همان گرفتاری ناپذیری که رهبانان مسیحی وسطی بین جمله اخلاقی یعنی بچه بازی که صوفیه خیلی جدی می کردند. «ابوسعید» کرده که : شبی ابلیس دیدم که دوری می کرد : بیا، چه نگرانی ! : صوفیه کاری چیزی که وسیله می انداخته اید، پرسیدم چیست . : دنیا پرستی . ونگاهی به کرد : نکته ای هست پرسیدم چیست : «<sup>4</sup> .

8- دریافتهای شخصی صوفیان به جای وحی می به جای آنکه گفته پیامبر چنین گفته می : حدثی قلبی ربی<sup>5</sup> . خدایم چنین گوید . هنگامی که «ابوسعید» سخنرانی می کرد شخصی

---

□ دیوان حافظ ، دکتر غنی ، ص □□ .

□ دیوان حافظ ، ص □□□ .

□ دیوا خاقانی ، ص □□□ .

□ . تاریخ تمدن اسلامی در قرون چهارم هجری ، ج □□ □□ .

□ . تللیس ابلیس ، ص □□□ .

- می‌کند می‌گوید: این که می‌گوئی در هفت نیست «بوسعید» می‌گوید:
- هشتم هشتم یعنی آنچه به نباید<sup>1</sup>. و گاهی هم برخی بدعتها یهای اولیاء مشایخ مرتبه‌ی والای پیامبران می<sup>2</sup> )
- کمل الأولیاء کالسنة السنية<sup>3</sup> (الأنبياء)
- 9- عاشقانه‌ی به موسیقی، عملی می‌گردید<sup>4</sup>.
- 10- استدلالهای علمی ی کار شریعت صوفیان بین می<sup>5</sup>.
- 11- مسأله‌ی نیز مؤدبانه‌ای همه‌خدائی (أظهر الأشياء هو عينها) کسی که پدید عین همان<sup>6</sup>. این شدیداً<sup>7</sup>.

البته این گونه دریافتها برداشتها نوعی طغیان سرکشی علمای شریعت اسلامی پدید می‌آید. همه فقیهان صوفیان تأویل عرفانی پاسخگوئی به

□ . اسرار التوحید فص □□

□ . مناقب العارفين ، ج □□ □□□□.

□ . الحکیم الترمذی و نظریته فی الولاية ، ج □□ □□□□.

□ . مصباح الهدایة ، ص □□□.

□ . شرح احوال و آثار باباطاهر ، ص □□.

□ . فصوص الحکم ، □□.

□ □□□□□ □□□□.

شریعت ذکر شرعی علمای مذهبی قشری اهل ظاهر بی معنوی  
می به چنین صفاتی نکوهش می کردند<sup>۱</sup> هجویری می نویسد:

» این طائفه خواهند که کنندوی ... نکوهش وی به ترک  
«<sup>۲</sup>.

یک ای که بین «شیخ پیل» (۵۳۶ هـ) شخصی به «سیدزیدین» روی شیخ به  
برتری نوعی :

» ای بی میان پای مستحاضه توحیدمی گوئی<sup>۳</sup>.

خلاصه مسأله ی درگیری طریقت شریعت تاریخ همچنان ادامه داشته  
به ترک برخی خانقاهی رکود طریقت پایان گرفته این که  
مسلك ذاتی بایستی درکنار فرقه ها مذاهب اسلامی به حیات ادامه دهد فرهنگ  
دینی ذیه کند هجوم علمای مذهبی به باقی می  
تهاجمی حمله های شریع پیگیری سیاسی هم تأیید می کرد حیات  
مسلك به کانونهای صوفیان بین می<sup>۴</sup> برعکس می یعنی  
سیاسی مسلك تأیید می کار صوفیان می کوشید کار صوفیان  
بیشتری می .

\*\*\*

غزالی

---

□ . کیمیای سعادت ، ص ۱۱-۱۲ - □□ □□□□□□□□ □□ - تاریخ خانقاه در

ایران ، ص □□□.

□ . كشف المحجوب □□□□.

□ . مقامات ژنده پیل ، ص □□.

□ . تاریخ خانقاه در ایران ، ص □□□□□□□□.

آمیزش بین فلسفه یه سوی کشانید حدیث به ی منتهی « » « هم به » « یزید بسطامی » (261هـ)

بیان یافت. این یزید ایرانی پیرو آئین پیش گرایش به اهل

بیشتر یزید به زهد این همه گه بی به می به همین مکرر می شهر می . گویند وقتی

: « اکبر » یزید : « اکبر منه » دیگر « شنید : « سبحانی

شانی! » ینگونه یزید هیچ مسلمانی سبک ی عامه نمی

اینکه این حاکی به تأویلها می کردند عذرهای . « یزید»

نوعی روحانی نیز شبیه پیامبر اکرم ( برای خویش کرده اینگونه ادعاهای گستاخانه که

صوفیه «شطحات» می برای کسانی صوفیه که تندروی بی پروائی

تأویل آنها سعی کردند حتی «جُنید» به تأویل بعضی آنها صوفیه تهمتهای

بر هاند<sup>۱</sup>.

خلاصه به فاصله صوفیه اهل زیادت می گردید که کمتر کسی پیدا می که

صوفیه اهل این برخی صوفیه به این فکر میان اهل

صوفیه آستی به به صوفیه بکاهند.

جمله کسانی که صوفیه گستاخها تندرویهای صوفیان به می کردند «قشیری»

(465هـ) « القشیریة » که 438هـ کرده ولی این رساله

زیادی به صوفیه ی خویش شکایت

رساله نوشته :

«به راستی که طریقت گشته پیرانی که رهبری شایند جوانانی که ایشان پیروی کنند رهبر

طریقه ی ایشان پارسائی برجیده گشته نیرو گرفته ریسمانش

گشته شریعت دلها بر بسته سهل انگاری دین بهترین آویز می

□ . ارزش میراث صوفیه ، ص □□ - □□ .

نمی عبادتها میدان می پیروی شهوات  
 قیدی ارتکاب منهیات حرامخوارگی بازاریان عامیان حکومت پای می وبه این همه  
 کارگی نکرده وکشف کرامات می گویند اینکه رسته به  
 جسته ومدعی هستند که به محکوم به احکام هر چه ایشان  
 نکند که احادیث برایشان ایشان سرپایشان  
 گرفته احکام بشریت ایشان برخاسته «<sup>1</sup>.

این کتاب هم به عربی هم ترجمه هائی به فارسی واین همه حاکی  
 ی محیط صوفیه... وی نمونه ای یک ملایم شریعت  
 دعوی مشایخ قشیری همه تأکید می کند که رعایت ظواهر ضروری بی آنها  
 سالک طریقت به جائی نمی . برای قشیری فقهاء درویشا گستاخیهای برخی صوفیه  
 . قشیری به شیخ سلمی دمشقی روایت می کند که «ابوعلی  
 رودباری» پرسیدند: چه گوئی کسی که به لهو گوید این که به  
 پایه ای که گونه گونی :آری لیک به «<sup>2</sup>.

شیخ دیگر - خواجه انصاری - ( 481 هـ) نیز رعایت شریعت احتیاط وی فقیه  
 به تفسیر علاقه محبتی که به شریعت می کوشید  
 بعضی به زهد خشک کرده <sup>3</sup>.

خواجه شریعت لازمه ی سلوک طریقت حقیقت می ولی شریعت طریقت  
 کالبدی می چنانکه رساله ی گوید:  
 «شریعت طریقت حقیقت».

□ . رسالة القشيرية ، ص □-□.

□ . كشف المحجوب ، ص □□□ - قشیری ، ص □□.

□ . ارزش میراث صوفیه ، ص □□.

بزرگترین صدایی که به صوفیه صدای « غزالی » (455- 505 هـ) که شهرت معنوی علمی مزید بین عامه که به تندروییهای صوفیه یک<sup>1</sup>

درحقیقت گرایش غزالی به جهت که هر دیگر که مواجه یافت یقینی را که غزالی جویای متکلمان فلسفه اهل مذاهب همه نهایت کرده طریقه صوفیه یافت که این یقین « ی غزالی به می که نظامیه استادی فقه مدرسه قربانی کند. غزالی دنیای قیل یگانه طریق نیل به یقینی تلقی می کند توجیه طریق تصفیه که به انبیاء منتهی می حکماء و یقینی قطعی تمثیل مشهوری که میگوید حکماء می کوشند کسب کنند به خویش صورتی که صوفیه اولیاء می کوشیدند کسب کنند به خویش صورتی که صوفیه اولیاء می کوشیدند دهند هر گونه زنگاری بزدايند<sup>2</sup>.

مسأله ی اصلی که میخواهد بازگشاید برقراری آشتی بین دین و هله ی میان یونانی که اسلامی یافته دین . این پژوهشهای پی گیر نمایندگان می به این نتیجه می که این می تنها پایه ی میان<sup>3</sup> «.

به غزالی، مذهب رسمی بسیار خشک ظاهری مؤمنین اجرای می . مذهب هیچ جایی برای باقی نمی این تنها تنی میتوانند داشته . سوی دیگر که دیدیم بسیار بزرگی<sup>4</sup>.

□ . همان کتاب، ص □□.

□ . فرار از مدرسه ، دکتر زرین کوب ، ص □□□.

□ . تصوف و اثبیات تنوف ، ص □□-□□.

□ . تصوف و ادبیات توصف ، ص □□-□□.

غزالی      آنکه مذاهب فیلسوفان و باطنیان      می آزماید به      روی می      کتاب »  
 «      مکی و کتب      محاسبی      جنید شبلی      یزید دیگران      خویشتن      به دنیای صوفیان  
 نزدیکتر میکند      می ببند که      تنها کافی نیست      به      ریاضت مجاهدت      و تهذیب  
 می      به      «حقانی این      مکشوف می      که به      نمی آید»      به یقین  
 می یابد که «صوفیان      پیشتازان      به سوی خداوند      سیرتشان نیکوترین سیرتها      راهشان      ترین ها  
 پاکیزه ترین اخلاقها      همه ی حرکات      سکناات ظاهر      «

<sup>1</sup>

این همه وی شدیداً      صوفیان      و به عقیده ی      همه      معیار      تعلیمات  
 رعایت نکرده      برخوردی      دین پیدا می کند.      »      برای      خالی  
 کردن غیر      حقیر      «<sup>2</sup>

غزالی برای      شکفتگی الهیات      دید      راهی پیدا می کند:      عرفانی      به دین می  
 افزایش بدین      به      خشک      هیجان می      <sup>3</sup>

غزالی که      شنواری      دریای      پای      می نهد به هیچ وجه      نمی کند که  
 کسی      تعریف کند که      اندروزی      این شبیه      وی      اذهان بعضیها  
 می کرده      صوفی      آنکه صوفی      وی      ی  
 صوفیان چنین می نویسد:

«صوفی      نمی گوید      این      پاسخهای صوفیان به      مشابه      ولی  
 کسی      که      هست درمی یابد      برای دیدن      به      شخصی      نمی کند ...  
 صوفی نکته ای      خواهند شنید ... ولی وقتی      همه      می گیرد

□ غزالی، المتقذ من الظلال (شک و شناخت) ص □ ترجمه آئینه وند.

□ . احیاء علوم الدین ، ج □□□.

□ . تصوف و ادبیات تصوف ، ص □□.

حجابها رami می کند<sup>1</sup>. یعنی نیاید شخصی صوفیان ترازوی داوری  
ننشیند آنها نیست کاروان به نخواهد رسید<sup>2</sup>.

غزالی رابطه ی « » « » تیره که «صوفی» ترکیبی آمیز تلقی می  
کردند جهل صوفی می این : آیا کسی که تحصیل می کند  
خانقاهی هم به سلوک صوفیانه «صوفی» که

صوفیان کند می دهد میگوید : « فقیه صوفی کس که  
میشناسد می که جهل صوفی نیست به ای نمی کند که می  
گویند : این که جهل<sup>3</sup> .

تأکید غزالی اینکه جهل شرطی صوفی نیست حقیقت توضیح شخصیت خویش که عالمی  
صوفی شیوه ی صوفیان رساستین گزیده دفاعی راهی که می پسینی که  
افکنده .

غزالی همچنان صوفیگری جهل و تصوفی عالمانه می صوفیان نیز بی دلیر  
صوفی نمایان وقتی می دید که صوفیان انسی زکری نمی

گویند مجاهدتی نمی کسالت گدائی نادانی نصیبی  
خانقاهها کرده صوفیان راستین می جامه ی وصله می کنند به  
سفرهای بسیار می مشتریان خویش به می آیند به راستی می که  
کسی هستند چیزی گوئی هر گردی هر فربهی .

«فی بانفسهم خیراً یحسبون انهم یحسنون یعتقدون کل یعتقدون کل»

---

□ . احیاء علوم الدین ، ج □ □ □ □ □ □ □ □ .

□ . دکتر سروش ، قصه ی ارباب معرفت ، ص □ □ .

□ . احیاء علوم الدین ، ج □ □ □ □ □ □ □ □ .



|                          |                     |                           |                      |                            |
|--------------------------|---------------------|---------------------------|----------------------|----------------------------|
| فریاد می                 | که دریغ همه ی       | دینی                      | که پاک               | « <sup>1</sup> .           |
| جای دیگر                 | بسیاری              | صوفیان                    | به                   | می                         |
| جای دیگر                 | بسیاری              | صوفیان                    | به                   | میشناساند. دسته ای         |
| به زی هیأت               | صوفیانند            | می کنند                   | ها می نشینند         | به پائین می                |
| افکنند نفسهای            | می کشند آهسته       | می گویند                  | ی دیگر               | گرانها جامه های لطیف       |
| می                       | های رنگین می نشینند | به                        | جامه کرده            | دسته ی دیگر                |
| مدعوی مشاهده ی           | خویشتن              | می                        | دیگر به ورطه ی اباحه |                            |
| دیده                     | یکسان کرده          | دیگر                      | این هم گذاشته        | دوری گزیده                 |
|                          | به                  | ادعای ی به                | زهد کل               |                            |
| میکند فرقه ی دیگر        | دویده               | بر همین یک مهم همت گماشته | که                   |                            |
| دسته ی دیگر متکبران      | ها                  | ریاکاران                  | صوفیان می کنند       | فرقه                       |
| ی دیگر به جای مجاهد عملی | تطهیر               | به                        | لفظی عملی عیوب       |                            |
| دیگر که                  | این مرتبه           | گذشته                     | پای                  | سلوک نهاده                 |
| فرحناک                   | دسته ی دیگر         | اینها هم                  | گذشته                | به نیم قریبی رسیده پنداشته |
| وادی نهایی               | کوس                 | می                        | دعای                 | می کنند <sup>2</sup> .     |
| اینجا می بینیم غزالی     | مدعیان              | آزمایش                    | تنها                 | یک                         |
| قریبی رسیده              | نها هم              | کبر                       | ابلیس                | همانجا                     |
| صوفیان                   | غزالی               | صوفیانی که                | گواهی                | .                          |
| غزالی                    | دعای عریض           | طویل صوفیان               | ورزی به              | وی                         |
| رسیدن به                 | رویاروی             | همچون                     | که می                | :                          |
| یزید بسطامی که می        | : سبحانی سبحانی     | یاوه خشمگین               | که به                | چنین                       |
| می دهد کشتن یک           | کردن                | می                        | بایزید به            |                            |

□ . احیاء علوم الدین ، ج □ □ □ □ .

□ . احیاء علوم الدین ، ج □ □ □ □ □ □ □ □ .

وی تردید می‌کند به کلام می همچون ین آیه ی «اننی

الله فاعبدونی» صوفیان ظاهر آمیختن کلام به دعاوی عاشقانه

ظواهر روی کردن به تأویلات بعیده نیز هست فی آیه ی «إذهب إلی

طنی»<sup>1</sup>.

می به می کنن که این همان طاغی که باید به یا «عصاک»  
می می گوید: هرچه تکیه افکن.

اینگونه باطنی مآبانه که » انهدام شرایع تطبیق آنها رأی میل رأی پیامدی دیگر

« غزالی کتاب المستطهری به پرداخته حیاء الدین

حدیث دانسته<sup>2</sup>.

» «مدعیان خویش «اباحتیان بی<sup>3</sup> «

می که «هرگز ایشان این « می گوید: » ایشان که خویشان همه

می شویند به فوطه می آریند می کنند ایشان کشتی ی

خدای<sup>4</sup>.

غزالی این مدعیان که نه کشف بهره نه کرده این همه طعنه می

به کسی تشبیه می‌کند که شنیده کیمیا بهتر که کیمیا بی نهایت آید.

---

□ . سوره ی طه آیه □□□.

□ . احیاء الدین ج □ ، کتاب العلم ربیع عادات .

□ کسانی که از هوا این نفس پیروی می کنند .

□ . کیمیای سعادت . ص □□- □□

گنجهای چنین کسی گوید به چه کار آید آنچه مهم  
 کیمیاست که بدینگونه» کیمیا هرگز ندانسته گرسنه  
 شادی این که» به که کیمیا بهتر « می کند می «<sup>1</sup>. عین کیمیا  
 بسیار « بیشتر کسانی که به می خیزند ایشان قلابی کار صوفیان نیز همچنین  
 « به هرکس صوفیان چیزی آید نیروی برتری که  
 البته « کسی که هزار دینار « بیشتر صوفیان هم همین « کار بدیشان چیزی پیدا می  
 آید یفتد بعضی آنها هچ که «سودائی خیالی برایشان حقیقتی  
 ایشان که کاری نه چنین «<sup>2</sup>.

غزالی می طریقی که علمای ظاهر طی می کنند می تصدیق هم  
 که این مدعیان هم که این - وی - بسیارند «هر که ایشان کند ... بی  
 حاصلی کند»<sup>3</sup>.

جهالتی هم که می این مدعیان حکم ناشی می  
 که به خویشتن می می بند که معصیتی زیان که دین دوقله - به ی  
 - گشته نپذیرد غزالی ینگونه دعویها تهزاء می یابد می گوید: این  
 ابلهان که مردی هرگز «دوقله» هنوز یک ایشان بشکنند  
 نمی کنند یک لقمه که کرده ایشان کند یاد نمی بدین چیزها بی  
 نیستند این چنین دعوی ایشان چگونه . حتی به درجه ای رسیده که شهوت  
 ریا ایشان به اینگونه دعویها نیستند چه درجه ی ایشان درجه ی انبیاء و ایشان  
 به معصیت نوحه می کردند می گریستند به می ایستادن کجا می  
 شیطان نرفته به درجه ای رسیده به این دعویها کسانی هم ممکن جمل یا سادگی

□ . کیمیای سعادت ، ص □□-□□.

□ . کیمیای سعادت ، ص □□-□□.

□ . کیمیای سعادت ف ص □□-□□.

بپذیرند آنچه مدعیان می کنند به دین خویش نمی اینان به تقلید دهن  
 دین خویش نیابند<sup>1</sup>.

غزالی بعضی صومفیان می کند برخی دیگر تأکید می کند که  
 به نیاورند کارشان<sup>2</sup>.

وی سیاحت که صوفیه به سیر تعبیر می کردند می  
 گوید که کار آنها طراری نیست بدترین این که سخنی به صوفیان یاد گرفته  
 بیهوده می گوید که اولین آخرین وی که می که ی  
 به جائی کشد که به که نیز چشمه ی وی و گوید که  
 این برای بدین ه کشتن وی کشتن هزار کافر هند که  
 « کافر خویشتن » وی مسلمانی هم به مسلمانی کند<sup>3</sup>.

غزالی اکثر متصوفه به سختی می کند آنها به ریاکاری شهرت جوئی تکدی می  
 همچنین مدعیان طعنها که صوفیه معانی آنها بی بهره  
 هم زهد پرهیز می آنها تأثیر وفیه راستین که وی آنها به  
 می سیر روحانی نیز کتاب « به طریقه ی آنها منتهی می می ستاید.

#### خلاصه اینکه :

غزالی آزمایش می دهد می که کدامک این  
 کدامیک نیست روشی پذیر به می که  
 مرتاضانه به کاهش یافته توجه اصلی به جهات ظاهری گشته بدین  
 تصوفی آئین صحیح حنیف ی بالائی دینیاران پدید می آید که آنها بیشتر می  
 کند ی مشایخ بدین ترتیب می<sup>4</sup>.

□ . کیمیای سعادت ، طبع احمد ، آرام □□□.

□ . کیمیای سعادت ، ص □□.

□ . کیمیای سعادت . ص □□.

□ . تصوف و ادبیات تصوف ، ص □□.

کتاب «احیاء الدین» مهمترین ی نیز این مهمتر سایر می  
 زیرا به اصلی عربی خلاصه ی به فارسی که «کیمیای » یا  
 «چهار کتاب» این هر کتاب شیرین ترین کتب هر جمله کتاب هایی هستند  
 که ترویج تأثیر واقعی داشته .

غزالی طی این کتاب خویش سعی می کند بین شریعت طریقت  
 بدینگونه متصوفه طریقت آنها اتهام که می  
 شریعت .

غزالی دیگر تنها شهرها به سوی روستاها نیز که ودالی  
 گردید میان ی زیادی پیدا به طوری که تنها ی شماری  
 به جای که می به گونه ای وی پیروی کنند .

آری غزالی تلفیق بین نابودی حتمی کثر خوانیها  
 دغلیهای صوفیان حدودی وله به  
 اشکالات به ای ولی اشکالات زیادی متوجه  
 بدینگونه پیوند بین طریقت شریعت هم شریعت  
 عمقی بیشتر و هم طریقت مقبولیت بخشید .

بعضی اوتردید کردند فلاسفه متکلمین فقها به حتی  
 هم مبتنی تحقیق جمله این جوزی فقها علمای حنبلی کتاب احیاء به کرد  
 ای روایات . برخی فقهای مالکی «ابوالولید طوشی» »  
 ی «هم کتاب واحادیث بی حتی آنچه غزالی بیان  
 می کند مبتنی بصیرت . فلاسفه ی جمله » طفیل» » «هم به ی که

فلسفه کردند هم مشایخ کتا احیاء به فتوی<sup>۱</sup>.

|                    |               |                    |             |          |                    |
|--------------------|---------------|--------------------|-------------|----------|--------------------|
| »                  | سبعین اشبیلی» | صوفی               | کتاب»       | «یکجا به | ذکر حکماء فلاسفه ی |
| غزالی              | میان می       | ی                  | می گوید:    | لسانی    | بی بیان صوفی       |
| فیلسوف             | اشعری         | چهارمین            | فقیه        | محیر     | حیرت               |
| عنکبوت هم          | همین          | به                 | طریقت صوفیه | آنکه وی  |                    |
| اضطراری            | که ناشی می    | ادراک <sup>2</sup> |             |          |                    |
| نظیر اینگونه       | وی به تعبيرات | ی غزالی می         | ولی         | کلام     | می                 |
| دهد که این تردیدها | انتقادهای     | ناشی               |             |          |                    |

|          |                |           |            |               |                     |                |
|----------|----------------|-----------|------------|---------------|---------------------|----------------|
| ای       | فقیهان اهل     | نیز وی    | فقه        | می            | بعضی                | نمی            |
| فقه اهل  | می             | جوزی      | صوفیه      | فقیه حنبلی    | کتاب تلخیص ابلیس    | حکایاتی        |
| که غزالی | کتاب           | احیاء     | الدین      | کرده می       | منکرانه می          | :              |
| آیا جایز | که کسی مسلمانی | بی        | دهد        | آیا جایز      | که کسی برای این کار | اجیر           |
| دریا     | جایز           | کسی       | کشتی       | آنکه می دانیم | چنین احوالی         | فریضه          |
| آیا جایز | کسی که می      | کاسبی کند | گدائی کند؟ | که غزالی فقه  | به                  | فروخته         |
|          |                |           |            |               |                     | <sup>3</sup> . |

جوزی رساله ای به «الأحیاء فی الاحیاء» که احادیث بی پایه  
آنچه صوفیه نیز هست جای دیگر کتابش احیاء کتابی می  
آکنده احادیث: «آکنده احادیث»<sup>۱</sup> فقه.

□. درباره‌ی مازوری و طرطوشی و ابن حراز ر جوع شود به طبقات الشافعية سبکی، ج □

فصل المقال ، فرار از مدرسه ، ص□-□□□.

□. دکتر زین کوب ، جستجو در تصوف ایارن ، ص □□.

□ . تلبيس ابليس ، ص □□□ .

غزالی احیاء گفته که هرکس یزید کند گناهکار<sup>2</sup>.

جوزی به این غزالی به تخطئه کرده کتاب « علی العنید» نوشته  
کتاب ادله بسیار کفر یزید<sup>3</sup>.

« تیمیه» ( 728 ) وی که کتاب «المستصفی برای هر عملی  
وبرای چه کتابیر به « المستقیم» نوشته به تعالیم ابیاء کرده درحالی که  
تعلیم سینا<sup>4</sup>.

چه الی ی کج اندیشیهای صوفیان ولی نیز  
می رهبان کشیشان مسیحی اینکه وی مکرر سخنهایی عیسی  
مسیح کتابهای می کند ممکن نتیجه ی همین آشنائی راهبان مسیحی کتابی به «  
الجمیل» پیرامون مسیح به وی این کتاب غزالی آشنائی انجیل که جای  
جای احیاء نیز می آید تردید باقی نمی<sup>5</sup>. تأثیر سفه ی نوافلاطونی نیز غزالی جای  
انکار نیست عضی اهل تحقیق گفته : غزالی کلام والهیات یک فلسفه یک افلاطونی  
یک مسیحی<sup>6</sup>.

4 غزالی به صوفیان طریقه ی ایشان احیاء الدین حکایات آرای  
آکنده ساخته سختگیریها دنیاگریزیها کشیهاشان صحه نهاده که جوزی  
به فقه به « متهم کرده فیض کاشانی » کیاست وی «  
ای «ترها» عظیم غزالی به

---

□ . همان کتاب ، ص □□□.

□ . احیاء العلوم ، ج □□ □□-□□□.

□ . الرد علی المتعصب العنید ، ص □.

□ . کتاب الرد علی المنطیین ، ص □□-□□.

□ . فرار از مدرسه ، ص □□□.

□ . بنا به نقل ، دکتر زرین کوب ، رد کتاب فرار از مدرسه ، ص □□□.

صوفیانه، وی عمری تشویق کامی و به پیروی و بدعت‌های  
 ناروای صوفیان زندگی بگیرد دوری بگزیند که  
 به اظهار آرائی غریب وحشی<sup>۱</sup>.

غزالی که می خواسته شریعت تطبیق دهد صوفیه صوفی تأویل  
 کرده ولی متوجه که این کردار مابینت گفته: تکلیف ولی برای  
 و این توجیه یافعی شافعی کتاب «الصالحین» دانسته<sup>۲</sup>.

و این غزالی گفته :

سنجری سیا هوس ملک

یافت نیم ملک نیمروز به یک نمی

تردید باقی نمی<sup>۳</sup> تأثیر فلسفه ی نوافلاطونی نیز غزالی جای انکار نیست بعضی اهل تحقیق  
 گفته : غزالی کلام الهیات یک فلسفه یک افلاطونی یک مسیحی

<sup>۴</sup>.

## تشیع

کلمه ی « به تصریح صوفیان جامعه ی اسلامی پیدا  
 رسمی صوفیگری میان مسلمین<sup>۵</sup> پیدایش آنهم میان اهل . البته پیدایش

□ . مقایسه شود با قصه ارباب معرفت ، ص □□.

□ . به نقل احقاق الحق ، ج □□ □□□ ، پاورقی مرحوم آیت الله مرعشی .

□ . فرار از مدرسه ، ص □□□.

□ . بنابنقل دکتر زرین کوب ، در کتاب فرار از مدرسه ، ص □□□.

□ . جاحظ البیان و التبیین ، ج □□ □□□ - قشیری ، در رساله ی قشریه گوید : واشتهر هذا

الإسم لهؤلاء الأكبر قبل المأتین من الهجرة.









میان اهل پیدا پیروان هر مذهب آنها رئیس مذهب دیگر تکفیر نمایند فتوای  
 تخطئه کنند به آنها بگویند هخمین زهاد پارسایانی که انی  
 به صوفیه روی به مخالفتی که فقهاء اهل حدیث به صوفیه می رونقی  
 بگیرد.

زمانی که بسیاری اهل فریفته ی به ظاهر فریبنده ی صوفیان چه  
 نیز به صوفیگری تظاهر شیعیان می واقعی

چنانکه «مرکز اسلامی استراسبورک» زیر « ( ) پایه « می  
 نویسد:

« شیخ خرقانی مطالعه ی بین زرتشتی  
 مکتب اسکندریه می فهمید که « ی بین زرتشتیو مکتب  
 اسکندریه می فهمید که زرتشتی تثویت مایه گرفته عرفانی که ( ) پایه  
 یک توحیدی اثری دوگانگی که ( ) پایه یک توحیدی  
 اثریاز دوگانگی وبه طریق اولی سه گانگی  
 برای تزکیه تکامل عالی می که نه ی ( ) عادی  
 یافتند نه های که دارای مکتب های پیوسته عرفانی که پایه  
 ( ) نه دارای تثلیث هندی مسیحی می نه دارای تثویت زرتشتی نه دارای مبالغه بعضی  
 هایی وقتی مکتب های عرفانی هایی به برخی بانیان مکتب ها اندیشه ی عرفانی  
 طوری مبالغه که متهم به کفر گردیدند دیده که مبالغه که متهم به کفر گردیدند دیده  
 که مبالغه حتی بعضی پیروانشان آنها برگردانیدند طامه زندگی عرفانی بعضی  
 آنها به جایی رسید که بی جهت که زمخشری آنها  
 «.

همین می افزایند :

» ( ) مبالغه نه عرفای شیعه مذهب پیروی بلکه ای

که اهل ( ) ... ( )

از توکل به احکام وی به اینکه دنیوی کنند  
نتیجه، زندگی بین ... ( ) آنچه بانیان مکتب های  
مسأله ی رسیدن به ( ) نمی گوید که آدمی به خواهد  
رسید آنچه گفته . گفته که خواهد . که پیوسته  
خواهد هرگز نخواهد گردید ولی به سوی می نماید به  
نزدیکتر واهد گردید...»<sup>۱</sup>.

محققین ی یزید بسطامی ( ) می نویسد :

«می دانیم که تذکرة الأولیاء یکی کتب مشهور بعضی کتب دنیای اسلامی  
کتاب خبرهائی که آنها ترید نیست یکی این که بایزید بسطامی  
مدتی ( ) به می وی می آموخته  
گفته ی تذکرة اولیاء بایزید بسطامی اینکه برای اینکه  
کامل که به عرفای جهان سی  
گرسنگی محرومیت های دیگر به رسید یکصد سیزده درک  
کرد که آخرین آنها ( ) هر یزید به می رسید گفته های به  
می وی نمی یک ( ) به : یزید کتا که  
طاقچه ی بالای به . یزید : کدام طاقچه می گوئی : مدتی کم  
به اینجا می آئی و آیا هنوز طاقچه ندیده ای؟ یزید : اینجا غیر کسی می دیدم برای  
دیدن ( ) شنیدن این : ای بایزید ی به پایان رسید ه  
می دهم که به نمائی باشی...».

همین می گویند :

---

<sup>۱</sup> . مغز ، متفکر جهان شیعه ، امام صادق (ع) ص ۱۱۱ - ۱۱۲ ترجمه ی ذبیح الله منصوری .

«شاید نویسنده ی کتاب تذکرة الاولیاء عقیده ی به اینکه ای روایت صحیح می نوشته ولی

«کرونولوژی» (یعنی وقایع تاریخ ) . نویسنده ی تذکرة الاولیاء

نکرده دیگری کرده نویسنده تحقیق . ( ) نیمه ی

هجری تدریس می کرد تاریخ هم (148 هـ ) لیکن بایزید بسطامی هجری

می زیسته تاریخ 261 هجری نوشته ... نمی توانسته به ( ) ...<sup>1</sup>

نیز ادامه ی می گویند :

» نیشابوری که تذکرة الاولیاء می نویسد که بایزید بسطامی سی بیابانها برای ادراک

عرفانی پیمود گرسنگی کرد اینکه به ( ) رسید متوجه که

( ) میل که بایزید بسطامی به کلی به زندگی دنیوی سی

گرسنگی نماید . روایت بایزید ( ) می . بانی

نکوهش می به می : سی بیابانها به بردی وظیفه ی به

مهمل گذاشتی ( ) ترک دنیا نیست می گوید : هرکس باید

دنیوی به اخروی نماید»<sup>2</sup>.

اینجا می بینیم غربی ( ) التقاطی کرده

ائمه ی شیعه انکار ای کاش داخلی هم درک فهم آنها !

خلاصه می قاطعیت فته که : صوفیگری شیعه ی امامیه نیست نخستین بنیانگذاران

این مسلکها هیچ کدام شیعه سید حیدر آملی ( 720-878 یا 719 ) یک مرشدی که بتوانی

کنی شیعه نیست تشیع بلکه ادیان این

می چندین دلیل ذکر کرد :

---

□ همان کتاب ، ص□□.

□ همان کتاب ص□□.

1- تصریح بسیاری شیعه اینکه صوفیه غیر جعفری بلکه پیرو هیچ دین مذهبی متأخرین صوفیه تشیع میزنند برای یب شیعه بوده بخوایم این آنها کنیم به می کشد<sup>1</sup>.

2- صوفیه مرشدهای به سنی گری معرفی کرده یک به تشیع معرفی نکرده . تذکره الاولیاء کتب دیگر ایشان ملاحظه کنید . علی جلالی که ایشان همه کتاب «کشف» « گفته : صوفی حقیقی ابوبکر . شیخ نیز الطیر گوید :

خواجه ی که یار «ثانی اثین اذهما فی» هرچه کبریا ریخت شریف مصطفی همه سینه ی صدیق ریخت تحقیق ریخت همچنین الطیر گفته : اهل بهشت گوید : « کرده به حدیث جعلی سنیان که شیطان گریزان .

سای می گریزد دیو سایه 3- اینکه کتب متقدمین صوفیه بلکه متأخرین آنها نامی شیعه «شیخ» «مفید» «کلینی» «شیخ طوسی» غیره نیست ولی اهل ذکر کرده و کراماتی برای آنها «شیخ» «گیلانی» آنها.

4- اینکه بسیاری اهل شیعیان رافضی خبیص بلکه بی دین می صوفیه اولیاء کرامات می اهل به شیعه آنها یقین .

5- صوفیان تصریح کرده که یکی حتمی صوفیگری سنی همچنین «قشیری» «رساله ی قشیری» «جامی» « گوید : التابعین بدعتها ظاهر هرکس برای ادعاها ای اهل صوفی نهادند این نویسندگان همه کرده تقیه هم که صوفیه عذری بیاورند.

---

□ در این بار به کتابهایی که در رد صوفیه نوشته شده است ، مراجعه شود.

6- معارضه صوفیه‌هاست ( ) چنانکه «کلینی» کتاب «کافی» » الصوفیة  
 علی ( ) احتجاجهم علیه ذکر<sup>1</sup> نیز معارضه آنها ( ) که کتب<sup>2</sup>

روایات زیادی به این که صوفیان ریاکاران به زندگی سایر ائمه ی اطهار نیز کرده پاسخهای محکمی شنیده «<sup>3</sup>.

عجیب که صوفیهای نسلهای برای سلسله به برخی  
 مشایخ طریقت<sup>4</sup> حالی که نیاکانشان حیات معارضه می کردند<sup>4</sup>  
 انکار !

این عجیب اینکه می نویسد ائمه ولی « » «کلینی» آنها  
 هر به !

7- آنکه به نمونه یکی صوفیه سلسله احایث شیعه نیست حتی یک حدیث شیعه  
 نکرده که راوی .

8- علمای شیعه کتابها نوشته شیعه ذکر کرده «شیخ طوسی نجاشی مفید  
 علامه حلی» ایشان صوفیه کتب نیست بعضی کتب یکی از صوفیه  
 به تدلیس سنی توصیف کرده .

9- شهادت مؤلفین صوفیه معرفی کردن آنها مذهبشان تألیفات «مولوی» سبعه  
 مثنوی» « دیوان «جامی» کتب جامی<sup>1</sup> می نویسد:

□ کلینی ، فروع کافی ، ج □ □ □ □ □ - کتاب المعیشة تحف العقول ص □ □ □ .

□ منهاج البراعة ج □ ، سفينة البحار ، ج □ □ □ □ □ .

□ . در این باره به باب ملابس که کتاب وسائل شیعه و کافی و سای کتب حدیث مراجعه شود.

□ . عطار در تذکرة الاولیاء امام باقر و امام صادق (ع) را جزء مشایخ طائفه ی صوفیه ذکر کرده است.





12- «مفید» بسیاری علمای دیگر گفته صوفیه فرقه می : حلولیه اتحادیه<sup>۱</sup>

دیگر این مسلکند بنابر این شیعه ی دیگری که اهل .

توحه به اینکه مشایخ نخستین صوفیه اهل این

همه ی سلسله ها هم به آنها منتهی می ادعای صوفیان می به تشیع  
پذیرفت زیرا کسی شیعه سلسله به سنیان ! مدحی ائمه به  
ولایت علی ( ) کنند برای که ولایت به ولایت بیاورند دیگر به ولایت  
کافی می بایست شیعه زیرا علی ( ) بیشتر می کنند .

بنابر این به می صوفیه گمراهی یکسانند ، چنانکه عسگری ( )

:

«والصوفیة کلهم مخالفینا طریقتهم مغایرة طریقتنا هخم نصاری هذه» (یعنی همه ی  
صوفیه هستند طریقه ی ایشان طریقه ی مغایرت نیستند نصاری این  
(.

این روایت انکار صوفیه تصریح به اینک آنها طریقه اهل بیت  
ائمه اطهار ( ) می چه علی ( ) .

روایت دیگری ( ) :

« یقول کسی به نمی روی خدعه و مکر  
جهالت (.

به اهل این مفید یعنی صوفیان سه دسته نیستن به این سه  
نمی : بین .

---

<sup>۱</sup> . به نقل الاثنی عشریه ، ص ۱۱۱ .



ایا توجیه کلمات کفر امیزو به انها یاری انها نیست؟!

وهرکس یاری ایشان کند یاری یزید و معاویه و ابوسفی را کرده نها خواهد . ایا صوفیان به ظاهر شیعه، همان صوفیه تکرار نمی کنند؟ ایا انها یکی نیست؟!

روایت: ( ) که به صحیح روایت است، دقیقاً صوفیهای به ظاهر شیعه نیز می بیان اینکه صوفیها هستند و هرکس به تمایل دهد محشور خواهد .

«وسیكون يدعون يميلون اليهم يتشبهون بهم ويلقبون أنفسهم بلقبهم يأولون أقوالهم اليهم فليس منه أنكرهم...»

( ) آینده کسانی پیدا می که ادعای میکنند به صوفیه نیز تمایل میدهند به ایشان تنبیه به میگذ تاویل توجیهی نمایند، هرکس به ایشان تمایل دهد نیست بیزاریم).

که ( ) به ظاهر شیعه می که دعوی اهل بیت پیامبر می نمایند صوفی می ظواهر به انها تشبیه می نمایند. صوفیهای شیعه مفری این روایات .

برخی صوفیهای به ظاهر شیعه می گویند: متقدمین صوفیه شیعه اینک اظهار تشیع نکردند به این که تقیه میکردند؟

انها انها اظهار کفر ادعای خدائی خودداری تقیه نکردند ذکر علی ( ) تقیه کردند؟ انها کفر امیز که است، تقیه نکردند تنها علی ( ) و اظهار تشیع تقیه کردند؟!

نیست اینجا به توجیهات صوفیانه ی «قاضی شوشتری» مروری داشته باشیم.

وی می نویسد :

« گویند که اکثر صوفیه به ظاهر طریقه ی اهل شیعه ی حقیقی : گوئیم صوفیه فرقی بسیارند شیعه فرقه ی حقیقه ی ایشان یکی که سید ائمه ی اطهار ایمان به ظاهر همچنانکه فرقه ی حقه ی ناحیه متکثره ی شیعی یکی امامیه اثنی عشریه که احکام ایشان مبین به صحیح نبی ( ) .»

قاضی « می گوید : عقیده که هیچ کس این طائفه ی رفیعہ ی سنی مذهب ی ضالہ ی » بندیہ که جهت ترویج اهل تصوفی جهت ترویج اهل تصوفی جهت ابوبکر بسته خرقة ی طریقت به بسته .

قاضی برای این جاهای دیگر به تکلف انداخته گفته : اینکه اکابر این طائفه رفیعہ می گویند که (المصوفی مذهب له) می گویند که به احوطه مذهب می کنیم فی الحقیقة گریز یکی مذاهب از تصریح به انقیاد مذهب شیعه از روی تقیه ولہذا گفته که هر صوفی که اظهار مذهب کند کردنی ، بلکه لایق سینی وگردنی آنکه کسی که به تفصیل مذاهب اخیر صریح مذهب امامیه زیرا که مذاهب عندالاستقرار مذهب این فرقه ناحیه ...

« المؤمنی قوی ترین دلیلی که مدعی این که می گوید : » جمله واضحه که تدین اکابر این طائفه ی علیہ به مذهب امامیه که «شیخ شهاب الدین سهروردی» رساله «الهدی» آنکه روی نقیه تقریر حقیقت خلفای اربعه مذهب اهل گفته که روی نقیه تقریر حقیقت خلفای اربعه مذهب اهل گفته که یکی ایشان آید باید که جمله خودسازی به اظهار نپردازی که باید سعی کنی نپردازی به کلام ظاهر پیدا هویدا خواهد که به یکی که از جمله ی کیست شیخ آذری گفته :

کیست گفتی کز نمی دانی

دین علی مرتضی پیداست کیست

هزاران هادی پیرو رهبر

زین همه هادی رهبر پیرما پیداست کیست

اینجا بسی دعوی باک نیست

شریعت قاضی پیداست کیست

مخفی این دلائلی که برای شیعه اکابر صوفیه اقامه می کند می کسی کند به

تفسیر جمله ی (الصوفی مذهب له) به اینکه حقیقت گریز به یکی هب

تصریح به انقیاد مذهب شیعه روی تقیه می برای همه تازگی زیرا

صوفیان مذهب باطلی به مذهب خاصی نمی دهند به این معنی که مذهب

تجربه های صوفیان نیست بلکه مرحله ی تعبیر می کند بنابراین بی

نیست که به اساسی به یکی نویسندگان وقتی که مذهب تنها به وسیله ی تعبیر

باید به همه ی مذاهب به یک درجه اهمیت یا

هیچ شکی نیست که جمله ی (الصوفی مذهب له) این صوفی مذهب

صوفی گوید: سالک سلوک دین بیرون صوفی

به بی دای می نهد (الصوفی مذهب له).

البته قاضی شیعه سازی شیعه تراشی میکوشد کمترین هر سنی و محکم

تشید چنانکه اینجا می بینیم «شیخ شهاب الدین سهروردی» (630) که صوفی شافعی پیش

وی شیعه معرفی می کند.

جای دیگر رفته که اظهار علاقه مشایخ صوفیه ائمه ی اهل به علی ابیطالب ( ) اهل

بیت پیغمبر و حتی اظهار آنها ائمه ی شیعه هر چند آنها بعضی مبادی تشیع نزدیک می کرد

ولی هرگز تشیع اصطلاحی آنها نمی کند.

\*\*\*

تلفیق بین و تشیع

میدانیم صفویان به حمایت صوفیان به رسید و آنها که به جای کشکول و تبرزین تیغ و کمان به صفویه رابه به این حکومت صفویه از جهت ظاهر حمایت صفوی و نقطه ی اتکاء امرای

دیگر سلاطین صفوی «تشیع» را برای تحکیم میدانستند و ترویج تشیع ایران زمینه ای که بود، به سعی صفویه پایگاه حکومت صفوی که به این عین که تشیع رکن حقیقت تشیع رکن دیگر تلقی کردند و در نهضت آنها و تشیع به هم یافت خویش صفویه نخستین تشکیلات سیاسی بود که کوشید بین و تشیع آشتی دهد. ولیکن تشیع که کار به ایجاد حکومت صفوی کمک کرد زیادی بیاورد.

به «دکتر زرین کوب»:

» که این تلفیق بین و تشیع که به «اسماعیل» امکان صفوی توسعه ی عثمانی از وی غلبه ای که فقها و مجتهدان در عهد «تهماسب» به حکومت یافته تدریجاً به گرائید و هر چند بین «صوفی» که کامل میشد، با صوفیان همچنان مبنای پیرو مریدی غلبه فقهاء شیعه به ظهریت هم و فقهاء تشیع البته دیگر نه علاقه ای به نه نیازی»

صوفیان که پیرو اهل سیاست صفویان به گرایش پیدا کردند و به تشیع کشیده زمانی که میگفتند و صوفی گری و تشیع نمی، تغییر عقیده که صوفی گری با تشیع و آنها که تا دیروز سنی صوفی گری میدانستند به اینکه صوفی نمی سنی «اسماعیل» کرده صوفی گری وقتی خواهد که اعدای امیرالمومنین ( ) تولى به ائمه معصومین ( ) نمایند.

همین سیاست صوفی گری به جهان تشیع نیز پیدا کند و گفته که شیعی و صوفی متغایرند که آنها حقیقت

علمای شیعه این پدیده به سه دسته تقسیم :

1- فقهاء و متکلمان شیعه      و صوفی گری به      مبانی تشیع

و صوفیان      گرچه      تشیع میدادند تکفیر      صوفیه و طریقه      همواره همچون  
تلقی کردند      آنها کتاب ها      کردند که تشیع      و هرگز امکان      شیعه  
صوفی      البته این هر دو فرقه اهل مدرسه فقهاء و حکماء-      انکه      تلقی      احکام      ظواهر شریعت  
و جزئیات      یکدیگر      ولی      اظهار      صوفیان      اینکه  
فقهاء      متشرعه در بعضی      حکماء      هم به اتهام      صوفیه      شدید  
می .

این      که      مذهبی صوفی ستیز تعبیر      می      «      طاهر قمی      »  
«      علامه      »      باقر مجلسی      »      کرکی      علی      زین الدین      »      کتاب «السهم  
فی      »      «عبدالحی      تونی      شیخ      عاملی      ...»      که  
صوفغیان      کتابها رساله ها      مسلک      شهادت

2- برخی      برای اینکه      صوفیان      به      کنند      آنها  
کتاب      احیاناً      صوفیه      نیز بکار      آنها تجلیل کردند      بعضی  
آنها      پیش      که صوفیه آنها      این دسته      هم      کارشان نتیجه  
صوفیان کنار کشیدند      آنها تبری جسته      به      پیوستند      سلسله این      «شیخ بهائی»  
(1030)      »      قی مجلسی» (1070) می .

شیخ بهائی      آنکه در قصه ی رمزی      گربه صوفیه ی      می      و حتی      صوفی  
آنها      می دید      اینکه      شیخ الاسلامی اصفهان      مکرر به بهانه ی سیاحت  
به کسوت درویشان درمی      چنانکه «اسکندریگ» منشی      می کند      ایام  
سیاحت حتی به      «اکابر صوفیه      سلوک و اهل      » هم رسید      هم      بعضی روایات به طریقه  
ی نوربخشیه      <sup>1</sup> به      رساله ای به      »      الوجودیه<sup>1</sup>      نوشته      اینکه  
«      عربی» نامی      به تقریر      وی همت گماشته      به      وی برخاسته .

□ . زرین کوب ، دنباله ی جستجو رد تصوف ایران ، ص □□□ .



مجلسی «شیخ تقی» هم به صوفیه بانظری شبیه «شیخ بهائی» می نگریسته و حتی صوفیه ی هم داشته و این به هم خویش به فقه احادیث ائمه منافی نمی داسته و در مقدمه فارسی «یحضره الفقیه» تأکید می کند که صوفیه به ائمه ی معصومین ( ) هستند «بایزید بسطامی» که ایشان رتبه سقائی ( ) یافته .

«تذکره» می نویسد :

«تقی مجلسی اهل ریاضت فکر ذکر اربعین ها ریاضت کشیده صوفیه هم داشته که صوفیه میدانند و سلسله به می»<sup>2</sup>.

ی « (111هـ) رساله ی اینکه متصوفه انکار تمسک رابه اهل بیت دلیل این کر کرده صوفیه برای هدایت دانسته ساخته پایان فهمید جمعی آنها هدایت نیستند آنها تبری جسته و حتی تکفیرشان کرده<sup>3</sup>.

کتاب «مدهامتان» «شیخ علی اکبر نهاوندی» می نویسد :

«روزی شیخ بهائی به یکی که آنها به چهار صد می رسید :

به بیا، می گوید کردم کم کم ارکان صفوی همه صوفی  
 شیخ بهائی کسوت خرقة درویشی پوشیده حلقه ی اهل ذکر آنها ذکر به فاصله ی  
 یک آنها راجذبه دهان آنها کف می ریخت روی زمین . شیخ که عادی باقی

□ این رساله در مجموعه ال □ □ □ □ هجری قمری در مصر چاپ شده است.

□ تذکره القبور ، ص □ □ ..

□ نقل از شرح اعتقادات از طالقانی تألیف □ □ □ □ □ □ □ □ ، نسخه ی خطی، در کتابخانه

ی آیه الله مرعشی، شماره □ □ □ □ بنا به نقل رسول جعفریان ، دین و سیاست در دوره ی صفوی

□ □ □ .



الجاهلیة» می داعیه که به وی هر بی نصیب  
 نه روشنی بهره ای می جسته نه که تصفیه ی می نصیبی  
 داشته کسب جستجوی حتی هم به بهانه ی توکل الهام به  
 ،کنار کشیده همین دعوی بهره ای نداشته <sup>۱</sup>.

این همه کتاب انباشته قدمای صوفیه حتی خاتمه ی طریقه ی صوفیه را برای سالکان  
 توصیه می کند صوفیه تأکید می نماید که تقلید رامی بایست به منزله ی  
 تلقی کرد. صدر المتأهلین این کتاب می که اکمال استواری در شریعت نباید  
 به ریاضت صوفیه که صوفیان آنها هستند طریق بی  
 بهره دیگران نمی هدایت کنند شطحیات صوفیه هم اقوالی که آنها زیان حاصلی  
 کسی که تهذیب نکرده اشیاء نمی اظهار کند هر کس که  
 الهی بی نمی صوفی یا فقیه یا حکیم <sup>۲</sup>.

غزالی می کند که میدهد وی نیز میرداماد به غزالی مسئله ی  
 به این عقاید صوفیه جمله «عربی» «فونوی» می  
 کند اعتراضاتی که این آنها سطحی لفظی یا ناشی طلقی می  
 نماید آنچه کتاب الجاهلیه دعوی های متصوفه کسان نیست که  
 فریبی به مناهیل هدف دیگری برای خویش می  
 شریعت به می خویش به که مایه ی گمراهی  
 اهتمام <sup>۳</sup>.

این هماهنگی فکری غزالی فیض کاشانی فیاض لاهیجی  
 عین هم تأثیر ملاحظه ای باقی این هر سه حکیم شیعی طریقه ی

□ . دکتر زرین کوب ، دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص □□□ .

□ . دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص □□□-□□□ .

□ . دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص □□□-□□□ .

عربی غزالی که مقتضای آنها عین محیط تشیع تصنیفات کرده .

فیاض که شعری « لاهیجی (1072 هـ) حکیم متکلم صفوی احتیاط  
خیلی بهتر از متشرعه فقهاء . یک  
نقطه ی اشتراک غزالی تلقی به نهایت سیر عقلی در کتابهای سعی بسیار  
طریقه ی متصوفه طریقه ی حکماء ترجیح می دهد طریقه ی آنها طریقه ی انبیاء می<sup>1</sup> .

به «دکتر زرین کوب» :

« کلام «فیاض» تبیین طریق ترجیح طریقه ی اهل حکمت ظاهری گوهر  
«کیمیای» به طریقت. این همه وی نیز خویش « صدر المتألهین»  
بلکه «غزالی» اکثر کتب خویش گونه صوفیان که دعوی ظاهر می کند  
می یابد که می گوید: تقلید برای البته هر مدعی  
پیروی کند این تقلید انبیاء ائمه ( نکند... )<sup>2</sup> .

«فیاض» اینکه در خاتمه ی گوهر به تزکیه ی به تحصیل و تکمیل  
ی نظری یقینی توصیه می کند این نکته که اشخاصی به سلوک به صوفی  
یا به عناوین والقبای که شریعت نیست ، غیر صحیح می به طریقه ی پیرو مریدی  
صوفیه به انکار می کاملاً یداس که این نیست . فیاض خالی  
نیست گرایش ی به حقیقت می دهد .

دیگر « « مرتضی کاشانی» به «فیض» به « فیض  
(1091) بود که هم « هیجی» شعری المتأهلین گرفته نیز بین

---

□ . دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص □□□ .

□ . همان کتاب ، ص □□□ .

شرعی تمایلات عرفانی تمایل به طریقه‌ی صوفیه نیز بین شرعی تمایلات نی در تمایل به طریقه‌ی صوفیه نیز صدر المتأهلین لاهیجی «محبی الدین عربی» غزالی تلفیق بین شریعت طریقت مذهب شیعه بیش آنها کوشا .

فیض به صوفیان خویش انتقادی این خرقة که بی بهره فتنه گشته می‌کند در رساله‌ی «المحاكمة بین غیر هم نیز جاهلان متصوفه که حلقه ی ذکر می از حقیقت بی انکار یاد می‌کند .

به کلی فیض مدعیان طعن‌ها آنها مرهی مریدان می رساله‌ی « فی بیان بین » که به سبک غزالی « فیض سلوک عقلی روحانی به همان شیوه بیان می‌کند می شباهت فکر فیض غالی بهتر دریافت اینکه فی کتاب احی الدین غزالی « البیضاء فی احیاء » شیعه تهذیب کرده دیگر ه علاقه‌ی به احیاء طریقه‌ی غزالی<sup>۱</sup> .

فیض کتاب احیاء هیأت آرایش نخستین خود باقی گذاشته ترتیب تقریر بهم سه چهارم احیاء عیناً تصوفی یک چهارم باقی . کلا فیض می ی وی غزالی گوهری هر دیگری می‌گیرد .

گرچه غزالی پایان به تشیع گروید<sup>۲</sup> ولی هنگام احیاء مذهب اهل کتاب اهل نوشته و این اولین بین غزالی فیض به هنگام محببه چه تعلیم صوفیه نمی‌کرد ولی ی به ین نقطه‌ی حکایات عجیب و غریب احکا فرعی فقهی فیض بسیار ی غیر صوفیان راهم « البیضاء » بیرون می‌ریزد گاهی غزالی می‌کند که چنین

□ تلخیص از کتاب دنباله‌ی جستجو در تصوف ایران، ص □□□□ □□□□ .

□ در اینباره به تحقیقات نگارنده در کتاب مستبصرین شرح حال ابو حامد غزالی مراجعه شود .



کتاب مذکور یادآور      به      این      ،بلکہ      <sup>۱</sup> . ولی

این همان طوری که برخی      جستۀ تبه      وجودی<sup>2</sup>

ای عربی داشته .

فیض      تمایلات صوفی      ترک      حدیث      رسالہ ی      »      «      بہ

این نتیجه رسیده که فلاسفه صوفیه هیچ چیزیی نیست که حدیث کتب فلاسفه یا

متصوفه می حدیث نیست فهم ایمان آنهاست باید اهل بیت

شریعت      تعبیرات متکلمان      متفلسفه      متصوفه که در محکّمات ثقلین\_ کتاب      واحادیث

اہل بیت - مذکور نیست باید<sup>3</sup>

کتاب » « صوفیہ می گوید :

» اینکه صوفیه اهای حتی ایشان که نیست ای کاش به دعوی می کردند

بدعتها    دین نمی    کردن    به ذکر    اظهار    اذکار و کف

پائین      حتی آنکه یک      خیال      خوشگلی      رقصیدن دیوانه

زمین می این به سیلی دیگری به کتف بشکند

دهان افکند تبرک جویند پسری به بوسه کند یکی ایشان ادعای

غیب کند و کرا تی که هیچ پیغمبر نکرده کند اینکه جاهل به احکام این

کنند      دهند      گاهی      افکنند      کنند      پای

4  
• «

فیض در کتاب « الشیعة » این که عربی شیخ اکبر صوفیه ه ی این رؤسای

اهل کثرت به کرده گاهی به

داشته و گاهی نیز هی گمراهان به عربی بیشتر متوجه

□. کلمات مکنونہ، ص□.

[illegible]

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران، ص □□□.

کتاب بشارات فص

این گفته ی که کتاب » گفته که »  
 می می «وی به این جهت که عربی این کلام  
 بی نیاز پنداشته صورتی که از حدیث مشهور » یعرف زمانه  
 میده جاهلیه» فیض بی الدین رسوای شیاطین حیران زمینه ی  
 کرده .

هم احیاناً خانه ی عنکبوت  
 ی کودکان ریشخند دانسته تأکید کرده که این همه ادعائی که توحید داشته گفته  
 هایش رعایت نکرده و سخنانی به که هیچ مسلمانی آنها نمی  
 به نمی<sup>۱</sup>.

### سلسله هائی که یتشیع

گویند: ی صوفیه به طریقه می هر دسته ای نیز شاخه ی مستقلی می  
<sup>۲</sup> ولی دسته های بیست دسته نمی کند تمامی دارند که  
 سلسله ی شیوخ آنها نهایت به پیامبر ( ) منتهی می این برای مشروعیت کسب میکنند  
 در بین این بیست فرقه گویند دوسه فرقه خاصه میباشد و بقیه همگی عامه بعضی این سلسله ها که  
 مدعی تشیع هستند، به وسیله ی « کرخی» سلسله ی رابه ( ) گویند این سلسله  
 نوریه ی رضویه علویه ی ذهبیه مصطفویه که « » نهاد . «  
 صوفیان چنانکه ( ) که فیض تعلیم طریقت  
 شیخ المشایخی یافته و به که طریقه ی رضویه علویه ی مصطفویه که  
 و تزکیه و تصفیه به العقیده پیروان ائمه برخی گفته که وی  
 موسی ( ) نیز درک کرده اما بیشتر صوفیانی که وی نوشته

□ . بشارة الشیعه ، ص □□□.

□ . امام محم غزالی ، ترجمه ی اصفهانی زاده ، ص □□□ ، چاپ تبریز.







دریافت کرد هنگام مبارکش هفت<sup>1</sup>.

کرخی آخرین صوفی که به داشته می ... متصوفه به ائمه  
( ) خبری دیده بلکه دهم علی النقی ( ) که  
صوفیان اینکه صوفیان به علوبیان روایت که «همه ی  
صوفیان مخالفین هستند»<sup>2</sup>.

بدین ترتیب نویسندگان کتا های کرخی زندگیش ( )  
نوشته بلکه خانه ی می که به واسطه ی شیعه خانه  
های شکسته<sup>3</sup>.

مشهورترین ترین سلسله ای که ادعای تشیع به اهل بیت ( ) همین سلسله ی  
معروفیه هستند که به وسیله ی کرخی سلسله ی رابه ( ) می دهند ولیکن این ادعای  
صوفیان کاملاً واهی بی زیرا:

1- به روایاتی که ( ) نیز سایر ائمه صوفیه جمله  
بسیاری علمای شیعه به صحیح «بزنطی» «اسماعیل بزغیع»<sup>4</sup> ( ) روایت کرده  
که :

» ذکر الصوفیه ینکرهم بلسانه وقلبه فلیس أنکره فکانما جاهد الکفار بین یدی  
( ) «.

□ همبستگی میان تصوف و تشیع ، ترجمه ی دکتر شهابی ، ص □□□.

□ الصله ی بین النصوف والتشیع ، ص □□□.

□ طبقات الصوفیه ، ص □□.

□ بزنطی و ابن بزغیع هر دو از بزرگان و از خواص امام رضا (ع) بوده اند ، به کتب رجال  
شیعه مراجعه شود .

(یعین هرکس صوفیه ذکر به انکار نکند نیست هرکس صوفیه انکار نکند کسی که کفار و جهاد کرده<sup>1</sup>).

این حدیث می هرکس صوفیه، شیعه‌ی اهل بیت نیست.

روایت دیگر «سید مرتضی رازی» غیر ایشان موثقین علمای شیعه «شیخ مفید» کرده که ( ) که:

« یقول سَمِی نَفْسَهُ صُوفِیاً لِلتَّقِیْظِ عَلَیْهِ»<sup>2</sup>.

(یعنی به احدی نمی روی خدعه مکر یا گمراهی یا اهل و اما کسی که روی تقیه صوفی کند گناهی نیست).

این حدیث به دیگر به زیادتى این :

«علامته یکتفی بالتسمیة یقول عقائدهم الباطله»<sup>3</sup>.

(یعنی) کس که تنها به نسیمه‌ی اکتفاء نماید و به چیزی آنها مایل ( ).

عجیب که ( ) سوای این حدیث حدیث دیگر صوفیه این صوفیه می‌گویند: کرخی صوفی .

2- آنچه ی علی موسی ( ) می به یقین کرد که هم و به قوی ( ) نیامده بلکه

به 200 کرده این همان که به زندگی گفته درباری

---

□ سفينة البحار ، ج □ □ ، شرح نهج البلاغه ی خوئی ، ج □ □ □ - حقیقة الشیعة

□ □ □ □ .

□ سفينة البحار ، ج □ □ □ .

□ . حقیقة الشیعة ، ص □ □ □





( ) هشتم (203هـ) درباری به عهده <sup>1</sup> «سری سقطی» (253هـ) کرخی <sup>2</sup> شقیق بلخی (174هـ) آنکه وابسته به موسی الکاظم ( ) معروفی می <sup>3</sup> به نوشته ی «رأی» «ابویوسف» دوستی ابوحنیفه شرکت می کرد <sup>4</sup>.

این ترتیب های اخیر همین سیاق ادامه پیدا کرده . فردی که به شیخی می دهد، مدتی مذهب شیخ می پذیرد.

کلاً ممکن نیست حکم کرد که طریقت بهمان مذهب <sup>5</sup> «.

برخی صوفیه که مذهب شافعی به ظاهر گرایش به تشیع و اظهار به علی ( ) می تکريم تعظیم صحابه خلفای به این معنی تبری سایر صحابه به هیچ وجه تولای اهل بیت نمی .

ظهور «سید» « (759-869) که نوعی نهضت تشیع «شاهرخ گورکان» می

ای که یک سته صوفیان کبرویه رابه سوی تشیع آنکه بیشتر جنبه ی مذهبی سیاسی طریقه ی کبرویه و ترجأ به تشیع ولی پیروان «کمال الدین خوارزمی گرایش به تشیع برکنار هرچند آنها نیز «ذهبی» برای کردند .

کتاب» «که نویسنده ی صوفیان ی سلسله ی سید ذهبی این چنین می نویسد که :

□ . ترجمه ی نفحات ، ص □□.

□ □□□□□ □□□□ □□□□.

□ □□□□□ □□□□ □□□□.

□ . تصوف در یکصد پرسش ، ص □□□.

□ . تصوف در یکصد ، پرسش ، ص □□□.





آبادی. این فرقه چنانکه      المؤمنین می آید      پیروان سید      صوفیه      می  
 صوفی      سیاست مداخله نمی کردند      تولای اهل بیت، شیعه      معنی  
 صفوی      چنانکه «شیخ کمال الدین حسین خوارزمی» که سلسله ی      به سید      آبادی  
 می      طریقه ی نیز      الذهب      اصراری که      المؤمنین      تشیع  
 می دهد      آنگونه که      می آید مذهب اهل      داشته      دریک مثنوی می گوید که چاربار  
 پیغمبر جانشین      به ترتیب      <sup>۱</sup>.      العاشقین ابیات زیر      شیخ حسین      یاران      :

رکن کعبه ی دین چاربار      صدیق اکبر یار غار

دین      امیرالمؤمنین

ذی النورین      حیا      وصی مصطفی

یار دیگر      علی      کزو      دین      منجلی

به پیغمبر یاری      جانشین      به ترتیب

یب وزین      مهر ایشان      گزین همچون حسین

پیروان      که بیشتر یک دسته مذهبی      سیاسی شناخته می      سید      —      به

رهبر      مهدی      خلیفه می      بخشیه      .      بخشیه هم      سید

که داعیه ی      به      دشواریها سیاسی      سلاطین      حکام

رها کرد      رابه      شیخ سلسله ی ذهبی جانشین خواجه      ختلانی      سلسله هداین

تلقی کردند. سلسله ی صوفیه نوربخشیه که      شیخ      اسیری لاهیجی      عهد صفویه

ترویج      اهتمام      طریقه ی      بخشی      به      دنباله ی طریقه ی «خواجه      ختلانی»      «میرسید

علی همدانی» تلقی می کردند.<sup>۲</sup>

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران، ص ۱۱۱.

□ . دنباله ی جستجو در تصوف ایران، ص ۱۱۱-۱۱۲.

|            |                     |         |                  |                    |
|------------|---------------------|---------|------------------|--------------------|
| هنگام قیام | ادعای مهدویت کرد    | ی کثیری | صوفیه به پیوستند | رساله ی «الهدی» که |
| به وی      | هم دعوی مهدویت ظاهر | سید     | آنکه             | ظاهراً ادعیه ی     |

کنار نهاد ولی «مظهر» «مظهر» می وادعیه ی ولایت  
همچنان کرد نامه ای که باقی به می کند که اشیاء توحید :

تجلی      فهم      از مریدان      کما      قریب      داشته      « این

مظهر »      « غیر کات این      « همه      هیچ کس به جامعیت این      نیست.<sup>2</sup>

نویسد:

ذهبیه راکبرویه ورضویه نامیده  
ای اغتشاشیه  
مرکز ذهبیه شیراز  
» « به شعبه  
یکدیگر  
ذهبیه نایب التلیه ی  
ساخته  
ذهبیه  
هایی  
گرفته  
.

|  |  |
|--|--|
|  |  |
|--|--|

این سلسله به به دیگر : به همه خدائی به ائمه ی اطهار ( )

می می این همپایه ی شیخیه حتی «شیخ احمداحسائی» مریدان»

الدین ریزی» می<sup>۱</sup>. مشایخ خلفای این سلسله یه ی طلبی به جای

وسلوک به واعیان توجه برای نیل به ظاهری میکردند مکرر ادعای ولایت مهدویت می همین وسیله ای برای کسب بیابند جالترین شواهد این دعوی واقعیه ی نقطویه عهد «طهماسب» «ماجرای» درویش قزوینی» عهد «صفی» می ذکر کرد.

ذهبیه سایر سلسله های صوفیه ی مشایخ نیز غلومی کنند فی «میرزا وحید

الاولیا اردبیلی» غیر عادی بدین ترتیب که آبی رسیده نطفه ی «میرزا» بسته

سه ماهگی شکم می گفته شخصی شیراز مدعی گردید که یک

ناهنگام هفت به تکلم هر : «وحید الأولیاء» انهار جاریه 44 بیت

این به ... جمله :

هم این خروسی

بنهادم دیدم این ذکرش

وحید الأولیاء<sup>۲</sup>

رساله ی تنبیهیه<sup>۳</sup> « :

چیست مهدوی ولی به پیروی

هادی مهدی این

□ سپری در تصوف ، ص □□□.

□ انهار جاریه ، چاپ مصطفوی ، شیراز ، بدون شماره.

□ رساله ی تنبیهیه ، یص □□-□□.

همان رساله این دوبیت :

پیچی      ی اولیاء      کادم      ضیاء

هم ابلیسی      شیطان دهر

نیست      بهر<sup>1</sup>

پایان این تذکر این نکته به می که اگر شبه قوی بگیریم ی صوفیان  
شیعه کنیم این ( ) پیش نیست اهل بیت ( )  
به آنها ( ) : یک طریقت دیگر شریعت.  
طریقت به کرخی شریعت به ( ) تسلیم صوفیه به پیرو ی  
کرخی شریعت کنار . این صوفیان مدعی تشیع کوچکترین اتصالی به  
ائمہ ( ) خبری دیده بلکه دهم هادی ( ) که : «همه ی صوفیان مخالفین  
هستند» می بینیم صوفیان ذہبی به ( ) اهمیت نمی دهند و اینکه  
می شیعه ها نیست زیرا آنها به نوعی نه شخصی!

\*\*\*

به روایت «تاریخ کمبریج» به توجه به جنبه های باطنی پذیرش برجستگی معنوی علی ( )  
میان یاران پیغمبر ( ) شباهت های خاصی تشیع این یان به تاریخی همواره  
یکدیگر داشته . توضیح این می به این واقعیت کرد که اکثریت عظیم مشایخ  
صوفیه پیوندهائی داشته دیدگاه شیعه باشکل رابطه ی شیخ و مرید طریقت مرادی  
شیخ هدایت معنوی که به وسله ی می می<sup>2</sup>.

سلسله ی الهی

□ رساله ی تنبیهیه ، ص ۱۱۱-۱۱۲.

□ تاریخ کمبریج ، ترجمه ی عباس مخبر ، ص ۱۱۱.



نیز ای شیخ چرانی کرد چندی - ظاهراً شیخ- به سیاحت کرد می گویند  
سیاحت یک به ریاضت بعدها طریق به آذربایجان رسید  
اردبیل مشایخ راکه «شیخ صفی الدین» کرد<sup>۱</sup>.  
گویند: فیض سید شریف «جرجانی» « شیرازی» بسیاری صوفیه درک کرد<sup>۲</sup>.  
به وی اظهار علاقه کرده<sup>۳</sup>.  
یک هم هرات یزید زیست بیست پایان کرمان حوالی به  
قسمتی امیر تیمور شاهرخ میرزا شاهرخ همچنین سلاطین بهمنی  
دکن وی اعتقادی ... بسیار نیز باقی جهت ادبی  
اهمیت به ی مهم عرفانی توجه . به  
هندرفته یک طریقه ی نعمة اللهی سرزمین<sup>۴</sup>.  
«خلیل» به سلاطین بهمنی به دکن ی یافت  
بعضی دکن ظاهری هم جمعی نیز به یزد کرمان<sup>۵</sup>. خلاصه  
سیروسید طولانی «ماهان کرمان» افکند مدرسه  
کرد به تربیت مریدان که وکرما یزد وی می کرد  
به جای کتب فقه یا حدیث یا حکمت مشایخ صوفیه کتب «عربی» تقریر تعلیم  
کتب زیادی به رشته ی تحریر کشید ۸۳۴ حالی که بیش می  
ماهان کرد<sup>۶</sup>.

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران، ص ۱۱۱-۱۱۲.

□ ریحانة الأدب، ج ۱۱، ص ۱۱۱.

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران، ص ۱۱۱.

□ ارزش میراث صوفیه ص ۱۱۱.

□ . . . . .

□ تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی، ص ۱۱۱ چاپ تهران، ۱۳۱۱.

البته دیوانش به خویش کرده قسمتی این دیوان ظاهراً نیست  
می دیگران به دیوان کرده<sup>۱</sup>.

افکار محیی الدین عربی ایران

تعلیم ای که در کلام ولی همه به می خمیرمایه ی اصلی تشکیل  
می دهد مسأله ی « معنی کثرت. این اعیان خارجی نمی  
اعیان ثابت که حقیقت الهی، دستاویز به کثرت واقعی کند. این  
رگه های فکری عربی پیداست حتی که بیان وی تکرار می .  
تعالیم عربی به هر بیانی تفسیر میکرد بعضی عراقی جامی  
مغربی اندیشه عربی<sup>۲</sup>.

« کرمانی» می کند که یک وی اعیان ثابت عربی این  
یک. پرسید که آیا اعیان خارجی همان اعیان ثابت که به خارجی  
نیست : مجموعه ی کتابی نزدیک وی : آنچه این مجموعه هست  
آنچه به صفحه ی<sup>۳</sup> البته تفسیر تقریر  
عربی به سایر نیز توجه . ی « الحکم» عربی» وی دیده ی تعظیم  
تکریم می چنانکه محیی الدین کرده معرفتی می که پیغمبر رسیده .  
عین تبحری که وی فهم تفسیر کتاب، نیز رضایت خاصی می گوید  
ی خویش می . این گذشته رساله ای که ترجمه ی خلاصه ای  
کتاب نیز رضایت خاصی می گوید و گوئی خویش میسررد. این  
گذشته رساله ای که ه ی خلاصه ای کتاب (= جواهر) رساله ای جداگانه هم تفسیر  
تألیف کرده به هم، یک اله تبیین جهت اختصاصی هر فسی این کتاب به حکمت نبی

□ . دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص ۱۱۱.

□ . دنباله ی جستجو ...، ص ۱۱۱.

□ . رساله ی عبدالرزاق ، ص ۱۱۱.

خاصی و هم رساله ای جداگانه ابیات الحکم که بیشتر این ابیات نیز طی به فارسی ترجمه تفسیر می کند!

این درجه ی عقیده علاقه ی به کتاب نویسنده ی ابیات زیر داشته :

## کلمات نگین

رسیده به به پیوست<sup>2</sup>

مقدمه ی دیوان :

« هفتم » الدین قونوی « هشتم » ولی « سید » « طریقه ی  
العربی که ایران بیگانه میان ایرانیان ولی  
شیعه کرده بنابراین طریقه ی نعمة اللهی نخستین طریقه ی فرقه ی شیعه که  
به ایران هندوستان .»

همان مقدمه ی اینکه چگونه افکار محیی الدین عربی به ایران گردیده می نویسد:

« الدین قونوی (متوفای 673) ایرانی آسیای صغیر می زیسته . عربی وی  
وهر وی نخستین کسی که برخی العربی ایران  
کرده نعمة اللهیان نوربخشیان نیز برخی وی را پذیرفته<sup>3</sup> «  
نعمة اللهی تحفه ای اسپانیائی که الدین قونوی عربی گرفته برای  
ایرانیان .

---

□ دنباله ی جستجو ... ، ص □□□ .

□ . مجموعه رسائل شاه نعمت الله ، رساله ی شرح ابیات ، فصوص الحکم ص □□□ .

□ . دیوان شاه نعمة الله ولی کرمانی ، ص □□ .



صوفی وجودی که این بی دیگران گفته . رساله ی گفته :

» له له المظاهر«

یک مظاهر بی یکی مظاهر می

که می گوید: « فی خلقه ظاهراً فی الاکل<sup>۱</sup> ».

دیوان نیز اشعاری جمله می گوید:

توحید

این هر سه یکی

جهان یکی

هر لحظه به صورتی<sup>۲</sup>

توئی که عین هر ودی

نمودی کثرت که بودی<sup>۳</sup>

عین عین وین عینین

یک عین ظهور درکونین

دریا یکیست

داری این همه ارکان<sup>۴</sup>

---

□ این دو رساله با بقیه رسائل شاه رد کتاب طراق در ضمن حالات شاه عمه الله نقل شده است .

□ .دیوان شاه ، ص □□□.

□ . همان .

□ . همان ، ص □□□.

جای دیگر گفته :

که همی

ظاهر ای سید

ظاهرت گیرد<sup>1</sup>

دیوان وی ، غزلیات ، مثنویات رباعیات ، غزلیات ی غزلیات که  
رائحه ی قلندری هم مایه ی امتیاز آنهاست . این دیوان سایر کتب  
می که کاملاً شیعه امامی .

### ولی چه مذهبی

همین طوری که بعضیها شیعه کردن «محبی الدین عربی» «قاضی شوشتری» نیز  
شیعه « ولی » والبته این قاضی که می خواسته شیعه اهل  
زیاد بدهد بدین جهت ای مخالفین شیعه ی شیعه کتاب « المؤمنین  
« ولی تعریف تمجید کرده که : اهل کرمان به دینی تکفیر  
کردند کرمان بیرون به هرات<sup>2</sup> .  
میریدان نیز می گویند شیعه به دلیل اینکه دیوانش علی ( ) ستایش کرده مهدی  
نیز .

وقتی که معرفی کرده دیگر کسی نباید مذهب نمایند دیوانش سنی اشعری  
معتزلی چهار خلیفه معرفی کرده دیوان ابیات زیادی که  
مذهب اهل جمله می گوید :

ای که هستی علی کاملی بی بدلی

---

<sup>1</sup> . همان ، ص ۳۳۳ .

<sup>2</sup> . دیوان ، ص ۳۳۳ .

سنی گزین که مذهب ورنه گشته ای خللی

رافضی کیست؟ بوبکر خارجی کیست علی

هرکه چهار یار پاک مذهب ی

صحابه به یار سنی معتزلی<sup>۱</sup>.

می بینیم که ولی مذهب عقیده ی خود را به بیان کرده دیگر نیست

کنیم. ولی این بسیار که الهی ها را شیعه ی اثنی عشری می باید

پرسید که شیعه ائمه اطهار علمای شیعه کنار و به برای

پیدا کردن شیخ کامل مدتها به این چهار صد کرد<sup>۲</sup> به

مشایخ سنی مذهب حنفی یا شافعی سلسله مشایخ نانکه دیوانش سلسله و مشایخ

به بصری :

پیر کامل مکمل

گفتی توحید نکوستفتی

یافعی رهبر رهروان این

پیر هم کمال کوفی کز کمالش بسی کمال

سعید که سعید سعید شهید<sup>۳</sup>

خلاصه اینکه سلسله چنین :

---

□ دیوان شاه نعمه الله ، ولی ، ص □□□.

□ زندگی و آثار جناب شاه نعمه الله ، ص □□.

□ دیوان ، ص □□□.



هم به مثابه شکلی اجتماعی و هم ملجایی برای اقلیت شیعه اسماعیلی به  
«<sup>۱</sup>.

ناگفته که صوفی آنهم یک نباید مذهب این یک اصلی میان صوفیان که  
«الصوفی مذهب له» (صوفی مذهب) (صوفی می ای رفیق) یا (القید کفر) به این معنی یک  
شیخ صوفی به هر محیطی که محیط می گیرد شیعه شیعه  
می کند سنی ناصبی همان قیافه می دهد به هنگام به  
کرمان سنی نیز مذهب هم رنگ آنها ظاهراً کار اسماعیلیه زیاد  
به گرایش پیدا کرده چنانکه «باستانی پاریزی» می نویسد:

« حقیقت این ک کار میان اسماعیلی النهر - که وابسته به می  
- قشریون روحانیون گیر به به کوهبنان کرمان بازگشته  
دلیل آنهم همان رویه تربیت کرمانی کوهبانی - اینکه ی -  
یادداشت‌های توضیح می دهد که :

«هر که اولیاء کند تربیت کنم» کار هم دیوان همین تأکید  
می کرد می : عهد بسته ایم این عهد هستیم».

پاریزی نتیجه می گیرد می گوید :

«بنابر این باید به صوفیه که بیشتر فرقه ها «سلسله ی خرقه ی» به  
ولی می که مایه و مکتب همین کوهبنان کرمان گرفته فکر هنوز همین  
وادی می «<sup>۲</sup>.

ولی پیش‌گوئیا

---

□ . تاریخ کمبریج ، ص □□□ ، ترجمه ی فارسی .

□ . باستانی پاریزی ، جامع المقدمات ، ص □□□ ، چاپ نشر کرمان ، □□□□ .

ولی میان صوفیان ایران که جای اینجا نیست همینقدر می  
که اکثر قریب به صوفیه ایران به ولی می که برخی  
«مهدی» به :

می نیم مهدی ولی هادی رهنمای وادی  
مصطفی پیشوای<sup>1</sup>

قصائدی که سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر داشته و این نکته حتی پیدایش صفویه  
« نامه خوانی » اسماعیلیان هم می پیدا کرد<sup>2</sup> این قصیده هر دورانی اضافتی یافته .

این قصیده ی که ردیف «می بینم» حاکی به ظهور صفویه ظاهراً همان  
به آیند سید هم که به وی جمله  
رساله ی جهان نمای شاهی که مرید وی «علیشاه» نوشته نظیر این به وی

<sup>3</sup>

دورانیهای اخیر نیز پیشگوئی ها :

پنجمین ششمین بهار می بینم

نایب مهدی آشکار بلکه آشکار می بینم

نشسته کنجی همه برکنار می بینم

عجیب که حتی الدین هم بدین قصیده چیزهائی :

کار می بینم

شهنشاه ناصرالدین شیونی بی می بینم

---

□ شاه ولی دعوی مهدویت ، ص □□ ، حمید فرزام .

□ سخنرانی بر تلس در کنگره ی ناصر خسرو ، مشهد ، شهریور □□□□ .

□ .ارمغان نجاتی ، لوغان ، □□□□ .



» کرمانی» می نویسد :

» آنکه رسید سید مبلغی خطیر که بنای عالی

4 کرده بنائی سامی عمارتی نامی»<sup>2</sup>.

خلیل متولی حاکم کرمان نامه ای به میرزا  
شاهرخ کثرت مریدان بهمنی دکن که برای وی نیز هدایا می  
عظیم شمه ای وی شاهرخ منطقه جوئی سید  
به هرات کرد آنکه سید درویش پیشکشهای لایق به اهداء کرد شاید نیز به همان این  
این ایام بهمنی دکن الدین -  
دیگرش - « الدین حبیب » « حبیب الدین » به دکن تکریم  
بهمنی هند به ی ولی<sup>3</sup> راملک المشایخ کرده  
جمیع مشایخ شهر<sup>4</sup> هم بقعه ی وی دکن کانون فرقه ی الهی که بعضی  
طریقه ی وی همچنان برخی وی نیز به رسیدند. امرای هند  
هرگز حمایت نکشیدند. چنانکه ایران هم ظهور صفویه بعضی  
خلیل ملاحظه ای یافتند برخی صفویه خویشانندی هم پیدا کردند<sup>5</sup>.  
آری ولی به خویشانندی صفوی ایران<sup>6</sup> دکن هند<sup>1</sup> ی  
سیاسی گرفته بدین معنوی روحانی سلسله ی الهی به تقویت می

□ تاریخ کرمان ف ص □□□.

□ رساله ی عبدالرزاق کرمانی ، مجموعه در احوال شاه نعمه ولی ، ص □□□.

□ □□□ □□□ □□□.

□ تاریخ خانقاه در ایران ، ص □□□.

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، ص □□□-□□□.

□ □□□ □□□ □□□ - جامع مفیدی ، ج □□ □□□.



کمک اقتصادی و سیاسی      طریقه ی      الهی      اجتماعی پیدا کرده      پیشرفت می کند  
می یابد.<sup>2</sup>

آنچه به      سلسله ی      الهی      ایران      عهد      عهد زندیه احیاء      کانون هند      دکن به  
عهد صفویه      سید      فعالیت      ملاحظه ای      طریقت صوفیه به      نیاوردند.<sup>3</sup>

به      دیگر : سرزمین هند که      ولایت دکن اهمیت      یافتند      قرن ها  
یک کانون دیرینه      دنیای      این سرزمین صوفی      عهد صفویه طریقه ی  
الهی      کرد      ی      به ایران عهد زندیه .

### طریقت الهی تشیع

صفویه شیعه      ایران پیروز      فرقه های صوفیه که      ایران فعالیت      دیدند غلبه  
شیعیان      ه      اظهار تشیع کردند      مسلک      برای فریب      شیعه      علی ( )  
این      طریقه ی      الهی نخستین طریقه ی      شیعه شناخته      گرنه بنیانگذاران این طریقه  
شیعه      تاریخ به      مشایخ طریقت      الهی به      شیعه      مبارک  
علی ( )      گدای      علی ( ) نامیدند .      تابلوئی این رباعی  
:

ولی      دیدم که نوشته      جلی

این پیر که خفته      این خاک عزیز      شاهی      ولی گدای      علی<sup>4</sup>

پایان کار صفویه      روحانیون      یک عکس      شدید      صوفیه پدید      مراکز  
به      ایران-      هند -      یافت      زندیه      که متصوفین      به      ی

---

□ همان ، ص □□ .

□ تاریخ خانقاه در ایران ، ص □□□ .

□ برای تفصیل بیشتر رجوع شود به طرائق ، چ □□ □□ به بعد .

□ . پاریزی ، جامع المقدمات ، ص □□□ ، پاورقی ، شماره □□ .

«معصومعلی دکنی» به ایران روی نهادند . معصومعلی مرید «علیرضا دکنی» صوفیه الهی دکن  
کسانی که به به ایران :

«فیض علیشاه» اصفهان : «درویش حسینعلی اصفهانی» کابل «درویش عباسعلی  
سیرجانی» کردستان : «وبعلی» آذربایجان «نورعلیشاه خلیفه» کل ایران  
«مشتاقعلی» کرمان<sup>1</sup> .

گویند : میرزا عبدالحسین همراه علی اصفهان به شیراز معصومعلی که  
شیراز دیدار کرد این دیدار به بیعت به معصومعلی دکنی  
فیض علیشاه به علیشاه . بین کسان دیگری که همین ایام به سید معصومعلی  
اظهار کردند میرزا تربتی به مشتاقعلی کرمانی نیز درویش حسین علی اصفهانی  
به کابلی مذکور .

«کریمخان» در همان خویش متشرعه معصومعلی که نزدیک سه  
شیراز به طریقت شیراز کرد (1193) معصومعلی یاران خویش شیراز به  
اصفهان «علیمراد» «حاکم اصفهان» به آنها اظهار علاقه کرد حتی اصفهان تکیه  
ای برای آنها این تکیه ظاهراً که چندی ی فیض علیشاه (1194) به تکیه فیض مشهور

<sup>2</sup> .

همین حاکم به معصومعلی یارانش پیدا کرد آنها مجالی برای طریقت سیدمعصوم که  
به هند گشته نورعلیشاه مشتاقعلی که هر کدام زیبایی گیرائی نقصی آنها  
معصومعلی مأموریت یافتند که شهرها تصنیف شورانگیز  
معرکه کنند. بدینگونه بسیاری به معصومعلی کار به جائی رسید که کالانعام دسته دسته  
کار کسب زندگی می کشیدند به صوفیان می .

---

□ . وادی هفت واد ، ص □ - □□□

□ . دنباله ی جستجو رد تصوف ایران ، ص □□□ .

اصفهان نور علیشاه به به زیارت بقعه ی ولی به ماهان کرمان در کرمان  
 به فتوای مجتهد جمعه ی شهر جلوی مسجدی که بیرون می  
 کشتند ( 1206 ) نور علیشاه که این به به شیراز وی سایر  
 یارانش تأثیری در دناک باقی . ظاهری نور علیشاه از همان توجه مایه  
 ی فقهاء حکام می حتی به هر شهری که می حکام رؤسای عامه به  
 می بیم فتنه وی یا می کردند ، منتشر عه به فتوای فقهاء به تکفیر می  
 . می گویند زیبایی صورتی توجه وقتی بازارها ظاهر می به  
 شیوه ی درویشان قصیده می بسته می قصیده ای هم که می  
 آنها اهل بیت ( ) به حکام تعریضها و کنایه های آمیز  
 بعضی آنها به اسراری که فقهاء به الحادی - نظیر - می  
 می که این همه شک تحریک فقهاء منتشر عه «<sup>1</sup>.

یک دیگر معصومعلی فتحعلیشاه به ایران جمعیت که همه در اویش  
 کلاههای بوقی تبرزین و کشکول سبیلهای کت کلفت شاربهای زیرین رفته چشمهای حدقه  
 بیرون به این جمعیت که باید آنها نامید شهرها وضعی مواجه می  
 می کردند گوید :

معصومعلی درویش همه درویش

«مالکم» می نویسد :

«کثرت ایشان نوعی ازدیاد پذیرفت که علمای مستدعی که هنوز فتنه ایشان  
 رخنه ثلمه بنیان ارکان نیفکنده به استیصال این نیز  
 علیه همت ایشان گماشته آتشی که بنای علی «<sup>2</sup>.

□ همان مدرک ، ص □□□.

□ تاریخ ایران ، مالکم سفیر انگلیس ، در دربار فتحعلی شاه ، ترجمه ی میرزا حیرت ، چاپ

بمبئی .

یافتن تغییر کرد زیرا وی « میرزا آقاسی »

به حمایت صوفیه به ویژه فرقه ی « الهی » کرد نیز علقه های صوفیان پیدا کرد.<sup>1</sup>

نوزدهم میلادی سلسله ی الهی یافت علیشاه منطقه ی کرمان هزاران پیرو این منطقه به یکی مراکز ی این فرقه تبدیل کند . مراکز دیگر الهی نیز شهرهای شیراز اصفهان ، همدان تهران کردند . این فرقه تقسیم به چندین شاخه ی

همراه . کبودر آهنگی به مجدوبعلی (متوفی 1202 هـ) آخرین کسی که رهبری

کل این فرقه کرد . سه مدعی جداگانه ی رهبری پیدا که همه زین

العابدین شیروانی ( 1216/ ) زمینه ی تاریخ این فرقه کلی صوفیگری ایران .

هنگامی که جانشین شیروانی زین العابدین علیشان به 1240 بدنه ی اصلی سلسله الهی

به سه شاخه ذوالریاستین ر علیشاه (1263) صفی علیشاه (1278) علیشاه (1255) تقسیم که این آخری

گنابادی نامیده هر یک این شاخه ها خصوصیات شاخه ذوالریاستین باورها

الهی همان شکل شمایل سنتی می کرد . شاخه ی صفی علیشاه گرایشهای منسبانه

جانشین صفا علیشاه ظهیرالدوله (1303) وزیر 1278 رهبری این شاخه فرقه کنار

گذاشته به جای یک هیأت ی رهبری گرفته که الگوهای فراماسونری تأثیر

پذیرفته این شاخه نیز به « تغییر یافت شاخه ی گنابادی رهبری

علیشاه به ترین شاخه ی الهی تبدیل «<sup>2</sup> .

### صوفین زمینه

البته بسیار لوحانه فکر کنیم بلوای صوفیان فتحعلیشاه ایران انگلیسها

کار

کتاب «سلسله ی صوفیان ایران» که مدتها صوفی زیر «صوفیان زمینه « می

نویسد :

---

□ حمد الگار ، دین و دولت ، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده ، ص □□□ .

□ به روایت تاریخ کمبریج ، ص □□□ - □□□ .

«... فتع‌علیشاه تنی صوفیه کمپانی هند شرقی هند به ایران  
 کوشش تبلیغات دامنه بی سابقه تجدید ایران سعی بلیغ چندی  
 پیش هر یک به زی صوفیه می ه به کاری «<sup>1</sup> (29).

کتابهایی که ی فراماسونری ایران نوشته ، مطالبی به می که بعضی صریح  
 بعضی غیر مستقیم وابستگی آنها به می دهد.<sup>2</sup>

فقها آنها علی مجتهد صوفیه به سرکردگی علیشاه جوکی  
 هندی گونه شدید پیگیر که به صوفیه ایران انجامید  
 روشی که درویشان پیش گرفته ایران چه می کار بدآموزی های  
 به کجا می کشید چه اینکه صوفی گری بی غیرت گردانیده جامعه آبادی طرقی  
 می زمینه جهت فراهم می نور علیشاه غیر  
 صوفیه شطیحات منظومه ای هم البیان 152 بیت به  
 که در طی خطبه ی به امیر المؤمنین علی ( ) به رساله ای هم  
 بین مظفر علیشاه بیشتر این خواسته آنچه تشیع  
 بعضی حکمی که به آنها صبغه ای می به هم آمیخته

فرقه ی اللهیه به تقلید شهرت طریقه ی خویش - ولی -  
 مشایخ خویش تجدید عهد جهت اظهار یا تولی به  
 ولایت علی ( ) آنچه مشایخ گذشته به « یا الدین » می به « علی » اضافه کردند فی  
 به جای « الدین فیض » « نور علی فیضعلی » .

□ . مدرس چهاردهی ، سلسله صوفیان ایران ، مقدمه ، ص □ .

□ . به کتابهای فراماسونری در ایران ف تألیف کتیرائی و فراموشخانه اسماعیل رائین ، مراجعه

□ □ □ .

□ . دنباله ی جستجو د تصوف ایران ، ص □ □ □ .

هر علیشاه تاریخ ایران یک ی هیجان کرد  
 شبلی محیط تشیع تجدید البیان وی یک نمونه بین تشیع ی  
 به باروهای شباهت . خطبةالبیان که علیشاه سیدمحمد نوربخشی هم له اعتقادی به  
 توجه خاصی نورعلیشاه «میرزا حسینی شیرازی» مشایخ ذهبیه هم  
 برای الدین کرد قدیم علمای شیعه تردید  
 و غیر « بررسی» که به  
 علی ( ) تردید کرده به ذکر نهج البلاغه هم نیست این تردید موجه به  
 اینکه «یزیدیه» هم به این خطبه دستاویز کرده اسماعیلیه  
 هم به به « دانسته پیداست که محیط بین  
 به تأویل سابقه شاید اینکه نهج البلاغه هم نیامده این که «سید رضی»  
 نهج البلاغه اسماعیلیه به این خطبه تاحدی برای مایه ی  
 تردید یافته <sup>1</sup>.

توجه به اینکه آنچه این خطبه می  
 همین مشایخ صوفیه به شیعه سید حیدر آملی به البیان  
 یاد کنند مقوله ی کامل . سید « الإعتقادیه  
 « رمزی استهلاک فنای می گوینده به این به  
 آهنی که تفته تشبیه می کند . ر کتاب هفت سید به «کلام پیر» هم  
 خطبه به همین تأویل تفسیر به بیان می <sup>2</sup>.

□ دنباله ی جستجو در تصوف ایران ، با کمی تغییر ، ص □□□ .

□ . کلام پیر ، ص □□ طبع بمبئی ، □□□□ .



جای نیست می بینیم محلاتی (ر هبر فرقه ی اسماعیلیه) به تهران صفی  
علیشاه معیت به یادبود به صفی عکس گرفته<sup>1</sup>.

\*\*\*

## اهل

اهل نامی که «نصیریان» یعنی «علی اللهیان» به می دهند فرقه ای هستند که بعدها  
پیدا آثاری مذاهب یهود مانوی مذهب ایشان به  
علی ( ) مظهر می<sup>2</sup>.

تعالیم فرقه ی «نصریه» (انصایه علویه) که به «نصیر» شیعه ی امایه ی  
شیعه یحیت پیش به عقیده ی ایشان  
احدی مرکب سه ی تجزی به اسامی «معنی» « » « » این تثلیث به انبیاء  
متجلی گشته آخرین پایه گذاری سه گانه ی تجزی علی ( )  
( ) پارسی یافت بدین تثلیث ترکیب «<sup>3</sup> معرفی می .  
یکی تعلیم فرقه ی نصیبیه می . نصیری به دسته می : یکی «عامه» دیگری  
«خاصه» که همان برگزیدگان .

خاصه کتب مقدسی آنها تأویل میکنند برای عامه مکشوف نمی . مذهبی  
شبانہ بلندیها بقاعی که «قبه» نامیده می می کنند . قبه ها علی اولیاء  
می کنند . مسلک نصیری به بقایائی آئین مسیحیت دیده میشود قبیل عیسی ( )

---

□ به آخر کتاب «سپری در تصوف» مراجعه شود.

□ ولایمیر ایوانف ، اهل حق ، طبع تهران .

□ اشاره است به اول حروف اسامی حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد (ص) و حضرت

امیر المؤمنین (ع) و حضرت سلمان.



همچون مظهر      حواریون مسیح      ای اولیاء      شهیدان مسیحی      اعیاد      تعمید و غیره

1.

گفته :

«نصیریان» به جهان هستند اینکه خدای آنها که زمین ها

آفریده علی ابی ( ) ... آنها آسمانها زمین ...ومی گویند که ( ) - پیامبر -

ی که علی ( ) مفهوم . این فرقه ی ضاله      سوریه      کرده

و مشهور «...»<sup>2</sup>.

» بطوطه «سیاح که این منطقه کرده مشاهدات ویژه ای ی نصیریها . میگوید:

«اکثر ساکنین این فرقه ی نصیری هستند که علی ابی ( ) آنها نه

می کنند نه طهارت می گیرند نه اینکه میدارند . ملک ظاهر (658-676) آنها

دهات مسجدی کند . آنها نه اینکه تعمیریش بعضی گله مولشی آنها این

می گیرند . بعضی مسافری که به هر می آید این می کند دینی می

آنها به می گویند: برخیز نکن! علوفه      برایت بفرستیم این بسیار زیاد «<sup>3</sup>.

یکی دیگر به عقیده ی « . مینورسکی» که در ایران سرزمینهای همسایه ی و میان

آذربایجانیان ترکان کردان و فارسی یافت به نهم هجری . اهل این

فرقه خویشان «اهل « می نامیدند ولی ایرانیان شیعه «علی الهی» می . فرقه به چندین

فرقه فرعی تقسیم می که هر به نامی مسمی ترکیه به «      آذربایجان به

---

□ . پطرو شففسکی ، اسلام در ایران ، ص □-□□□.

□ . ابن تیمیه ، مجموع الرسائل ، ص □-□□.

□ . ابن بطوطه ، رحله ، ص □□-□□

« قویونلو » « ناحیه ی رضائیه به » « بئی » قزوین به « ککاوند » به «خوجه » غیره<sup>۱</sup>.

ای روسی نیز تشریفات مذهبی فرقه ی مطالعه<sup>۲</sup> فرقه ی علی الهی تاکنون نیز ایران چه اعضای عقیده ی خویش پنهان می شیعیان امامیه می فرقه ی علی الهی یا «اهل » بیشتر روستائیان صحرانشینان (ایلات) شهرها پیشه هستند. این فرقه ارتدادی که محیط ریشه گرفته طی قرنهای نهم دهم هجری فعالانه شیعه علیه دولتهای سنی - قویونلو امپراطوری عثمانی - یاری می کرده دهم یازدهم ترکان آسیای صغیر که شیعه علیه امپراطوری عثمانی عصیان می کرد. این به فرقه ی کاری تبدیل یافته مرکز ی ایشان کرمانشاه ولی ی اعضای فرقه تهران دیگر شهرها روستائی نشین ایران آذربایجان کردستان نیز کم نیست.

برخی اروپای غربی فرقه ی علی الهی نصیرییه یکی دانسته ولی تحقیقاتی ک پژوهندگان روسی به باید این . آنچه «اهل » « نصیرییه » می همان علی ( ) که ویژگی مشترک همه ی شیعه ولی این فرقه «اهل نصیرییه» جهان بینی تشریفات مذهبی به هیچ وجه یکسان نیستند.

نویسنده ی روسی طروشفسکی «می افزاید :

«ظاهراً اهل برخی تعالیم اسماعیلیه کرده : آدمی نتیجه (یافیشا) باری تعالی . کائنات انباشته . علی ( ) که داشته پیوستگی گی . علی ( ) به لاینقطع نه تنها ابراهیم موسی عیسی ( ) یافته ( بیشتر فرقی که چنین فکر می کردند) بلکه همه ی انبیاء<sup>۴</sup>

□ اسلام رد ایران، ص ۳۳۳.

□ . آ . زوسکی ، «فرقه ی اهل حق در ایران» - «و.ف. مینورسکی ، مدارکی برای

مطالعه فرقه ی ایرانی «اهل حق» □ «علی الهی».

اولیاء کرده . اسماعیل صفوی «علی = می» . شخصی به  
 که مروی فاصله ی یازدهم دوازدهم هجری می زیسته - آخرین «علی  
 = «علی =» دیگر دوازدهم مهدی ( تعالی فرجه شریف) که  
 خواهد خواهد «<sup>1</sup> .

« . . . لوسکی» تعالیم ین فرقه چنین می کند

« اصلی تعالیم اهل فرقه لاینقطع الوهیت علی علی زمین ... علی نه تنها  
 ، بلکه به کلی الهی که همه هست همه چیز به خویشتن انباشته می کند .  
 میان ه ی افکار انتزاعی فلسفی به شکل الوهیت علی می «<sup>2</sup> .

«کولپینارلی» عالیقدر ترک این که آیا علویان هم اهل طریقت گوید:

«علوی به معنی به علی ( ) . این علوی می آناتولی  
 ایلی ایران زندگی می کنند آناتولی سوی « کسان» ایران به همان معنی « کشان»  
 می . اینان آناتولی «درماکو» یویونلوها» ومیه «  
 «غلاتیان» تبریز «گورانها» مشهد به «اللهیان» نامیده . این به  
 آنکه شاید اشکالی ه کردن ترازوی نامیزان ممکن حقی ندانسته ضایع کند  
 اشیائی می که عددی خرید می این «تزازونگریان» هم می  
 . به بکتاشیان به اینان «صوفیان» « صوفی» گویند علی الهی جهت آنکه اینان به  
 علی ( ) الوهیت .

اسمهای دیگر اکثر نسبهای این نامها تعابیر گوناگونی معنی کرده به  
 این بین حسین ( ) « می گویند نامیده رئیس

□ اسلام رد ایران ، ص □□□ .

□ . ر. آ گارد لوسکی» □ «قره قویونلو» □□□ به نقل از اسلام در ایران .

مدعی که رؤیت کرده «گورانها = بینندگان» گرفته به اسمهای دیگر نیز چنین تعبیر مجعولی . ی کشتن علویان افترای . این همان نسلی که به اسماعیل تأسیس حکومت یاری کرد شیخ حیدر اسماعیل سرخی ترک تاجی شکل می اینان نیز پیرو شیخ حیدر اسماعیل صوفویان وی فارسی « در ترکی » « نیز .

علویان افراتیان فرقه ی شیعه الوهیت دهندگان به علی ( یعنی آنهاوند علویان باطنی پذیرفته ایران «اله «گویند...»<sup>۱</sup>.

### سابقه ی تاریخ فرقه ی اهل

ی تاریخ پیدایش این مستندی در کتب تاریخ نیست برخی نویسندگان هوادار این فرقه ی تاریخ پیدایش این فرقه نوشته :

» یارسان که هجری سینه بهلول نامی یارانش هفتم هجری یداً به ید به یکدیگر ی هفتم و هشتم به ارکان اهل به حقیق یارسان به یاران گردید ری همین جهت مسلک اهل می «<sup>۲</sup>. نوشته های پراکنده به این فرقه که بیشتر نویس به «کردی محلی» عامه ی می :

«این مسلک چهارم شخصی به «مبارک» به «خوشین» به طریقت سرزمین فعلی یافته که ذاتی به شخصی به خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

□ تصوف رد یکصد پرسش ، ص □□□-□□□.

□ . «□□□ ی سرانجام» یا دوره ی ، هفتوانه ، گرد آوردند ه : صدیق صفی زاده بور که ای ص

□□ □□ - بنقل مجله ی کلام ، شماره □□□□ □□□□.

□ . قاسم افصلی ، مکاتبات با سازمان دائرة المعارف تشیع .

ی سابقه ی تاریخی فرقه ی اهل « تشیع » :

» مسلک اهل ه طورسی که فته : که به « سهاک » (بعضی هم صحاک گفته ) کرم که طائفه ی اکراد هفتم هجری ظه به «شیخ یسی» دایر « به «رمزیار» می به موسی کاظم ( ) می قریه ی «برزنجه» ناحیه ی « یا «شهر» « حلبچه» شهرستان سلیمانیه کرکوک کشور فعلی .

برزنجه هجرت کرده به ایران منطقه ی « کردستان قریه ی «شیخان» که (کرمانشاهان) هم همان مکان روایات

ارکان مسلک اهل محلی به « معین

به همین جهت کردی «اورامانی» «بیابس پردبوری» می برای داخلی تشکیلات اهل پیر بنیامین به پیری به دلیل برای کل اهل این به اختیار تأهل جانشین هفت به « حقیقت» تأسیس ی هر به یکی پیران اهل این هفت به خاندانهای هفتگانه هنوز هم به پیران نامیده می به این :

- 1- ابراهیم 2- لی 3- یادگار؛ 4- سید 5- میر
- 6- سید 7- حاجی بابو عیسی .

چهار دیگر هم تأسیس شدند که هفت قبلی 11 فعلی اهل تشکیل می دهند ... هر اهل باید ی یکی 11 هم ی همین می «<sup>1</sup>.

بعضی گویند این فرقه ایلخانیان (654- 750) توجه به علی ( ) پیدا کرده واین مسلک به صورتی که علی ( ) بزرگترین میان اهل

□ دائرة المعارفت تشیع ، ج □ □ □ □ .

که هر فردی به زیارت آید یا گاوی کند سه مکان  
کند حاجی می<sup>۱</sup> بعضیها پایه مسلک اهل شیخ صفی الدین اردبیلی می<sup>۲</sup>.

روسی «پطروشفسکی» می نویسد:

«اهل این فرقه کتب ک پنهان می کنند میان کتاب اصلی» که ظاهر ارض  
ناحیه ی کرمانشاه نوشته میان اهل فرقه گونه ای منظومه های مدحیه به «-علی» برخی  
های وی شایع . اعضای این فرقه تاریخ خویش خیلی قدیم آنچه می  
میگویند که نامی باباطاهر عریان ( فاصله چهارم هجری) به فرقه ی ایشان  
»<sup>۳</sup>.

اهل فرقه ی خاصی صوفیه که هفتم ایران به چه می گویند ریش  
آنها زمانهای بسیار قدیم داشته ی این مسلک گذشته اسنادی  
پیروانش می تعلیمات مسلکی آنها هر نسلی به شفاهی سینه به سینه به  
منتقلی . تعلیمات گفتارهای اهل همیشه به سبک بیان می این  
میان آنها به «کلم» یا « کسانی که این می کردند به معنای آنها  
علمای این مسلک یا به تعبیر خود اهل حقها «کلام» نامیده می کلا خوانهای قدیم کلامها  
می سعی می کردند که کلمه ای کم یا زیاد ولی گذشته ( 13  
هجری) کلامها آلهائی که به کردند به این ترتیب نسخه های  
مکتوب کلامها به تدریج به که مسلک اهل تأسیس به دامنه ی  
تشکیلاتی عقیده بین پیروان اهل داشته رفته رفته که تشکیلات آنها  
یافت ... به زیاد پیروان مسلک اهل هیچگاه ومنسجمی  
هنوز نیستند چنانکه روستائی به روستای

---

□. مدرسی چهاردهی ، سیر ی در تصوف ، ص □□-□□.

□. همان مدرک .

□. اسلام در ایران ، ص □□□.

هر روستائی یک یا پیشوائی دارند که آنها «سید» می این سیدها به معنای می کلمه یعنی ختم ( ) نیستند بلکه به پیشوائی که مریدان «سید» نامیده می بعضی این سیدها البته به کلامهای مکتوبی هم هست که یکدیگر فاحشی ولی این مقداری به مسلک اهل و می به کتابهای اهل حقها دقیق به این مسلک در اختیار اهل تحقیق . قدیمی ترین نسخه ی خطی کلام که به 200 بقیه ی کلامها تاریخ متأخرتری<sup>1</sup>.

### فعلى اهل

ی جغرافیائی جمعیت فرقه ی اهل تشکیل تاکنون توسعه ی زیادی داشته پیروان کشور های زیر سکونت :

کشور ایران : تقریباً استانها به کرمانشاه کردستان آذربایجان گیلان تهران های اهل همه ی «ایل» اکثریت «ایل سنجابی» زیادی «ایلهای کلهر زنگنه های کندواله» ایلهای « » « » «اهل» . در کشور ترکیه استانهای خاوری به در میان کرد های اهل . کشور لبنانی نیز شیعیان همین «بکتاشی» که شعبه این اهل می

<sup>2</sup>.

کشور های پاکستان هندوستان نیز هائی پیروان این مسلک زندگی می کنند اخیراً نیز شماری اروپائیها آمریکائیهابه کتب این مسلک به زبانهای خارجی به اهل پیوسته پیروان اهل به نمی اظهار کرد.

□ دائرة المعارف تشیع ، ج □□ □□□□ - □□□□.

□ فصلنامه ی تخصصی کلام ف شاهر □□□ □□□.

- امروزی اهل : بین اهل حقها زیادتیر که یک اهل یکی گمراهی و محققین غربی این مسلک هم همین نکته وقتی یکی به ایران می کند اولین اهل که کرد حرفهای آنها به عقیده ی همه ی اهل حقها تلیقی کرده می کند ه این ترتیب اشتباهات می به « گوینو مینورسکی ایوانف » یاد می کنیم که کتابهای اهل ه به گروهی غالی مشرک یاد کرده <sup>1</sup> (که ه اکثریت اهل حقها این معنی می کند).
- برخی توجه به مدارک ، اهل حقهای امروزی به سه تقسیم کرده :
- 1- شیطان که بیشتر « کردند » « ذهاب » نواحی ردبین ایل » « هستند ، اینان شیطان تقدیس می کنند خوک می می باطهارت و غیره .
  - 2- علی اللهی که بسیاری طائفه های اهل میشود اینان می کنند که علی ( ) دین . می شرعی اکثر علی اللهی ها به « دین یاری » می طائفه یایارستان نیز معرفی می نمایند گروهی هم آنها به « طائفه بگی » نمی سه اختصاصی اهل ها هم به جای نمی .
  - 3- اهل حقهای که دارای مذهب امامی اثنی عشری هستند <sup>2</sup> . نوزدهم به کلی اقلیت گرده ولی پیدایش » جیجون آبادی » ( 1298 ) بیرون یکی پیشوایان اهل وی کتاب » « یا ( شاهنامه ی حقیقت ) کنون چندین به رسیده دیگری هم قبیل » « که هنوز . اهتمام وی به مبانی عقیدتی اهل اهل حقهای اقلیت شوند بعدها

□ دائرة المعارف تشیع ، ج □ □ □ □ .

□ دائرة المعارف تشیع ، ج □ □ □ □ .



» نور علی الهی « (1274-1353) که احاطه ی کامل به دینی اهل به سالها تحقیق  
دسترسی به کلامهای اهل این به طریق محققانه معرفی نماید<sup>1</sup>.

کتابهایی که این تاکنون که اهم آنها بدین :

1- «شاهنامه ی حقیقت» تألیف «جیجون آبادی» به حاشیه ی « نور علی الهی »  
(تهران 1363).

2- «برهان» نوشته ی « نور علی الهی». این کتاب مکرر تهران

3- « مجموعه گفتارهای « علی الهی».

4- «، نوشته ی «نور علی الهی».

5- «مکتب سیروکمال» تعلیق « علی الهی» به فرانسه پاریس 1986 (این کتاب به  
زبانهای انگلیسی ایتالیائی هم).

6- « دنباله ی تعلیمات « علی الهی» به فرانسه (پاریس 1985).

علی الهی ها شیطان هم کتابها جزواتی یافته بدین :

1- « یارستان»

2- «گنجینه ی صحاک»

3- «اهل» «گراوری سید افضلی ابراهیم.

4- «مجموعه ی آئین یاری» نوشته ی «مجید القاضی»

5- « رهبروان علی» (».

---

<sup>□</sup> . دائرة المعارف تشیع ، ج □ □ □ □ .

6- «اهل» «نوشته ی» بشیری».

7- «گنجینه ی یاری» نوشته ی «کاظم نیک».

8- « ی دیوانه » کلامهای اهل چندین تصحیح ترجمه‌ی فرانسوی « مکری» (فرانسه پاریس 1354).

9- «مجموعه» «تصحیح» ایوانف»<sup>1</sup>.

ظاهراً » جیحون آبادی « » علی نورالهی « مسلک اهل تصفیه پاکسازی کردند به اهل گفتاری شیعه ی امامیه اهل شیعه معرفی کردند مدعی شریعت شیعه ی امامیه الهی این کار بیشتر این مسلک به مکتب « الهی » گردید . البته نورالهی مسلک اهل خوشایند سایر اهل حقها مغایر اهل حتی کتاب دانسته .

یکی هواداران اہل می گوید:

|                      |                               |         |                   |                |
|----------------------|-------------------------------|---------|-------------------|----------------|
| «... می شنیدم که     | الهی سخنانی                   | اهل     | کتابی به          | «برهان         |
| مقدمه ی دکتر «تفضلی» | ساخته که این مقدمه            | شهرت    | الهی گردید . آقای | «دی»           |
| این                  |                               |         |                   |                |
| طائفه رساله ی        | نادرستی                       | نورالهی | نمی               | که مردی        |
| سنین کهولت           | چیند                          |         |                   |                |
| دانه ریزد            | مدعی قطبیت                    | به اهل  | گفتاری            | که مغایر شریفت |
| اهل                  |                               |         |                   |                |
| طائفه                | مریدان تعظیمات خدایانه بپذیرد | مدیدی»  | «                 | که کتاب        |
| جهت                  |                               |         |                   |                |
| دعاوی                | مغایر                         | مسلك    | ای به اهل         | کرد جای        |
| که فردی              |                               |         |                   |                |

شيعه ج .

ایام پیری دین نهد به بیراهه کشاند اندوزی کند پایه ی به فلک  
چه می بایست به آئیم...!.

همین نویسنده که اهل می ، می افزاید :

«نورالهی 11 شنبه 27 مهر ماه 1353 هـ هشتگرد کوی گرفته  
بارگاهی خاک «دکتر بهرام الهی» ایشان مدعی جانشین گویند  
( استادی ) گرفته وی رشته ی تحصیلات سیره  
ی دیگر نورالهی به جانشینی کردند».

همین نویسنده روی دلسوزی دیده ی به این دعاوی امید  
نورالهی حدیث گویند به آیند رها . مراجعه مذاقه به  
آقای «نورالهی» چنین دریافتیم که نوظهور ابداعی ایشان هیچ گونه سنخیت ابه  
اهل ه بلکه مغایر این طائفه می . می تأثیر فرقه ی «ملک  
طاووسی» (شیطان پرستها) گرفته .  
وی می گوید :

«هنوز نمی درک کنم ه که به رأی العین آقای نورالهی مشافهة کردم این هم دگرگونی ایام  
پیری پدید می چه اعمالی می پیری ریاست  
تعظیمات خدایانه برای خویش تمهیدات بسیار ومظلمه به  
کشید»<sup>2</sup>.

اینکه نورالهی مسلک اهل زیاد  
می ولیکن هنوز مکتب نورالهی  
اهل تشیع می اینک جملاتی  
و تغییرات به  
تعالیم تشیع نیست گفتارهای  
ومدعی که اهل پیرو شریعت  
الهی :

---

□ نورالدین مدرسی چهاردهی ، سیری در تصوف ، ص □□□ .

□ همان کتاب ، ص □□□ .

« می نویسد : « اینک این مرسومی گرفته ، برای این که دینی بین دین باقی برای همان هر زبانی نیاز کردن کافی

جای دیگر می گوید :

» نقطه  
علی ( ) «<sup>2</sup>.

» « که زیارت اهل می .

می نویسد :

» حسین ( ) «بابایادگار» فرقی «<sup>3</sup>.

جای دیگر می گوید:

« ٤ . علی ( ) تکمیل علی

می گوید :

«زندگانی و علی یکی درخانه‌ی ( ) به دنیا»<sup>5</sup>.

کتاب «برهان» می نویسد:

» ریاضت بیغمبر می دهد<sup>1</sup> نور الهی .

□ آتثار الحق ، اثر نور على الهى ، گرد آورنده ، دكتور بهرام الهى ، ج □ □ □ □ - □ □ □ □ □ □ □ □

☐ همان کتاب ، ص

□. همان کتاب ، ص □□□.

همان کتاب ، □ □ □ □ .

همان کتاب ، ص □□□.

وجه تسمیه ی علی الهی چنین تفسیر کرده ( ) (علی یعنی ) (هو العلی الکبیر)  
«الهی» یعنی (اله هو حی القيوم)<sup>2</sup>.

### اعتقادی اهل

مبانی اساسی اهل مخلوطی «تناسخی»  
التقاطی مسائلی برگرفته ادیان قدیم ایران هند برخی مبانی مسیحیت یهودیت که  
اسلامی ه حالی که هیچ مطابقتی تشیع .

کتاب « میراث صوفیه» می نویسد :

«این که کردستان آذربایجان حتی در همدان طهران کم  
وبیش روی مسامحه علی الهی نیز می نه حیث بلکه از جهت  
مناسک نیز صوفیه . مبادی آنها به خوبی برمی آید که بین طائفه یک فرقه ی  
عرفانی که غیر حکمت شراقی عناصری یهود مانویه بعضی  
افکار تعالیم شیعه وزیه نصیری بهم امیخته رفته رفته صبغه ی  
آئین آنها قویتر .

به عقیده ی اهل هفت تجلی که هر تجلی جامه ی می چهار  
ملائکه که یاران چهار ملک می « » می در هر تجلی - هر دفعه به  
دیگر - همراهند.

به اهل یک بسته « که آفریننده ی  
تجلی کرد و تجلی مرتضی علی . نیز در طی دیگر تجلی کرد.  
به ترتیب خوشین، ویس قلی « چهار تجلی نخستین  
چهارگانه ی یعنی «مرحله ی شریعت حقیقت» آنکه مظهر

---

□ همان کتاب ص □□□.

□ همان کتاب، ص □□□.

حقیقت « که کرم نیز می‌گویند اهل به نیز  
را برای حیات جدید در حکم شوئی میدانند که مرغابی  
می‌کند هیچ‌زیانی می‌«.

دکتر «زرین کوب» پایان می‌افزاید:

« هر مناسک اهل حدی زیادی به صوفیه شباهت چنانکه آنها  
« خانه» تقدیم « نیاز» یا «خیر» به ذکر خفی جلی، توجه به « که احیاناً به نوعی  
خلسه جذب منتهی می‌« به «پیر» مناسک طریقه ی اهل به  
نوعی تبدیل کرده «<sup>1</sup>.

«دکتر مکرری» که هواداران اشنایان به این مسلک مقدمه ای که کتاب « یا  
«شاهنامه ی حقیقت» نوشته، یادآور که:

«مذهب یا مسلک اهل یکی دسته های وابسته به مذهب تشیع مجموعه ای آرای  
مذهبی که معنوی ایران پیش افکار غالی که به ایران  
پراکنده در هم آمیخته «<sup>2</sup>.

مبانی اهل . یکی نویسندگان اهل ی می  
نویسد:

« نظریه پیشوایان یارسان روی به متوفی بین رفته به خاک  
تبدیل می ولی به دیگری ( همین دنیا) می‌نماید»<sup>3</sup>.

---

□ ارزش میراث صوفیه ، ص □-□□.

□ شاهنامه ی حقیقت (حق الحقائق) نوشته ی نعمة الله جیحون آبادی ، با مقدمه محمد مکرری.

□ آئین یاری ، مجید القاضی ، ص □□ ، طهوری تهران ، □□□□.

اهل ویا تجلی » می گویند یا کلمه ی ترکی به نی ه  
میگیرند به عقیده ی آنها ای خدائی آنها هر هزار یا جامه  
می کند هزار و یکمین جامه جامه ی ابدی می نیکوکاران جامه ی  
خواهد عکس بدکرداری جامه ی خواهد<sup>1</sup>.

البته به اکثر گروه های اهل گروه های اهل (علی اللهیها شیطان  
( تناسخی حلولی معرفی می نمایند ولی اهل حقهای همان کتاب «برهان  
رسیدن به کمال به زندگی های متوالی هستند  
می<sup>2</sup>.

برای آشنائی توضیحات ی آنها باید به کتب آنها کرد.

اهل ی توحید و بلکه تلفیق بین آنها بعضی  
باتمسک به نوشته ی آنها، این فرقه مشرک کافر غالبان بسیار شد<sup>3</sup>. البته حقیقت  
بسیاری نیست زیرا گفته های بعضی همین می کند بعضی دیگر گفته های اهل  
اصلاحاتی به . به هر مسأله ی توحید برای پیروان اهل نگریده در تحریر  
سرگردانی هستند. یکی نویسندگان اهل تفسیر دفترها درک فهم خویش چنین گفته :

«همان یا طبیعت که دارای شعوری زیرا که کل  
به تکامل<sup>4</sup>».

به عقیده ی اهل مسلک آنها آئین باطنی آخرین (مرحله) به آنها می گویند برای  
رسیدن به ( ) باید مراحل طی کند این :

---

□ شاهنامه ی جیحون آبادی ، ص □□.

□ دائرة المعارف تشیع ف، ج □□ □□□.

□ سر سپردگان ، محمد علی خواجه الدین ، به نقل مجله کلام اسلامی ، شماره □□□ □□□.

□ اندرز یاری ، القاضی مجید فص □□.

نخستین مرحله شریعت (آئین پیامبران) یعنی مناسک ظاهری دین مرحله ی طریقت یا عرفانی بعضی هم مرحله ی سومی به « یعنی کامل به دین و تکامل بشری ذکر کرده . این پیرو به مرحله ی «حقیقت» (حقائی) یعنی به که مرحله ی چهارم می .

دیدگاه آنها به شریعت پیامبران این پایه ی به که یک پیشوایان آنها (به هفت - هفتون هفت ) گذشته پیامبران و صحابه ( ) یاران حسین و حتی سلاطین به دنیا به هدایت جهان پرداخته به عقیده ی آنها پیامبرانی «شیث یعقوب یوب، شعیب یونس مسیح « : «بنیامین» (پیر اهل ) که جامه های میان ظاهر گشته هدایت یکی نویسندگان آنها می نویسد :

» یارستان برای پیامبران النبیین  
و آخرین پیامبر الهی می «<sup>1</sup> :

اهل های شیعه نیز تعبیری شبیه به مبنای به بیشتر پیران داشته همه چیز آنها خلاصه می کنند هم نامی اسامی بعضی ائمه ی معصومین ( ) ی یکی پیران ذکر می کنند این نوشته :  
» نیز کلیه (انثی ) پیران حقیقت می به «<sup>2</sup> :

جای دیگر ی می نویسد :

» یارستان کامل به شته مهدی ( ) ناجی زشتی ها تاریکیها ظلمانی می «<sup>1</sup> :

---

□ رمز یاری ، ص □□□ - بنقل مجله ی کلام اسلامی ، شماره □□□ □□□ .

□ مکاتبات با دائرة المعارف تشیع ، سید قاسم افضلی شاه ابراهیمی ، ص □□□ .



توضیح یاد می :

» شریعت ی پیامبران خداوندی اهل طریقت (مقدمه ی حقیقت حقیقت = اهل (متجلی گردید»<sup>2</sup>.

اهل های چه به ائمه ی گانه شیعه می دهندولی به شیعه حسین ( ) به تعبیر می کنند ه ین معنی هر یک مظهر یا جامه ی یکی پیشوایان اهل می کتاب جیحون آبادی « به » همه ی ائمه ی شیعه به جامه ی یکی پیران به ذکر برخی اهل حقها سری که به پیامبران گفته که به ( ) که پیامبران رسیده به « ( ) که ( ) به علی ( ) گفته علی ( ) مهدی ( ) که دوازدهمین شیعه ی اثنی عشری گردیده غیبت دوازدهم این سربه مقدسین که رئیس سلسله ی های 12 گانه یا 11 گانه « یگوییهای آنها به خواهد پیوست حتی های به پیشوایان سلسله های پیران حقیقت رموزی که هر کس نمی به یابد»<sup>3</sup>.

وجه تشابه این مسلک تشیع به علی امیرالمؤمنان ( ) که هر 11 تیره ی اهل ولی این که در بسیاری دفترها کتب علی ( ) حقیقی کرده میکنند.

درجای جای وکتب به این فرقه فراوانی که علی ( ) درجه ی به الوهیت .

صریح ترین این کتاب « یا «شاهنامه ی حقیقت» جیحون آبادی دریکجا می گوید :

---

□. آئین یاری .

□. رمز یاری ، ص □□□.

□. رمز یاری ، به نقل کلام اسلامی ، شماره □□□ □□□ - مقاله ی اسماعیل قبادی.



ناگفته اهل هر هم کلمات توجیه نمایند حتی نزدیکترین آنها به تشیع ی  
علی ( ) می پیمایند شک هلاک هستند، چنانکه :

«یهلک فی»<sup>۱</sup>.

کس هلاک خواهد : کننده بهتان ( دیگر ) .

اهل « » حیات رانیز پایه ی همان تناسخی حولی تفسیر می نمایند. گوئی به  
عقیده ی آنها « » همین دنیا خواهد این یکی نویسندگان این فرقه می نویسد :

« نظریه ی پیشوایان یارستان روی به به بین رفته به خاک  
تبدیل می ولی به دیگری (در همین دنیا) می نماید»<sup>۲</sup>.

ادامه می افزاید :

« یآوری بهشت همین جهان می زیرا به تعویض هستند  
همین دنیا پذیرد».

## اهل

های صحاک به زیر : خانه  
نیاز های ،اماکن متبرکه عبادتگاههای مفید به پیران  
آرامگاههای مفید به پیران آرامگاههای صحاک  
سید شیخان پیر بنیامین پیرویونس سید بیگ ثانی سید  
اسماعیل در کردند بابایادگار، سید درویش زنگی به زیارتگاههای چشمه  
هانی « ابراهیم» چشمه آسید سرانه کردند

---

□ نهج البلاغه ، کلمات قصار ، شماره □□□□ □□□□.

□ . آئین یاری ، ص □□.

## اهل

هر هفته یک یا خانه ها پیر می تشکیلات شبهای جمعه  
می نمایند که این تشریفات خاصی می به ی کافی نیاز  
به خیر نیت پاکی تجلی به پاکان می چنین هائی که  
خاصی می مشکلات می این ها نذری نیاز ذکر  
به وسیله ی کلام ها که یکی سرودهای مذهبی اهل به می می  
این افرادی به گاهی به خواری می یا می  
اهل ها شرکت هفته ای یکبار خانه ها به ی دائمی کافی می<sup>۲</sup>

۱- ی اختصاصی اهل : هر اهل که مکلف شرعی ذکور که هر  
ساله به معین سه متوالی تاریخ این سه بین خاندانهای اهل  
همینقدر می که این هم  
ولی اکثریت «مرنوی» می « یعنی به زمانی که به  
سه یارانش تعقیب گرفته کوه » کوه ایران فعلی غاری که  
پدیدار سه شبانه به به هر ساله به همان اهل  
سه اهل برای این اهمیت عرفانی روحی خاصی ارکان مسلک  
می بعضیها این به نیت قولطاسی به جای می<sup>۳</sup>

## ۲- اهل

سید افضل یکی اهل نامه ی به تشیع ی اهل می نویسد:

□ دائرة المعارف تشیع ، اواخر جلد سوم ، ص □□□

□ . هتمان مدرک ، ص □□□ .

□ . دائرة المعارف تشیع ، ج □□ □□□□ .

سید افضل‌یکی اهل نامه‌ی به تشیع ی اهل می‌نویسد:

« اهل نمی به‌جای مقرراتی پردیور قبیل و ذکر نیاز به می‌نمایند می‌فرماید: ( ذاتی پی‌یاران تجلی نیاز آنه‌پی‌یاران یاری ( نیاز کلاً به نزدیک به خدانشناسی اجرای دین دعاها هم ه به خانه‌ها اماکن متبرکه به طریق به می‌دهند ین به فیض <sup>۱</sup>».

### 3- اهل

گویند: بزرگترین میان اهل « » هر فردی به زیارت آید یا گاوی کند سه مکان گزیند حاجی‌می <sup>۲</sup>.

ولی‌سید افضل‌یک مصلحتی ی اهل می‌نویسد:

« همان به‌کعبه خانه‌ی اهل به کامل یارستان اهل هم‌کعبه‌ی معظمه این بیاناتی اشعاری قید می‌فرماید: آنانکه به کعبه خواهند آنانکه معیشت زندگی هستند این قبیل می به زیارت پردیور بیایند و برای می <sup>۳</sup>».

\*\*\*

هر مناسک «اهل» هیچ شباهتی به شیعه‌ی امامیه اثنی‌عشری و نمی پیروان این مسلک راحتی گروهی که ادعای تشیع شیعه به .

□ دائرة المعارف تشیع ، ج □ □ □ □.

□ سیری در تصوف □ □ □ □.

□ دائرة المعارف تشیع ، ج □ □ □ □.

چنانکه «عبدالباقی کولپینارلی» ی اهل می گویند: اهل یکصد  
هشت نقطه ی «یکصد می علی ( ) هم یکصد به  
همین «اه» یعنی «اهل علی» مبتنی . نشانه های زیادی  
شمینیزم ترک اویغوری ته هائی طریق . شیعه ی امامیه اینان به  
نمی پذیرند. اهل نیز ی هم عقیده <sup>1</sup>.

این نویسندگان تشیع که این که به  
مدخلهای شیعی ساخته به این هم اکتفاء کرده مقاله ی سید افضل ابراهیمی  
به تکمله ی به مقاله «اهل» هشت صفحه ی عیناً کرده  
بدین ترتیب کتاب کاسته نیست مناسک این فرقه چگونه  
عمومی شیعه ی اثنی عشری که آنها در این به رعایت آنها هستند ! آیا این  
یک فرقه ی ضاله خیانت به تشیع نمی !!

البته جای انکار نیست اهل زیادی به صوفیه به به خاکساریه  
شباهت - از یک رساله خاکساریه به علی نیشابوری - اهل خاکساریه  
پیداس <sup>2</sup>.

خاکساریه طریقه ی « می به به نوشیدن چهل  
مشروطه می .

اصراری که خاکساریه در کتمان ادبیات - خویش که یزی یک ته  
جوابهای مرموز به یک سؤالهای مبهم فرضی نیست - می دهد که سابقه ی ین میبایست  
سالهای ظهور این فرقه وتاحدی میبایست سالهای ظهور این فرقه حدی

<sup>1</sup> . تصوف در یکصد پاسخ ، ترجمه ی توفیق ، هـ سبحانی ، ص ۳۳۳.

<sup>2</sup> . جستجو در تصوف ایران ، ص ۳۳۳.

اهل که نیز خاکساریه آنها - مخفی همچون رازی که باید «غیر» نگهداری  
اغیار<sup>1</sup>.

خاکسار چهار فرقه سلوک مرحله می : پیاله کسوت به سید  
(علی الهی) خاکسار ذکر جلی ۴ بیت زیر بیشتر  
تکرار می نماید :

مذهب علی علی  
علی علی

شیر یزدان فتی علی لاسیف  
پرسه زیر :

یا جامی دیده کور که چشمه ی  
یا احمد جامی ای پیل ای شیخ ای جامی<sup>2</sup>.

که هر کدام از آنها در زندگی مهمی عهده :

یکی ای که فکر می کند نیک رامی رانشخیص می دهد  
» « این نیرو نوری که مسیر زندگی می آدمی راههای  
پیچ ظلمانی زندگی می دهد.

ی دیگری « یا ی عاطفه» نیرو کشش جاذبه ای که  
به چیز دیگر این نیرو به زندگی گرمی حرکت می  
نیل به کمال به تکاپو کوشش می .

---

□ همان مدرک ، ص □□□.

□ سیری در توصوف ، ص □□.

» کنت« (1798-1857) حکیم فرانسوی ریاضی رهبر مکتب تحقیق می گوید:

» قوی یکی «عاطفه» دیگری»<sup>1</sup>.

آری این طبیعت که هم «اندیشه» ساخته و هم ای که می اندیشد می هیچیک این نیرو بهتتهائی برای کافی نیست.

بنابر این بین این نیرو نه تنها نیست، بلکه تقویت یکدیگر مهمی، چنانکه گفته :

»فعالیت های عاطفی برای وهوش عاطفی هر لحظه تفکر آدمی می هم به بینائی آگاهی می «.

به دکتر «الکسیس کارل»:

»مفید ترین ترین کسانی هستند که فعالیت های فکری عاطفی ایشان یکدیگر هماهنگ آنچه برتری معنوی این دسته دیگران می کیفیت فعالیتها آنهاست»<sup>2</sup>.

تعلیم تربیت باید هر جنبه گرفته برجسته جامعی تربیت چنانکه کارل گفته: «هدف اساسی تعلیم تربیت باید متعادلی چه روی اینان می استواری پایه نهاده».

اینکه حقیقت « چیست آیا ای که پدید می آید یا حقیقتی که

حقیقت پرتوی می میان فلاسفه علمای طبیعی بسیار .

اینجا حقیقت « کاری ندایم حقیقت هر چه جوهر یا پدیده های

یا لازمه ی حافظه این این هست که زندگی فکر می کند نیک هم تشخیص می دهد آنها می رامی فهمد

---

□ مجله ی روشندل ، شماره □□□□ □□.

□ . انسان موجود ناشناخته ، ص □□□.



کردن پی به نتیجه می این « » تفکر تشخیص میان  
 نیک دانسته همین که هرکس بیشتر گرانمایه بابصیرت در میان هموعان  
 دارای شخصیت یم هرکس ای کمتر حرکات  
 ضعیف فرومایه بی بی ناسنجیده می گوید نکرده کارهای بی  
 می دهد در میان به سبکسری میشود.  
 «نیچه» فیلسوف آلمانی ی می گوید:

» به توانائی می دهد کاملاً به وسیله ی نیروی که به  
 معنی حقیقی به توانائی عالیتزین مظهر ( توانائی) زیرا به کمک آدمی  
 می گسیخته تربیت کند خلاقیت برانی کارهای نیک زیبا  
 مهار نماید. به این ترتیب یافته طبیعت نیز<sup>1</sup> «.

### مکتب

یکی بزرگترین نیروهای انسانی بزرگترین خدادای « » که بیش از همه ی ادیان  
 اجتماعی به « بهاء به طوری که « دین معرفی<sup>2</sup> کسانی که  
 هستند تکلیف<sup>3</sup> احکام اینکه « یکی از مدارک  
 چهارگانه ی (کتاب) تعیین مدرک به اعتقادی نیز  
 فقهاء کارشناسان اسلامی این که کلیات بایستی به عقلی

آیات شریفه که « » انسانها به روشهای عقلی پدیده ی ممیز انسانی  
 معرفی این آیات به تقسیم می :

□ از فلسفه ی نیچه ، به نقل مهرداد مهرین ، ص □ □ □ □.

□ . العقل اساس دینی ، حدیث نبوی .

□ . رفع القلم عن المنون حتی یفیک .

1- درجهان هستی هماهنگی قوانین که دلیل می نماید قبیل : « لکم اللیل والنهار فی ذلک الایات یعقلون »<sup>1</sup>

ترجمه: ( خورشید رابرای کرات فضائی این ترتیب برای انسانهایی که می کنند دلائلی می ( .

|             |                     |                    |                |              |
|-------------|---------------------|--------------------|----------------|--------------|
| مجدد به     | فکر می دهد آنها     | می کند که          | در همه ی       | کنند         |
| بفهمند      | ین نیروی الهی       | که انسانیت         | بسته           | ندهند        |
| پیش         | آدمی                | به اندیشیدن        | بهره           | خویش برای پی |
| به          | جهان                | کرده               | همه            |              |
| «           | «لعلکم تتفکرون»     | «یتذکرون»          | «افلا یتدبرون» | «            |
| اینها که    |                     |                    |                |              |
| کریم        | همه دستورهائی       | که                 | به تفکر        | هر چه آفریده |
| می          | کاملاً              |                    |                |              |
| که کتابی    | هنگامی که           | به                 | می کند         | ملاک         |
| می دهد، نمی | ی                   |                    |                |              |
| روشی نداشته | نخستین آیه ای که به | گفته               | که             | کار          |
| فهم         |                     |                    |                |              |
| عقلی        | تشخیصی              | به روشنی دانسته می | که             | کریم         |
| روشی برای   |                     |                    |                |              |

1- بعضی آیات منعکس می نمایند که به آخروی :

» كُنَّا نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيهِ السَّعِيرُ»<sup>3</sup>.

تبھکاران      اخروی می گویند      حقیقت را می شنیدیم      می گردیم      معذبین      نبودیم).

3- کریم گروهی که اندولی حقیقت را پوشانیده ساخته توییخ می نماید :

«... يسمعون كلمه يحرقونه»<sup>1</sup>.

سور ی نحل ، آیہ ۱۱۱.

«فکر» به کار رفته است .

سورہ ی ملک ، آیہ □□.

(کلام می آنکه کرده تحریف می کنند).

4- شریف « » افرادی که حیاتبخش فکر اندیشه بهره برداری نمی نمایند، به ترین حیوانات یاد می کند :

« البکم الذین لایعقلون »<sup>2</sup>.

ترجمه: ( ) ترین پیشگاه خداوندی کسانی هستند که کر نیروی اندیشه که نشانه‌ی شخصیت انسانی هر نمی کنند).

5- یک‌ه نیروی اندیشه زندگی به کار نمی به موجوداتی پلید :

«... یجعل علی الذین یعقلون»<sup>3</sup>.

ترجمه: ( ) پلید برای کسانی که نمی کنند).

6- آیاتی که بی ه توبیخ می نماید :

« انفسکم الکتاب »<sup>4</sup>.

(آیا به نیکوکاری می دهید ولی می کنید صورتی که کتاب آسمانی می خوانید نمی کنید؟).

7- بعضی آیات تقلید نیاکان پایبند به موهومت که عاری بیخ می نماید :

«... الفینا علیه کان آباؤهم یعقلو شیئاً یهتدون»<sup>1</sup>.

---

□ .سوره ی بقره ، آیه □□.

□ .سوره ی انفال ، آیه □□.

□ .سوره ی یونس ، آیه □□□.

□ .سوره ی بقره ، آیه □□.

ترجمه: ( ی : بلکه پیرو کیش خواهیم آیا بایست آنها صورتی که بی هرگز به راستی هدایت نیافته ) .

برای ی می خوانی : «... کذلک الآیات یعقلون»<sup>2</sup>.

## روایات

ی اینکه « وسیله ی امتیاز حیوانات پیشرفت زندگی مادی معنوی  
اینکه نیست اینکه کیفر و بهترین وسیله ی خداشناسی  
به وسیله ی « می . چیزی بهتر » « به . « دلیل  
بی . هرکس » « خود به کار . زیور  
نوری که به خویش بخشیده . خوبها همه ریشه ( نیروهای )  
... روایات دیده می که برای هر انصافی می که هیچ مکتب آئینی  
به ی به « اهمی کتاب » کافی که معتبرترین تعالیم معصومین ( )  
«کتاب الجهل» حتی ی ذکر احادیث به  
احادیث «احادیث توحید» که دین داشته این معنی که  
بی رسیدن به «توحید» نیز می . اینک نمونه این احادیث اینجا می  
آوریم:

1- کلینی روایتی می کند که به میفرماید:

« عزتی جلالی هو الی منک اکملتک الافیمن احبه... »<sup>3</sup>.

---

□ . سوره ی بقره ، آیه ی □□□ .

□ . روم ، آیه □□ .

□ . کافی ، ج □□ □□ .

ترجمه: (به) که چیزی بهتر نیکوتر نیافریدم هیچ کس تکمیل اینکده  
به وسیله ی نهی میکنم کیفر می دهم).

2- روایت دیگری :

« علی النبی فیما بین بین »<sup>1</sup>.

ترجمه: ( پیامبران میان (.

3- هفتم ( )

:

« تبارک تعالی علی : ظاهرة الظاهرة الأنبياء  
»<sup>2</sup>.

ترجمه: ( برای یکی ظاهری که پیامبران پیشوایان دینی هستند  
دیگری باطنی که قیامت کسی که پیروی  
نکرده می کند ).

در روایتی علی ( ) :

«<sup>3</sup> »

ترجمه: ( داخلی دین خارجی که (.

5- روایت مفصلی « مهران » که :

---

□ . کافی ، ج □ □ .

□ . کافی ، ج □ □ .

□ . مجمع البحرين ، ماده عقل.

» ( ) جهل به میان پسندیده لشگریان

پلید کثیف لشگریان «جهل» به : « » لشگریانش

«جهل» لشگریانش دقیقاً بشناسید هدایت می یابید پیدا می کنید

کردیم 75 لشگریان 75 لشگریان جهل ذکر «<sup>1</sup>.

6- روایات زیادی که قیامت به عقلی که می کشد

هر به ی « » به این معنی « کفر نیز روی خواهد <sup>2</sup>.

روایت که مردی به ( ) : فلانی دینداریش چنین پرسید : «

« نمی :: » علی ...» به ی .

نکو به

انکه جوهر وین تکمیل

7- بالاترین بهترین موهبت الهی . گرامی ( ) :

» العیاد شیناً سهر الجاهل

الجاهل نبیاً حتی یستكمل یكون عقله جمیع امته یضمّر النبی  
فی نفسه اجتهاد المجتهدی ادی حتی عنه جمیع العابدین فی  
عبادتهم هم الذین تعالی : یتذکر «<sup>3</sup>.

ترجمه : ( ) به چیزی بهتر نبخشیده ، زیرا خوابیدن داری جاهل بهتر

جاهل (به سوی جهاد) بهتر پیغمبر برای

تکمیل ( ) را کامل نکند نکند آنچه

□ . کافی ، ج □ □ □ □ □ .

□ . کافی ، ج □ □ □ □ □ .

□ . کافی ، ج □ □ □ □ □ - □ □ □ .

پیغمبر      اجتهاد مجتهدین      به      رنیا بد آنها  
همه      فضیلت      به پای      هم      که      ی  
آنها فرموده : تنها      می گیرند).

خلاصه      تحسین      ستایش و اهمیت      روایات زیادی      که      به      نمونه      آنها  
ذکر کردیم.

یکی «      کسبی »      که      تحصیل      تجربه ها به      می آید .      دیگر : «      ذاتی »  
که      هر کس آفریده      همین      کسی      ذاتی نداشته      تحصیل  
تجربه به      ای      و همه ی پندها حکمتها      نتیجه ای برای      نخواهد      ولی  
ذاتی      کسی      تحصیل      روشنی      کمالش می افزاید.

این      که      عیسی (      :      کور      بینا      پیسی      طاهر      کردم  
ولی      معالجه کنم نارسائی      نمایم )      علی اصلاحه)!

عیسی مریم به کوهی می گریخت      شیر گوئی      می      ریخت  
یکی      پی دوید      خیر ؟      بیت کس نیست چه گریزی      طیر

گریزانم      میرهانم خویش

مسیحانه توئی      که      کور      کر      مستوی

آری      ای      پاک      هر چه خواهی می کنی      کیست باک

عیسی که به      پاک      سیق

کان      که      کر      کور

که      هزاران      درمانی

---

□ . سفینه البحار ، ج □□ □□□□□□□□ .

زانکه احمق قهر کوری نیست قهر

رنجی کان رنجی کان

آنچه مهر کرده ای وی نیارد

بگریزد عیسی گریخت بسی خونها بریخت

اندک اندک هوا این نین هم

ی ( ) به این حقیقت تصریح که :

» : یمن یکن ، کما یمنع لعین

«.

ترجمه : ( ) عقلی که به طبیعی آفرینش نصیب می

دیگری عقلی که شنیدن دیگران این آدمی می ولی برای کسی که نابیناست نمی کند جهان نماید).

طبیعی کودکی همزمان طبیعی به خودکار می به

نهائی همچنان ادامه پیوسته می کند و موقعی که به نقطه ی نهائی رسید

میشود . اکتسابی هم ایجاد تعلیم تربیت به می کند ولی میزان برای

ادامه ی فعالیت های علمی و تجربی اکتسابی سنین متمادی

همچنان تعالی تکالم پیشروی میکند .

علی ( ) :

» : کلا هماء یؤدی الی «<sup>1</sup>.

---

<sup>□</sup> . عین الیقین ، فیض ، ص □□□ .





|          |                   |       |            |              |            |          |
|----------|-------------------|-------|------------|--------------|------------|----------|
| به اینکه | طبیعی             | هم    | طبیعی      | نیز          | خواهد      | کسانی که |
| دارای    | عادی هستند        | طبیعی | نیز عادی   | آنانکه دارای | ذاتی هستند | عادی     |
|          | طبیعی             | نیز   | عادی خواهد | آنانکه       | کم         | یعی      |
| نیز کمتر | عادی معمولی خواهد | همین  | طبیعی      | که معیار     |            |          |
| تقومی    | عقلی آنهاست.      |       |            |              |            |          |

» غريزة تزيد «<sup>2</sup>.

$$\vdots \quad ( )$$

ترجمه: (مطالعه‌ی بسیار پی‌گیر علمی شکوفائی تقویت نیروی فکر فهم).

اینجاست که تحصیل پیروان خویش کرده .

بیدار می‌کند    غذایش می‌دهد    قوی    نیرومند    نیک    کاملاً

نیروی    کاری که    نکند    آنچه    بدهد    زندگی دنیاو

ونیکبخت روایات وسیله ی به بهشت معرفی شخصی ( ) پرسید: چیست

: « به اکتساب به <sup>1</sup>».

ترجمه: ( چیزی که به وسیله ی بهشت به می آید).

میگوید: : آنچه معاویه چه : نیرنگ شیطننت ولی نیست.

حدیثی ( ) که ( ) :

« یعبدالله لایکون حتی یجتمع فیه ».

ترجمه: ( به چیزی بهتر فضیلت نگر دیده ( و فرزانه که وی زیر :

1- الخیر منه : به نیکی وی امید .

2- منه : وی ایمن .

3- ینکثر قليل الخیر غیره: نیکی دیگران هر چند کم ناچیز بسیار .

4- یرستقل کثیر الخیر نفسه: خوبی خویش هر بسیار اندک ناچیز .

5- یرسأم همه ی : سیر خسته .

6- لایتبرم قبله: مراجعه به نیازمندان به .

7- فروتنی دیده: سر بلندی پسندیده .

8- **الیه منالغنی :** تنگدستی مالدار ی بیشتر (شاید که خواری ثروتی که ، بیشتر داشته .)

9- **نصیبه الدنیا :** از بهره ی دنیا به همان روزی خویش کند .

10- **یرای هوخیر منی اتقی :** کسی نبیند آنکه خوشتن بهتر پرهیزگار .

زیرا گروهند : گروهی که به حقیقت بهتر دیگر کسانی که از وی هرگاه دسته ی گیرد نی کند آنکه شاید توفیق پیدا کند که یکی نیکان به گوید : خوبی اینان دیده ی ، پنهان در کارها چنین خویش سیادت خواهد<sup>1</sup> .

روایت دیگر ( ) که :

» **کن فیه کمل عقله یک فیه له لله**

**علی** «<sup>2</sup> .

ترجمه : ( سه : کامل کسی که وی کس که این سه خالی فرزاندگی نهی سه گانه : خدای نیکو شکیبایی به ) .

**خلاصه اسلامی** اهمیت ی بنیادین ی بکار گیری بهره وری برای اشاعه ی آموزشهای نیروی بیشترین کرده اسلامی « این نیز اساسی زیرا ترویج آموزشهای دوشیوه کرده :

1- به «تحقیر عقل» پرداخته نابخردی و سستی بی اساسی استدلالهای .

---

□ . خصال ، حدیث ، شماره ی □□□ .

□ . خصال ، حدیث شماره □□□ .

2- دیگر آنکه ناپذیر چوبین به « تلطیف عاطفه ای  
» « که هر می کند به همه چیز دیگر میدهد توجه کرده .

## رابطه ی

نیروی « عاطفه » زندگی می کند « به آگاهی می دهد «عاطفه « حرکت  
می .

دکتر «الکسیس کارل» میگوید:

» نمی به نیروی زیستن طبیعت اشیاء بدهد کردن می کند هرگز  
رابطه نمی موانعی که پیش داریم نخواهیم آنکه موجی  
سربپرون کشد»<sup>1</sup>!

کتاب « ناشناخته می نویسد :

«متفکر یک ناکامل بدبختی زیرانمی به آنچه می فهمد «<sup>2</sup>.

یکی به «ویترس هاوس» می گوید :

«هر بکوشد ادراک کند روشنائی گریزان، دیعه ی آسمانی تنها

مسکن میگزیند . می کند ترانه ی « هنوز

واپسین هم شنیده می . بزرگترین ها « بیچاره ای که یتیم « دنیا

برای تسخیر می کند « « ملکوت برای می «<sup>3</sup>.

« فرانسوی می گوید :

---

□ . راه و رسم زندگی ، ص □□□ .

□ . همان کتاب ، ص □□□ .

□ . مجله ی روشندل ، سال □□ .

«پیشرفت همه چیز کار و حرکت می برای یک این نکته به هیچ وجه نیست که قوای عقلی غلبه داشته . رومیهای ی «هر» علمی ید طولانی لیکن وقتی که حرکت برای خویش ( ) دیوارهای تکبیر<sup>۱</sup>» .

آری روزی عاطفه گرفته این هنگام وی لاشه ای خواهد بود که هرگونه و تحرک یمی .  
«تولستوی» می گوید :

«هرکس کند که می به وسیله ی زندگانی تفسیر و زندگانی ایده تشخیص زندگانی اطلاعی<sup>۲</sup>» .

این « بی ،جنونی بیش نیست ،طغیان شدید که به آلودگی عصیان می کشاند به هر کار آمیزی می چه شهوات طغیان می کند که تشخیص صحیح می آنچه که به میل ،صیح منطقی هم میدهد .  
دکتر «کارل» این خوبی بیان کرده گفته :

« یک اتومبیل که می نماید موتوری که به حرکت می «.

این هریک بی دیگری هیچ بی کور ،خطرناک رسواکننده فاجعه بی بی وبی ویخ بی حرکت . «کارل» این جمله موقعیت به به ماشین تشبیه کرده ولی چنانکه معنی لغوی «هم می وظیفه ی افکنی ورهبری وظیفه ی دیگری هم به عهده ینکه ماشین سرکش مهار می کند آنها طغیان می .

---

□ . مجموعه افکار و اندیشه های گوستا لوبون ص □□ .

□ . شرح و تفسیر مثنوی جعفری ، ج □□ □□ .

چنانکه گفته :

« عقیلة یقول یقول تبالی»<sup>۱</sup>.

ترجمه (یعنی بازکننده بندهاست می گوید : مبالغه مکن می گوید : مکن).

«پاسکال» این بیشتر کرده گفته :

« روی « برداشته بدین اینها یکدیگر زیرا » «  
« هر یک چیز « یک ریزش افکار که یک میشود  
کردن همه ی آنها ولی این چیز دیگر نیست نباید کرد دیگر چه  
انسانی یک ماشین نامطلوبی می « « نکنیم که شدنی نیست .  
که بماندکوری به معرفی کنند ، بلکه باید پارچه ای که روی کشیده  
دیدگانشان این بهره «<sup>۲</sup> .

بنابراین بین این نیرو به تنها تضادی نیست ، بلکه تقویت یکدیگر مهی چنانکه گفته :  
فعالیت‌های عاطفی برای هوش عاطفی در هر لحظه تفکر آدمی  
می فهم تیز می‌کند ، هم به بینائی آگاهی میبخشد .  
به «کارل» :

«مفیدترین ترین کسانی هستند که فعالیت‌های فکری عاطفی ایشان یکدیگر و هماهنگ  
، آنچه برتری معنوی این دسته دیگران می کیفیت فعالیتها آنهاست»<sup>۳</sup> .

---

□ . مقالات شمس تبریزی ، ص □□ .

□ . اندیشه و رسالات پاسکال ، ص □□□

□ . انسان موجود ناشناخته ، ص □□□ .

برای کامل باید یا همکار همگام ،هم باید به تزکیه تقویت  
که مرکز ایمان وهم به « » که صنایع اندیشه هاست  
هیچ کدام جای دیگری نمی گیرد.

گروهی میان این جدائی انداخته برای هر کدام مرزی « » بیش هر « »  
« ته گفته :

» هر کجا حکومتش می کند هنگامی که از یک  
دیگر می نماید.

این که ادبیات عرفانی به رقیب معرفی . فیلسوفان  
صوفیان همین سرچشمه میگیرد . فیلسوفان  
کنند به نیروی اتکاء .

میان این رفیق دیرین انداخته این میدان محکوم معرفی  
گردیده . مولوی می گوید :

بیچاره

شحنه رسید

شحنه ی بیچاره کنجی خزید

چونکه ی

خویش

» «گوید :

گریزد !

سعدی گوید :



همچو بادی

هزار

سعدیا

می کند

بخویشتن نبری که

سعدی کتابهای

زیادی این

تکرار کرده هر شکل ای

کوتاهی به

که :

جوانی

پنجه ای آهنین به

شیر

به

آنکه به آسانی

پای

می

ولی به زودی

شیر

یکی تماشاچیان

که

یک ضربه پنجه ی آهنین

نمی کنی :

شیر، پنجه آهنین سودی نمی

اضافه می کند :

»

»

« چیر

همان پنجه ی آهنینست و شیر

پنجه ی شیر

زنی

چه

دهد پنجه ی آهنی

دیگر مگوی

که

اسیر

گوی

این تنها مولوی، سعدی

نیست که به ین

تصریح

بلکه در میان کلمات

بسیاری

سرایان میتوان

یافت .

یکی ه :

قیاس کردم، تدبیر

شب نمی

که

می

رقمی

دیگری می گوید :

دعوی

اینها می گویند :

»

»

ادراک حقیقت

. مولوی می

گوید :

هرچه گویم

بیان

به

آیم

و عاشقی هم

دلیل

دلیلت باید وی

می‌گویند: ودانشی که آموخته به نمی .

مولوی گوید:

وین ی خماری

که مدرسه کردند کاری کاری

### چیست

شاید زبانهای جهان ای پیدا به ی ی « دیده . این کلمه هر کلمه  
ای هر کلمه ای لطیف به مبادی حقیقت نزدیکتر هیچ فضیلت وصفی ملتها  
جهان به ی » « .

ولی دنیای جدیدانی به قدری تحریف که کاملاً معنی حقیقی . چه هوسهای  
چه شهوت های چه جنونها و بیماریهای عاطفی « بنامیده نمی ! زیر لفافه ی  
زیبای شاعرانه » « چه آلودگیها تبهکاریها و چه فریبکاریها که نمی !! ه هرزه درائیها یلوه  
سرائیهها که ترانه ی » « نمی !! چه هوسران دیوسیرت که  
» « نمی ! چه آشنائی های خطرناک به وسیله ی این فریبنده ی » « نمی  
چه بوالهوس شهوتران که به وسیله ی این جادویی زوایای ها نکرده  
ها نساخته امنیت رابه نیفکنده چه عفتها شرفها که به این  
نرفته چه جاهای کثیف و شیطانی «میعادگاه « ملاقاتهای «ملاقاتهای عاشقانه»  
نمی ....

بدین ترتیب دنیا « عاشقی اری مجازی» همه کرده به «بالزاک»  
شکه های کرایه ای که خیابانه کره برای می‌سایند<sup>۱</sup>.

---

□ . به نقل شرح و تفسیر مثنوی ، محمد تقی جعفری ، ج □ □ □ □ □ □ .

خلاصه کلمه ی «      »      زبانهای دنیای      همان      دیروز نیست . به

هر چه می بینم می

آنچه می دید نیست

« ای جادوئی »

دیگر گونه می‌گفت نیست<sup>1</sup>

## داوریہا

شاید کمتر کلمه‌ای کلمه‌ی « تعبيرات ی بعضی فلسفه‌ی

حیات مایه ی می می گویند هر یک جهان یک یک نیرو که آنها

رسیدن به کمال به جنبش و کوشش و امی ی « به این معنی یعنی :

جستجوی کمال حرکت جنبشی که جهان ناشی یک « »

ہر کی      کمال      ید

«      نیست      غیر      »      هر      نیست

بدین ترتیب گرفته همه ترانه‌ی به در می‌آیند.

بعضی این هم نهاده» « به جاذبه‌ی عمومی تفسیر کرده گفته : رسته‌ی

یافته این جذبہ زندگی امکان زیرا کائنات ہم می

جهان هستی به نیستی می گراید.

نبودی کی گشتی، جہان

[illegible]

10

دیگری به کلی منکر » « : بعضی نوعی بیماری می گوید : باید  
کند . ای گفته : کششی جسمانی به بقای دیگری تعبیری  
این می گوید : « ی جنسی یا بی نهایت<sup>1</sup> »  
پیام می .

هر ذهن » « مفهومی جداگانه مخصوصی به که مفهوم دیگری یکسان نیست  
فاصله بین زمین این تعبيرات قیض زاویه ی دید  
کنندگان سرچشمه گرفته .

کس به یقین

هر کسی فهم گمانی

## تعمیم

هر « » ترین پیچید ترین شیفتگی شیدائی دامنه ی  
خیلی وسیع می اسامی پیدا می کند مفهوم به صدها می : به  
به به همسر به به داشته ها ...  
همه ی اینها جهت که به طرفی می کشاند ایجاد تمایل درونی حرکات خارجی می نماید  
نوعی به خواهد .

ولی آخرین شیفتگی دلباختگی<sup>2</sup> «  
می دامنه ی می ضعیف دوستی کلمات : خواسته خواهش میل  
به دلدادگی شیدائی که « منتهی می .

هیچ آفریده عاشقی رسیده

---

□ . فروید .

□ . رسالة فی حقيقة العشق یا مونس العشاق شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی ، فصل ده .

بررسی باید « » خارجی باید لیات  
کاوش تحلیل کرد.

به کلی همه نه نه زیا و نکوهیده بلکه « » وابسته به «  
انگیزه ی « » چنانچه یک چیز مسیر یک هدف عالی بگیرد چه  
نمیشود بالعکس هرگاه یک چیز بی نداشته که  
به به انسانی بسیار هم ولی اصالتی  
واقعی نیست، بلکه یک اشتباهی کاذب که به جهت « » به نهاده  
. و نیز « جاذبه کششی که رابه آلودگی بکشاند یا جاذبه ی دیوانه کننده  
ای که به کلی «سادیس» که به خونخوارگی دهشتناک  
می کامجویی خویش می به هر کار آمیزی می این  
خواهد .

این ملاحظه « » هم ستایش تحسین وهم تحقیر تقبیح پدیده ی « » سایر  
نیروها دوجانبه هم می یک نیرومند مسیر تکامل  
به وسیله ی انسانها به تکامل وهم می یک ویرانگر کننده ی دین  
چنین عشقی نیست « » بیماری آزاردهنده ی ، روحی .  
نیروی «الکتریسته» که همه گونه بهره برداری می می پدیده های  
زندگی تنظیم هم می به وسیله ی جهان به کشید.

## کور

« » « » حکومت کند طغیان تندرویهای نیروی کنترل این  
« » ویرانگر خطرناک خواهد زیرا « سرکش» همچون آتشی که  
شهری ی نیرومند به تسلیم می به  
« » می . چنانکه سعدی گفته :

که دلاویزند

مگوی نصیحت که پارسائی

که بایکدیگر نیامیزند<sup>۱</sup>

عواطفی که می رودخانه ی عظیمی که بسیار محکمی ساخته  
که طغیان جلوگیری می کند نیاز مندیهای به تقسیم می نماید ، بدیهی  
که بشکند عظیم رودخانه تنظیم طغیان خرابیهای زیادی به می .

همچنین طغیان کنترل طغیان به آلودگی  
عصیان میکشاند<sup>۲</sup> کسب نکند به ماشینی می که ظلمانی  
ی خطرناک زیاد حرکت کند هیچ امکان این ماشین سرنشین

طریق طریقی خطرناک

بالله به غایتی نبری !

البته این « » « کور » « سرکش » مهار این بی هیچ  
مرزی به رسمیت نمی قیود اخلاقی اجتماعی هم می کوبد به همه چیز کشانده می  
گاهی ممکن حاصلی یک گذشته آینده ی این معالمة بدهد هنگامی که به  
طوفانی به جهت آبروی خویش می گیرد  
یک کابوس وحشتناک روی فکر سنگینی میکند وقتی متوجه می که کار کار گذشته این  
بیدار هیچ ای . این یک بیماری روانی می «فروید» کاملاً  
این محکوم می کند که چنین عاشقی به محسناتی که بی  
بهره جستجوی تکمیل خویش دیگری این عاشقی قدیم رسوائی قرین  
دانسته . به بسطامی :  
رسوای عالمی عاشقی نکرده که کنم

---

□ . کلیات سعدی ، ص □□□ .

مروندی می گوید :

بیا ای یار اکنون

نمی رسوائی به هر می

گفته :

مرید عشقی فکر بدنای مکن

شیخ خرقة ی رهن خانه ی

دی نیز گوید :

سعدیا نیامیزد باهم پنهان کنی دُهل زیر گلیم

آری همین آمیز که شیخ همه پیری وزهد به می کشاند و به

پرستیدن خوک می چنانکه می گوید :

پرستیدم کس ندیدست آنچه دیدم

به همین که برخی این یک می .

«ابوعلی سینا» اینکه واقعی تعریف این گفته :

«هو سوداوی ینتهی الی» ( نوعی بیماری سوداوی که به دیوانگی می کشاند).

یکی نویسندگان میگوید:

«بیماری مزمنی که باید کند».

«کوپرینک» فلکی تحقیر کمی احتیاط کرده گفته :

«یک ندانیم ای مغزهای».

«کار لایل» فیلسوف انگلیسی بی به تاخته :

تنهایک نیست بلکه ترکیبی !

خلاصه « کور» نابینائی ها گزافه بینی های زیانمند معايب زشتیهای پنهان میکند  
وزیائی های آنچه که هست زیبا می نماید.

آری این خاصیت اساسی « کور» که به ایده به می همه  
چیز هیچ هیچ همه چیز می نماید چنانکه گفته :

« **یعمی ویصم**» یعنی : دوستی هر چیز کور کر می کند.

علی ( ) می فرماید :

« **شیئاً اعی** **قلبه** » !

(هرکس که چیزی معیوب مریض می کند).

می گوید :

عین کل عیب کلیة کما عین یبدی المساویا

یعنی : چشمی که خشنودی به کسی یا چیزی هیچ عیبی نمی بیند همچنانکه دیده ای روی  
کند ، همه ی بدی ه آشکار می .

« نه تنها عیب می بلکه عیب نیکو می دهد . شاهد تمثیلی

این گفتگوی خیالی « قیس ، « مردی که «لیلی» می شوریدگی  
به وی شگفتی می این « می کنیم :

« هارون الرشید که این لیلی بیاورید ببینم که چنین شوری دنیا

قصه ی آئینه ی ساخته ! بسیار کردند حيله های بسیار لیلی

بیاورند ، به خلیفه برافروخته نظری می کرد ساعتی ساعتی پیش می

□ . نهج البلاغه ، جمله ای از خطبه ی □□□ .



می : به واسطه ی روی چیزی ظاهرتر ! به

لیلی کرد « لیلی توئی؟ : بلی ، لیلی . نیستی ! که

نیست ! ... به ! به ! می ید : چگونه می خواهی لیلی

دیدگانی بنگری که همانها می نگری؟! حالی که دیدگان اشک ها نیالوده ای

لایلی خلیف کین توئی ! کز غوی؟!

نیستی : نیستی<sup>۱</sup>»

آری      خوبیها      عیبهای      نمی بیند      زیباییهای      آنچه که      هست      می کند .

به روزی عیجوئی

کہ پیدا کن بہ لیلیٰ نکوئی

که لیلی گرچه حوریست

به هر عضوی اعضایش قصوری

عليجو

## آشفستگی گریان

می بینی      پیچش

## اشارت‌های

می بینی کہ

شکر

دیدہ ی نشینی

|  |  |  |
|--|--|--|
|  |  |  |
|--|--|--|

به غیر لیلی نبینی

این « نه تنها برای بلکه برای نیز خطرناک .  
گزافه بین که درک نقصهای « شخصیت »  
می بیند همزبان سعدی  
عیب همنشینی وی ترجیح می دهد که :

دوستی کاخلاق نماید

عیب هنر کمال بیند یاسمن نماید

کو بی باک؟ عیب به نماید

«نیروی به «رشته ای ناپذیر» تعبیر می کند که  
وی افکنده  
به هر که می کشاند :

رشته ای افکنده می کشد هر که

به به این نیست ، قید سازی پرستی  
به تکامل شخصیت انسانی چنین عشقی یک بیماری روحی .

شاید به همین معایب که هیچ کریم ی « »  
ی « » « » « »  
تعبیر دوستی عمیق به تعالی به «  
شدید» تعبیر گردیده :

«... یحبونهم کحب الذین لله...»<sup>1</sup>.

ترجمه: (بتها می دارند ولی آنکه ایمان دوستی).

روایات نیز به می آنهم تقبیح جمله کلینی کافی  
این روایت کرده که پیامبر اکرم ( ) :

---

□ . سوره ی بقره . آیه □□□ .



«اهل بیت که هادیان ، هرگز ، نکرده زیرا  
مرضی سوداوی که هرگز این  
کمال»<sup>1</sup>.

«یحیی عدی» مکنی به «ابوزکریا» (متوفی 364 هـ) کتب اسکندر به عربی  
تقیح» هرزه رسوائی» می نویسد :

» اخلاقی به بیش این خوی به هر همه  
افراطی که به کسب پیروزی شهوات حیوانی که این  
خوی به تبهکاری و دستیزی به کارهای کشانده ه چشمی بیحیائی خوی  
های و این خوی همگان سایه که  
زشتیش کمتر»<sup>2</sup>.

برای همین که میان صوفیه نیز اینکه به الهی یا  
گونه واکنش به ظهور رسیده کسانی صوفیه به  
آیات قرآنی به

» قشیری» (متوفی 465) میگوید :

«ابوعلی رودباری» شنیدم که :

» بودکه تعالی نکنند که به  
نکنند جمله ی دوستی همه به یک دهند به سبحانه نگویند  
که تعالی تعالی نکنند به نیز تعالی

□ . تحفة الاخيار ، ص □□□ ، چاپ انتشارات هدف قم.

□ . جلال ستاری ، عشق صوفیانه ، ص □□.

نکنندبه      نشاید      کردن      به      نه      به      به هیچ وجه

«<sup>1</sup>.

»      گوید : که      حالی شریف      تعالی گواهی

تعالی      کنند بدانکه      کنند بدانک

به      «<sup>2</sup>.

همچنین »      علی      جلابی هجویری غزنوی» ( 465) می نویسد :

»بدانک      تعالی      تعالی      کتاب      بدین

،برین      سبحانه      تعالی به صفتی      کی      وی

«.

ریشه شناسی      یا      می      :

»بدانک      هست ،یکی معنی      به      بی سکون      میل هوا تمنی

استیناس      این جمله      قدیم      این جمله      یکدیگر اجناسی

تعالی متعالیست      جمله      کبیراً دیگر معنی      تخصیص      که      برگزیند      به درجه ی کمال      ولایت      وبه گونه گونه ی کرامتها      «<sup>3</sup>.

»هجویری»      چگونگی      تشخیص می دهد که یکی      به

یعنی      دیگری      نه      یعنی

صفتی      بیارامد      گیرد      شنیدن کلام      یا دیدار      پایان نتیجه می گیرد که

میان همه ی      به همه ی زبانها مشهور      به همه ی لغاتها      هیچ

به      پوشید ... هیچ      نیست کی وی      غیب کاری      نیست کی نه

فرحی .

---

□ . ترجمه ی رساله ی قشیریّه ، ص □□ - □□ ، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر.

□ . همان مدرک ، ص □□□.

□ . کشف المحجوب ، ص □□□.

هجویری به می می گوید :

» مشایخ بسیار گروهی طائفه داشته تعالی  
کی تعالی نیست  
وی جابر وی گروهی که تعالی آنچه  
تعالی نیست جهان نیاید  
ادراک تعالی مدرک نیست ی باید که نیاید وی ...  
تعالی به مدرک نیست وی آید به و مکرم اولیاء  
آید»<sup>۱</sup>.

### مجازی

» برخی آنها مقوله ی شهوت شهوت جنسی  
مشترک و حیوانات این که خاصی غلیان شدیدی می گیرد به می  
به طوری که می کند بدین جهت ( ) نامیده می در حیوانات هرگز به این  
نمی ی ولی به هر حقیقت و ماهیت طغیان شهوت چیزی نیست  
جنسی سرچشمه می گیرد به همانجا نیز خاتمه می یابد، افزایش کاهش بستگی زیادی به فعالیت های  
فیزیولوژیکی تناسلی قهراً به سنین جوانی . به یک  
دیگر کاهش می یابد و منتفی می .»

جوانی که دیدن روئی زی موئی به می دستی ظریف به میچد باید  
جریان مادی کار نیست . اینگونه عشقها به می آید و به می فضیلت کش تنها با کمک  
تسلیم که آدمی می یعنی این نیرو به سوی هیچ  
فضیلتی نمی دهد . آدمی رخنه کرد نیروی  
کرد تسلیم به و کمال می .

---

□ . کشف المحجوب ، ص □□□ - □□□ .

که تأثیر شهوت خویش بیرون نرفته یا علاقه برای  
می خواهد. ی می اندیشد بدین که چگونه بهره  
حداکث بدیهی که چنین حالتی نمی مکمل مربی  
تهذیب نماید»<sup>۱</sup>.

نوعی دیگر که حقیقت و ماهیت شهوت مغایر که را عاطفه گویند  
کریم به « » « تعبیر . گاهی تأثیر عالی انسانی خویش قرار ی  
میگیرد، پیدا میکند می فدای خواسته های بکند  
اینگونه وصیمیت خودگذشتگی به می . که  
سببیت جنایت می خیزد مهر علاقه ی به به پاکان  
این .

این به کمال نیکی می این که به  
شکوه شخصیت می دهد و هم این که پایدار نه تنها نمی  
بلکه تیزتر می که ناپایدار به می آید.

«موریس مترلینگ» فیلسوف تعریف « می گوید :

» چیست عشقی که شعاعی الهی می ی یک یک علاقه ی شدید  
چیزی دیگری نیست کسی که هر لحظه می کوشد به مرحله ی یک علاقه ی شدید چیز  
دیگری نیست کسی که هر لحظه می کوشد به مرحله ی اعلاتری عالیہ ای طی کند می  
کند که ین نی بهره . که روی ، همان که  
ریشه ی زندگی نامیده میشود این اکسیر حیات بهره که  
زندگانی اکسیر امکان پذیرد ، عشقی که هر به یک تجلی می کند در هر  
به یک می . این همه ی به معیت کند  
که به درجه قدوسیت می برعکس خودسرانه کند ، به ترین مرحله ی بدویت  
می نماید.

□ . شهید مطهری ، جاذبه و دافعه ، ص □□ به بعد .

امیال حیوانی که نکوهیده ترین فضیلت بشری همان قدوسی و ملکوتی راهنمایی  
 تفکر به عرصه ی حیات خودسرانه راهی اختیار کر . برای نمونه هزارها  
 همه می بینید قدوسی که فداکاریها گذشتگیهاست به دیده می این همان  
 که متفکر توصیه می کند به مرحله ی انسانیت می میکند که خوبی  
 وزیائی نبیند به غیر مهربانی نکند».

«موريس متلینگ» نتیجه می گیرد :

» مغزهای متفکر حقیقی «<sup>1</sup>.

صوفیان « » «سکس» جنسی طغیان هوس یکی دانسته منتهی «  
 مجازی» نامیده که سایه « حقیقی» یا به دیگر «همچنانکه آثاری که مجازی  
 حقیقی به حکم: الحقیقة طریق وسیله ی «. زیرا به  
 گفته ی جامی « پرتوی » دلبری شمایل  
 . رشیق صبیح کریم طیب « گیرد مقیل هوای  
 می گشاید سریع دریابد وکمال درک کند  
 بگریزد این آویزد»<sup>2</sup>.

به عقیده ی آنها : مجازی به منزله ی بویی شرابخانه ی حقیقی کسی بوی نشیندی به این  
 شرابخانه نرسیدی<sup>3</sup>.

این همه شاهباز است که سالک به، ازلی می مجازی  
 حقیقی وگوهر باید یکی منتهی مجازی تصعید الایش  
 استحاله یافته خالق می که وهستی ایست غیر اشیاء<sup>1</sup>.

□ . عقل و سرنوشت ، موريس متلینگ ، ترجمه ی موسى فرهنگ ، ص □□□-□□□.

□ □□□□ □□□□ □□□□.

□ □□□□□ □□□□ □□□□.



«حتی مشایخ طریقت پیران حقیقت مریدی که به مجازی نکنند مردی  
«<sup>2</sup>.

حتی بعضی آنها مجازی » «نیز خودداری کرده گفته :  
» آنها یا ... به این معنی آنها یک حقیقت

همچنین همه  
به به غیر مسأله دیگری هم  
درجهت . به یا حقیقی همانست که میثاق ایوان نشسته  
به بیرون به های ، عشقی که  
ه ی حسی پدید می آید بیرون به می کند»<sup>3</sup>.

«منحیی الدین» » «الحکم» می نویسد :

«وقتی زنی می کردن که کامل ترین ممکن آمیزش  
می ترکیبی لیف اجتماعی به  
جنسی نیست آمیزش جنسی شهوت همه می گیرد به همین دلیل  
کامل حکم طهارت باید کامل همچنانکه فنای  
به هنگام جنسی، کامل غیور به نمی  
که مرتکب این که کسی خویش کام گیرد این  
که طاهر رؤیت باطنی به سودی کسی روی  
که فی فانی چه حقیقت این چیزی نیست»<sup>4</sup>.

---

□ . عشق صوفیانه ، ص □□□.

□ . زندگی نامه ، ص □□□.

□ . □□□□□□□□ □□□ - □□□ نصرالله پورجوادی.

□ . فصوص الحکم ، چاپ بورکهارت ، □□□□ (□□□□) □□□□.

به این نوشته بعضی بقای صوفیه چنین تعبیر کرده یا پسر بچه ی

«الدین» «بهاء الدین» حسین بلخی» به «بهاء» ی  
می گوید:

همه ی اجزای می می چنانکه شهوت همه ی  
«<sup>1</sup>.

در هر کنجی ی در کنج شیر ی حمدونه ای  
ای بهائم ای طیور ای ملائکه ای یافته نکور  
ای روی چشمها ای سینها که  
ای حسابها نانا شرابها سماعها نباتها و حیوانات ای گوئی هر کسی  
ی گرفته هر کنجی وی می کنند دوشیزگان شوهران می  
در زیر غیر می گوئی ی می کنند عشقنامه ها رامی  
گویند همچون می ای ی که هیچ کس ...<sup>2</sup>.

«شاهد نایک ایشان ایشان همچون منکوحه وی ...<sup>3</sup>  
یکی ...<sup>4</sup> دوشیزگ ی که ایشان نهاده نیک  
سایر حیوانات که آسیب به به ایشان قبله غیر یکی ...<sup>5</sup> تصویر  
که نیک کند آسیب به ایشان چنانک بامریم چنانک پریان آسیب  
دیوان یکی سبزها آبها بادها و خاکها و کس این نیک را چگونگی هم  
چنین می یابند کمال ایشان می بی آنک چگونگی ...».

□ . معارف بهاء ولد ، ج □□ □□□□□.

□ . □□□□□□□□ □□ □□.

□ . دو کلمه را به جهت رکاکت حذف کردیم (بدیع الزمان فروزانفر).

□ . دو کلمه را به جهت رکاکت حذف کردیم (بدیع الزمان فروزانفر).

□ . یک کلمه به سبب رکاکت حذف گردید .

اینجا می بینیم «بِه» گستاخی الهی می گوید که گوئی شهوت طغیان غریزه  
جنسی انسانی یاد می کند به این معنی جنسی پاک آسمانی یکی پنداشته نهادن  
قیاس بی پروای یکدیگر گستاخی .

میل جنسی (شهوت) رأی فیض غزالی یکی هر که بزرگترین امیال، میل به  
زنی نیمی ابلیس . غزالی ( به وی فیض) می نویسد :

«بعضی ابلهان گمراهان میل به کارشان به می کشد این منتهای جهل به هدف آمیزش  
حیوانات هم می که شهوات هر مادینه ای آمیزند کافی روی سفاقت  
می کنند که یک ( ) نمی کند این عبودیت پیشه می کنند به یک  
شهوت می کنند چیزی نیست شهوت « هو  
هم له» بیماری تهی بی کاروبی همت<sup>1</sup> «.

به « بهان بقلی شیرازی » :

«منهاج ربانی انسانی» .

به گفته ی : «امکان که بی کسی به حقیقت که الحقیقة  
«<sup>2</sup>.

می گویند : بهترین شاهد برای تفهیم این معنی حدیث نبوی «رأیت ربی لیلة علی  
هرکس این معنی که شاهد بازی در نمی یابد . «دریغا که هرگز  
شاهدی غیرت<sup>3</sup> «...!» .

□ . احیاء علوم الدین ، ج □□ □□□□ ربع مهلکات کتاب کسر الشهوتین .

□ . مجالس العشاق ، منسوب به سلطان حسین بایقرا، چاپ هند ، ص □□ .

□ . تمهیدات ، به تصحیح عفیف عسران ، ص □□□□ □□□□ .

چنانکه تبریزی گوید: «الحقیقة الحقیقة ...» شاهدی شوی

ی به ین شاهد شاهد دیگر ها زیر بسیار<sup>1</sup>.

|              |        |         |                  |                 |
|--------------|--------|---------|------------------|-----------------|
| «شاهد»       | صوفیان | می      | نیز هرچه زیبا    | تعالی           |
| کان زیبائی   | وی     | شاهد    | مدعیان رؤیت معنی | این کلمه «شاهد» |
| زیبا معنی که | «شاهد» | می گفته | <sup>2</sup>     |                 |

» عربی « آشکارا می گوید :

» بهترین مظهر وی همتراز همانگونه

می که بدین جهت که کل بالعکس»<sup>3</sup>.

به «محيى الدين عاليترين نيایش رؤیت کاملترین رؤیت

زیرا به غیر مادی (مشاهده نمی<sup>4</sup> .

تعبیر « صوفیانه» تمثیل یا پیوند زناشوئی ( عاشقانه ) ( رساترین تمثیل یا عاشقانه

« ویند : یکی معاریف صوفیان می جماعتی مریدان که زنی دیدند که وی زنی پیر . شیخ که نجوای مرید یکدیگر فهمیده » « راشنیده بودیه » :

□ . تاریخ تصوف در اسلام ، دکتر غنی ، ص □□□

□ بنا به نقل ستاری ، عشق صوفیانه ، ص □□□ .

□ . فتوحات ، بنقل عشق صوفیانه ص □□□ .

□ . فتوحات ، بنقل عشق صوفیانه ، ص □□□ .

« می که «شاهد» » « به معنی زیباروی صوفیان این عقیده سرچشمه گرفته به آنکه زیبارویان یا دلیل تعالی »<sup>1</sup>.

«جمعی صوفیان غزالی پسری گلی به می نگریست به !  
وقتی ، یکیشان : شاید مکرر کردیم ( شدیم ) غزالی : آری ! همگی  
کلام باهم صحیحه کشیدند»<sup>2</sup>.

رستی ریشه کهن دسته ی این دمشقی این حلما نیان به پیروی  
هر زیبائی می دیده بی ملاحظه به آشکارا پیش به خاک می می کردند<sup>3</sup>.  
برخی توضیح توجیه این گفته :

«به محرومیت جامعه همنشینی پردگی مادینه گروهی صوفیان  
ترینه میکردند»<sup>4</sup>.

این جامعه شناختی گروهی صوفیان یاد نباید که فی بعضی  
صوفیه چنین توصیف می کند :

#### «چشمها نطفه کف خایه»<sup>5</sup>.

یکی کوسه یکی مثنوی به شنیع بارگی رایج در خانقاههای  
کرده داستانی رکیک آنچه در خانقاهها قلندر خانه های می گذشته به  
گرفته<sup>6</sup>.

---

□ . فروزانفر ، شرح مثنوی ، ص □□.

□ . ابوالفرج ان حوزی ، تلخیص ابلیس ، ترجمه علیرضا ذکاوتی ، ص □□□.

□ . ستاری ، عشق صوفیانه ، ص □□□.

□ . ستاری ، عشق صوفیانه ، ص □□□.

□ . مثنوی ، دفتر هشتم .

□ . مدرک قبل .

در جای دیگری می گوید :

خواهی بشکاف ای  
آری  
هست صوفی آنک  
نه  
خیاطی  
صوفی گشته به پیش این  
الخیاطة<sup>1</sup>

به « یارشاطر » متصوفه اشاعه ی سهمی به  
میل غریزی برکنار باید صوفیان  
میرید می هر چند جنبه ی معنویت  
تأثیری که تعمیم معنویت خاصی نیز به این دلدادگی بخشیدند.

گفته : صوفی طریق این عشقهایی به حقیقت مجاهد طریق<sup>2</sup> صوفیان به آمیزش  
جنسی به ( الی ) جنبه ی آمیز بخشیدند کوشیدند به یارمندی انسانی  
شاهد به جویند دوستی خداپرستی فی تنها بدین وسیله ممکن می  
برای نیل به سکر چهره های زیبای نوسالکان حلقه می .

یان صوفیان کما بی پروائی پرستی می کردند در بازارها می گشتند  
پیدا می به ایشان می ورزیدند شاهدان می رقصیدند<sup>3</sup> کمال روحانی سالک  
در مشاهده زیباییها می که :

شاهدی دایه ی

شاهد بازی همیشه سرمایه ی

این زیبا که می بینی

شاهد نیست لیکن این سایه

---

□. زرین کوب ، بحر در کوزه ، ص □□□.

□. مدرک قبل .

□. □□□□□ □□□ ، مقدمه مصحح.

» الدین ابی کرمانی « عشق‌بازی شاهد بازی همه بسته می  
مجازی صورتی منهاج حقیقی الهی<sup>۱</sup>. شاهدان بیخودی بی‌قیدی می می

|                       |                    |               |                          |
|-----------------------|--------------------|---------------|--------------------------|
| شاهد                  | هر آنکه انکار کنند | نگری          | این کار کنند             |
| آنهاکه ببینی همه شاهد | زهره               | که انکار کنند |                          |
| می                    | به                 | کز            | معنیست                   |
| این                   | صوریم معنی         | دید           | <sup>2</sup> ظاهراً بدین |
| «اباحتی               | «می                |               | بعضی                     |
|                       |                    |               | همعصرانش                 |

می گوید :

قومی که اباحتی به  
ریش  
خویشتن می

جنید شبلی  
که

جامی رساله ی اقبالیه تألیف شیخ رکن الدین  
الدوله ی سمنانی  
می کند که شیخ شهاب الدین سهرودی «

پیش نگذاشته  
3  
..

نیز « الدینابی کرمانی» در شاهد بازی نپسندیده گفته :

«روزی» بندگی حکایت شیخ الدین کرمانی می کردند که مردی شاهد باز پاکباز بود و چیزی نمیکرد کاشکی کردی گذشتی».

نیز گفته که: «شیخ الدین میراث «<sup>1</sup>.

□. لمعات ، به سعی دکتر جواد نوربخش ص □□ □□.

☐ شرح حال اوحدالدين . ☐







وقضای شهوت شاهد. مصطفی ( ) هیچ چیز مکروه منکرتر نیست که کسی به امری کند که کند که هلاک<sup>۱</sup>.

اینجا باید به یاد که بعضی روانکاوان پیرو مکتب فروید، این گونه صوفیانه رانوعی والایش امیال غریزی شهوت نفسانی می سکر عرفانی جنسی و هم آغوشی قیاس می کنند برخی هم یایگانه می . روانکاوانی «ماری» « برجسته ی فروید ، اینگونه صوفیان به ریق روانکاوی می کاوند یعنی پدید های عرفانی همه ی سکر بیخودی دیدگاه آسیب شناسی به جنسی تحویل می کنند<sup>۲</sup>.

این بدین جهت که صوفیان روانکاوان پیرو مکتب فروید زندگی ناشی غریزه می غریزه شهوت به شهوت جنسی می گویند که شباهتهای آشکار حتی برابری سندی میان تظاهرات شهواتی تظاهرات عرفانی .

اینکه عرفانی مذهبی یک کاملاً معنوی نهاد آدمی تعبیه جنسی تقلیل و تحویل یکی به دیگری به این معنی که نمی تفسیر تعبیری جنسی کرد ی روانکاوان نیز این کرده «لیدنگ» میرز فروید وی نظریه ی خویش مبنی اینکه مذهبی یک مادی تغییر شکل ای کرده به این گردیده میان این زمینه نامه های برخی کتب .

چنین پیداست که صوفیه ای این که «اجساد» مجازی بیازمایند به الهی جمیع در مرحله ای انسانی ورزیده عاشقی شاهدبازی همجنس گرائی هیچ وقیدی شناخته ین آنچه روانشناسی تحقیق که امکان ه نهفته به عاطفه ی دیگری تبدیل صوفیه به این نکته توجه داشته گفته : بچه های هر چند دامها ریسمانهای شیطانند دستاویزهای عرفانی نیز هستند همچنانکه « انطاکی»

---

□ . التصیه ، صوفی نامه ، □□□□□□.

□ □□□اری ، عشق صوفیانه ، ص□□□.

گفته می دوستی به آفریننده رسید که فانی طریقه ی  
باقی<sup>۱</sup>.

بدین جهت می بینیم همه ی صوفیه چنین انحرافی زندگی صوفیانه آنها  
خالی به همان عشقهای انحرافی به حقیقی (توحید) یده !!  
اینجا می صوفی ی عاشقی دیوانگی برای ماهرویان ...  
ناشی همجنس پسندانه شکست عشقی سرخوردگی جنسی . این فکر  
کاملاً تعالیم . پیامبر اکرم ( ) می فرماید :  
» شیئاً معه<sup>۲</sup> . (هرکس هرچه داشته میکند) به

( ) پرسیدند :

» ذکر الله قها غیره<sup>۳</sup> . (دلہائی که یاد  
می ( )

این حدیث میشود کسانی که می دلہای آنها یاد  
یاد به نمی .

پیشوایان که روی زمین هستند یک کلمه کردن  
ماهرویان به گناہان چگونه طریق توحید الہی  
می دهند<sup>۴</sup> .

---

□ . علیرضا ذکاوتی ، ابن فارض ، شاعر حب الہی معارف آذر ، اسفند □□□□ □□□□ □□□□ . □□□□ .

□ . سفینة البحار ، ج □□ □□□□ .

□ . سفینة البحار ، ج □□ □□□□ .

□ . در این باره به کتاب عرفن و تصوف ، ص □□□□ مراجعه شود .

راستی      وقیحانه      بی‌شرمانه      این‌کار صوفیان بچه‌بازی (به)      شاهد بازی) که      رین  
کثیف‌ترین      ها      های      می‌داشته      زمینه      دریافت فیض      حقیقی دانسته  
!!

بسیار عجیب      که      (صدر المتألهین) (متوفی 1050) فصلی      به  
خوبرویان      ی ماهیت      به پژوهش پرداخته      .      که  
پیدایش      به      وی      شمایل      جمله      نیکو      طریق نیل به      می  
که      »      به خوبرویان      چیزی      اشتیاف      علاقه به رؤیت      انسانیت نیست  
انسانیت نیز چیزی      که بسیاری      خداوندی      ظاهر      .  
وظاهر همواره      پیوسته      حقیقت ...      ای که به سوی حقیقت کشیده  
«.

المتألهین      بدنمای انکار      فقهاء متشرعین      مجازی      به      تقسیم می‌کند که  
:      نفسانی      حیوانی      نفسانی عشقی      که      مشابَهت      مشاکلت جوهری میان  
پدید می‌آید      حیوانی عشقی      که      شهوت بدنی      بهیمی      این  
توجه      تنها به ظاهر پاکیزگی      ناشی می      آنکه      حیوانی برعکس      مقتضای  
بیشتر      نوعی      همراه      <sup>1</sup>.

البته این تقسیمی که      مجازی ارائه      تازگی      بلکه      غزالی      دوگونه  
مجازی      گفته که یکی کار      به لیلی که      برای کشیدن      الهی می  
<sup>2</sup>.

دیگر      مجازی کار      که شهوانی      دلها نصیبی      شاهد بازی حقیقت      این شاهد مجازی  
که روی نیکو      <sup>1</sup>.

---

□ . ابراهیم دنیائی ، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی ، ص □□□ - □□□ - ستاری ،

عشق صوفیانه ، ص □□□ .

□ . تمهیدات ، ص □□□ - □□□ .

غزالی البته تمنای می کرده زیرا نه صوفیان هیچگاه دیدار خوبروی روی کشیده نه بعضی صوفیه پرستی بدین که انسانی منهاج ربانی آئینه بیشتر به دلیل به نهاده که به بیشتر به ظاهر می نماید.

### به جای

دین فطری طبیعی به نیروها استعدادهایی که به خاصی . حکیم به صیانت تأمین زندگی حیات فردی نوعی انسانی تمایلاتی نهاد آدمیان به ودیعه هر یک این خواهشهای عاطفی جای ضروری کمال .

نه استعدادی سرک می که واقعیش کمتر نه بی یکی آنها بیش توجه بیشتری می . ی هر یک دانسته هر کدام برای بشریت به گیری صحیح می کند تمایلات عاطفی بزرگترین محرک نیرومندترین تهییج و عاطفه گاهی آدمی خیر و خوبی تحریک می کند عالیتین سجایای اخلاقی انسانی می گاهی به ناپاکی تهییجش می ارتکاب خطرناکترین جنایات می .

» « یا یکی این که هر تأثیر عمیقی می بدبختی هرکس مستقیمی . تاریخ این غریزه کارهای برجسته ای به همین دلیل همیشه توجه ولی به هر حال نباید کرده که بازوی کارهای به این معنی به آگاهیهای می دهد به حرکت در مسیر آگاهیها می مایه تخریب .

هر رنگی سطحی زیبایی رابطه چنانکه «شوپنهاور» می گوید :

» بیست

می بیند . طوفانی

چیزی خرابی پریشانی «فهمیدن» «اندیشیدن» نیست

می فهمیدن اندیشیدن نیز زمین می کند به قله ی

|           |           |           |                           |             |
|-----------|-----------|-----------|---------------------------|-------------|
| زیبائیهای | می آفریند | زیبائیهای | می یابد .                 | یک          |
| فریب      | قوی       | یک        | راستین و صمیمیتی بی انتها | بینائی می   |
| گیرد      | میدهد     | شدید      | عین ناپایدار              | لطیف        |
| در عین    | پایدار    | اطمینان . | رقیب                      | که «هوادران |
| کوش       | خویشتن    | «...»     |                           |             |

شاید به معایب که هیچ کلمه‌ی « دوستی عمیق  
به « به « شدید» تعبیر دیده روایات نیز به به می . مجید  
« رفته نه .

1- آیاتی که دوستی عمیق به گفته

» يتخذ يحبونهم كحب الذين يحب الله...<sup>1</sup>

ترجمه: (بعضی ه ایانی اختیار می کنند آنها می که ولی که ایمان را بیشتر می ).

2- آیاتی که دوستی به گفته:

سوره ی بقره ، آیه    .

«... يحب التوابين يحب المتطهرين»<sup>1</sup>.

ترجمه: ( توبه کنندگان پاکان ).

یا آیاتی :

« يحب المقسطين<sup>2</sup> المحسنين<sup>3</sup> المتقين<sup>4</sup> الصابرين<sup>5</sup> »

« يحب الذين يقاتلون في سبيله كأنهم بنيان<sup>6</sup> »

ترجمه: ( کسانی که می کنند جهاد

نیرومندی یکدیگر همد پیوسته ).

3- آیاتی که دوستی های طرفی محبت های :

دوستی به دوستی به :

« كنتم فاتبعوني يحبكم يغفر لكم ذنوبكم...»<sup>7</sup>.

ترجمه: ( دارید پیروی کنید گناهانتان برایتان ببخشاید ).

«يا أيها الذين يرید منكم دینه یأتی یحبهم یحبونه»<sup>8</sup>.

---

□ . سورة ی بقره ، آیه □□□ .

□ . سوریه ی ممتحنه ، آیه □□ .

□ . آل عمران آیه □□□ .

□ □□ عمران ، آیه □□ .

□ . آل عمران ، آیه □□□ .

□ . سور ی صف ، آیه □ .

□ . آل عمران ، آیه □□ .

□ . سوریه ی مائده ، آیه □□ .

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آید هر که دینش چه باک که خداوند مردمی بیاورد که).

4- کسانی که خدایانی غیر « » برای می کنند آنها همچون می :

« کان آبائکم و أبنائکم اخوانکم ازواجکم عشیرتکم اقترفتموها کسادها مساکن ترضونها الیکم رسولہ جهاد فی سبیلہ... »<sup>1</sup>.

ترجمه: ( ) به خویشان مالهایی که کسب کرده آید تجارتی که از کسادی بترسید، خانه های که به راضی آید پیش جهاد کردن باشید بیاید).

روایتی اکرم ( ) که :

« یؤمن احدکم حتی یکون رسولہ الیه سواهما »<sup>2</sup>.

ترجمه: (خدایا کسی که می چیزی را که به دوستی نزدیک می کند روزی به (

حدیث مشهور که عزرائیل برای به ابراهیم خلیل ( ) کرد:

«هل رأیت خلیلاً یمیت خلیله» ترجمه: (آیا هرگز دیده ای که بمیراند؟).

رسید که :

«هل رأیت یکره حبیبه» (آیا دیده ای هیچ دوستی کراحت داشته ). ابراهیم : ای ملک ! کن !

---

□ . سوریه ی توبه ، آیه □□ .

□ . محبة البیضاء ج □□ □□ .













اطاعتها پرستش‌انیز به محبتی که به همچنانکه ( ) :

تعصبی تظهر حبه هذا العمری فی بدیع

لوکان حبک لاطعته یحب مطیع

» نافرمانی‌کنی اظهار دوستی نمائی به این عجیبی .

دوستیت راستین می‌کردی زیرا که مطیع کسی که «.

الساجدین می یافت . زیرا بی چنانکه المریدین کلام سید

اسلامی منتهای کم کسی باشد که به این ه چنانکه تعالی می فرماید :

«والذین لله دعای کمیل امیر مؤمنان ( ) می‌کند:

«وقلبی ک متیماً» یعنی به دوستی بی بی .

الهی به کرم خویش شیرینی به

به دوستی بی بی

برحمتک یا الراحمین بالله التوفیق

مطلب فقط با ذک

دارالصالح علیہ السلام

[www.daralsadeqh.ir](http://www.daralsadeqh.ir)